پاسخ دانشمندان برجستهٔ مطالعات بین المللی

ویراستهٔ

میرویس بلخی

مصطفی عاقلی

خان محمد خوش فطرت

چگونه کارشناس روابط بین الملل شویم؟

۱

ویراستهٔ میرویس بلخی، مصطفی عاقلی و خان محمد خوش فطرت

چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟

پاسخ دانشمندان برجستهٔ مطالعات بین‌المللی

۱۴۰۲

■ **چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟ (کتاب ۱)**

پاسخ دانشمندان برجستهٔ مطالعات بین‌المللی

- ویراستهٔ: میرویس بلخی، مصطفی عاقلی و خان‌محمد خوش‌فطرت
- نمونه‌خوان: کاکه تاجیک
- برگ‌آرا: خان‌محمد خوش‌فطرت
- طراح جلد: اقبال احسان
- تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
- قیمت: ۱۰۰ فی

مکتب روابط بین‌الملل کابل

+۱۲۰۲۳۰۰۸۰۱

info@ksir.international

www.ksir.international

به‌نام آفریدگار اندیشه و گفتار

فهرست

مقدمه

رشتهٔ مطالعات بین‌المللی هم جذاب است و هم دلهره‌آور؛ جذاب است، چون شما را با مباحث و متون زیادی درگیر می‌کند و از این راه شما می‌توانید چیزهایی زیادی را فرا بگیرید؛ از علم تا ادبیات، از هنر تا تاریخ و از دین تا فلسفه. این رشته ماهیتاً به‌گونه‌ای است که نمی‌توان آن را به یک بُعد از زندگی فروکاست و با یک روش‌شناسی مشخص آن را بررسی کرد؛ گرچه سال‌ها ست آن را زیرمجموعهٔ علوم سیاسی آورده‌اند و با روش‌شناسی‌های دانش سیاست آن را بررسی کرده‌اند. برای نمونه، پس از جنگ اول جهانی، به هدف مطالعات جنگ و صلح این رشته پایه‌گذاری شد. بنابراین، اگر کسی بخواهد این رشته را به گونه‌ای میان‌رشته‌ای و یا فرارشته‌ای بفهمد، چیزهایی زیادی در باره ابعاد گوناگون زندگی دانسته است و به همین دلیل، دانایی به‌خودی خود جذاب و دل‌پذیر است.

در کنار این‌همه جذابیت، دلهره‌آور نیز است. زیرا دامنه‌ای بس فراخ و گسترده دارد و یادگیری آن زمان‌بر است. این رشته در

کنار این‌که گسترده است، نیز پیچیده می‌باشد، زیرا بِده‌وبستان زیادی با علوم دیگر (چه طبیعی، چه اجتماعی) دارد. از این دید، شکیبایی زیادی می‌خواهد تا یک دانشجو بتواند از میان انبوهی از زیرشاخه‌ها و حوزه‌های مطالعاتی آن دست به انتخاب زده و خود را در آن حوزه سرآمد سازد. با این همه یادگیری آن برای کسانی که در چند رشتهٔ علوم اجتماعی، به‌ویژه علوم سیاسی، مطالعات مقدماتی دارند کار دشواری نخواهد بود. کافی است دانشجو از نظریه‌های کلاسیک و مدرن آگاهی داشته باشد. آگاهی از آن نظریه‌ها جهان‌های متفاوتی را به دانشجو پیشکش می‌نماید که می‌تواند میان آن‌ها دست به مقایسه بزند و به یک راه سومی و جدید نایل آید.

این کتاب نگاه علمی به روابط بین‌الملل ندارد، یعنی کتابی نیست که دانشجو انتظار فهم نظریه‌های روابط بین‌الملل را داشته باشد، بلکه این کتاب رهنمایی است برای تقویت مهارت‌ها و افزایش توان کارشناسانه و تحلیل مسائل. این کتاب به مثابهٔ رهنمودی است که به دانشجو کمک می‌کند، چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شود. پاسخ به این پرسش را نمی‌توان در متون موجود علمی روابط بین‌الملل جست؛ زیرا در این متون دست‌یافتنی نیست، مگر این‌که به دانشمندان برجسته و کارشناسان این رشته در سطح جهان مراجعه شود. آن‌گاه می‌توان از دانش و تجارب آن‌ها آموزه‌هایی را یافت که کمک

می‌کنـد دانش‌جویـان به‌خوبـی بتوانیـد تبدیل به یک کارشـناس روابط بین‌الملل شـوند. در صنف‌های درسـی، همواره می‌پرسـند که چگونه می‌توان کارشـناس روابط بین‌الملل شـد؟ این پرسشـی نبوده و نیسـت که من به‌سـادگی بتوانم به آن پاسـخ مسـتقیم و سر راسـت بدهم؛ زیرا، هر کارشـناس تجربهٔ منحصربه خود را دارد که لزومـاً با یک‌دیگر هم‌خوان نیسـتند، ای بسـا که راه‌هـای مختلفی نیـز رفتـه اند. مگربـا خوانـدن این کتـاب دانش‌جویـان می‌توانند برخـی مهارت‌هـا را بیاموزنـد. گرچـه ۷۵ دانشـمند، بـه نـکات گوناگونـی تاکیـد کردنـد ولی با آن‌هـم می‌تـوان مخرج مشـترکی را نیـزازمیـان صدهـا نکته بیرون کشـید کـه در نتیجه‌گیـری به آن پرداخته خواهد شـد.

ایـن متون در یک تـارگاه انترنتی به‌نام «نظریه سـخن می‌گوید[1]» منتشـرمی‌شـود که یـک مجتمـع تعاملـی و مباحثـه‌ای در روابط بین‌الملـل بـا تاکیـد بـرموضوعـات کلیـدی اسـت. میزبـان این تارگاه با دعوت از کارشناسـان برجسـتهٔ مطالعـات بین‌الملل برای توضیـح کارهـای علمـی خـود در تبییـن پرسـش‌های مهـم به آن پاسـخ می‌دهند. هـدف اصلی ایـن تـارگاه تولید دانـش و مهارت بـرای علاقه‌منـدان و دانش‌جویـان مطالعـات بین‌المللی اسـت.

ایـن کتـاب یـک پرسـش محـوری دارد: «چگونـه کارشـناس

1 .Theory Talks

Theory Talks is an initiative by Peer Schouten and is registered as ISSN 2001 -4732 |2008 -2012 -http://www.theory-talks.org/

روابـط بین‌الملـل شـویم؟» هر دانشـمند مهـم در روابـط بین‌الملل کـه در ایـن کتاب از او مطلبی آورده شـده اسـت، به این پرسـش از زاویه‌هـای زندگـی، علمـی و تجربی خـود پاسـخ گفته‌اند.

کتـاب حاضـر اولین کتاب از سلسـله کتاب‌هـای جیبی، زیر عنـوان «چگونه کارشـناس روابط بین‌الملل شـویم؟»، بـوده که در دسـت‌رس شـما قرار گرفتـه اسـت. برگردان متـن از انگلیسـی به فارسـی توسـط کسـانی انجام شـده اسـت که از یک‌سـوبـه زبان انگلیسـی آشـنا بودنـد و از سـوی دیگـر بـا علـم روابـط بین‌الملل سـروکار داشـته‌اند. هم‌چنـان، در ایـن کتـاب بـرای فهـم و درک بیش‌تـر دانش‌جویان رشـتۀ روابـط بین‌الملل، برخـی از کتاب‌های پایـه از دانشـمندان ایـن حـوزه و حوزه‌هـای مرتبـط معرفـی شـده اسـت. این آثـار کمک می‌کنند کـه دانش‌جویان بـه درک عمیق و گسـترده‌ای از تاریـخ، فلسـفه و علـم روابط بین‌الملل برسـند.

بدین لحاظ، از همه دوسـتان و دانش‌جویانی که در ترجمۀ این اثـر (حتی یک سـطر) سـهم گرفته‌اند، ابـراز امتنان و سـپاس‌گزاری می‌کنـم. هم‌چنان از مکتـب روابـط بین‌الملل کابل بـرای چاپ و نشـر این کتاب سپاسمندم.

میرویس بلخی

مکتب روبط بین‌الملل کابل

۱۴۰۲

چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟

استفن والت[۱]
برگردان: مصطفی عاقلی

در این جا می‌توانم به سه چیز بیندیشم. اول، شما به دانش زیادی از دنیای واقعی و تاریخ مرتبط به آن نیاز دارید. گرچه فهم ماهیت و محتوای آن دشوار خواهد بود؛ با این حال، در درک سیاست معاصر جهان بسیار خوب است. ارزش هر نظریه در نهایت به توانایی آن در توضیح آن‌چه واقعاً رخ داده است، بستگی دارد و دانستن چیزهای زیادی دربارۀ ماهیت رخدادها کمک می‌کند تا نظریه‌های واقعی بسازیم که بتوانند واقعیت را درست توضیح دهند.

افزون برآن، این به معنای دانستن چیزهای زیادی دربارۀ تاریخ جهان است؛ کسانی مانند من که دوره‌های تاریخ دیپلماتیک را در امریکای شمالی آموزش دیده‌اند، گرایش به تاریخ اروپا یا شاید تاریخ آن سوی اقیانوس اطلس (شرق) داشته باشند. مگر تا زمانی که یک کارشناس منطقه‌ای نشوید، نمی‌توانید اطلاعات زیادی در مورد تاریخ و سایر مناطق جهان به دست آورید. امروز، با این وجود، باید تلاش شود تا هرچه بیش‌تر

---

۱. Stephen Walt، نظریه‌پرداز توازن تهدید از رویکرد نئوواقع‌گرایی ساختاری (شاخۀ تدافعی)، استاد دانشگاه هاروارد

در مورد آن‌چه در آسیای جنوبی یا امریکای لاتین یا آسیای شرقی یا افریقا رخ داده است، آموخت. زیرا، تاریخ هم بستر دادهٔ اصلی برای آزمایش نظریه‌ها است و هم این‌که چگونه ما گذشته را از رفتار امروزی درک می‌کنیم. از این رو، این اولین نکتهٔ علمی در مورد دنیای واقعی است.

دوم، ظرفیت ساده‌سازی است. نظریه به‌طور کلی برای این است که بفهمیم ماهیت یک پدیدهٔ خاص چیست. این در مورد انتزاع، از بین بردن عناصر اضافی و رسیدن به آن‌چه واقعا اتفاق می‌افتد، است و این مستلزم تخیل (یعنی توانایی تصور چیزها با مفاهیم ساده نسبت به مفاهیم پیچیده؛ و از بین بردن چیزهای پیرامونی و درک ماهیت یک پدیده اجتماعی) است. هم‌چنین توانایی استدلال، برای به‌دست آوردن ایده از یک قلمرو و مشاهدهٔ این‌که کاربست آن در یک حوزهٔ متفاوت (مادامی که روش‌های آن قیاسی نباشند) امکان‌پذیر باشد. بنابراین، گام دوم شامل این است، آن‌چه که مربوط دانش واقعی است تمرکز کنید و چیزهایی را که برای دیدن رخدادها مهم نیست، دور کنید. برخی در این مورد بسیار خوب هستند و دیگران نه.

از دید من، می‌توانید از راه آموزش دانش‌جویان این شایستگی را بیازمایید و از آن استفاده کنید، مگر اغلب این یک کیفیت ذهنی است که برخی افراد دارند و دیگران ندارند.

سوم، همه باید حداقل یک آموزش مقدماتی ویژه در مورد روش‌های استنباط عِلی و طرح تحقیق داشته باشند. روش تحقیق به شما کمک می‌کند تا دانش با اعتباری تولید کنید. مگر فهم نظریهٔ پژوهش به تنهایی کافی نیست، باید طرح تحقیق و چگونگی اجرای آن را نیز بدانید. من نیازی به آموزش کامل روش‌های کمی و کیفی نمی‌بینم، مگر اصول اولیه طرح تحقیق، و یادگیری چگونگی نتیجه‌گیری درست از یک الگوی شواهد و نیز ظرفیت آزمایش دقیق ایده‌ها بنیادی است. اگر آن را ندارید، اصول آغازین را اشتباه می‌سازید، و پاسخ نادرست می‌گیرید.

برخی‌ها به نظریهٔ صرف تاکید می‌کنند و برخی دیگر به روش عملی، بدون زمینه‌ها و بسترهای روش‌شناسی آن؛ باید دانست هردو نیاز اساسی است. در نهایت اهمیت آن‌ها در کاربست‌پذیری آن‌ها برای شناخت رخدادها و پدیده‌های جهان واقعی است. پس تاجایی که می‌توانید، آن‌ها را در مقام ابزار شناخت و تولید دانش در نظر بگیرید. موضع ابزارگرا در استفاده از نظریه و روش کمک می‌کند تا در دام تعصب علمی نیفتیم و نگاه فراخ‌تر و سودمندتر به شناخت جهان واقعی داشته باشیم.

سخن کوتاه: ۱) یک منطقه را انتخاب و درباره آن مطالعه کنید؛ ۲) ظرفیت ساده‌سازی را در خود پرورش دهید؛ و ۳) روش پژوهش و طرح پژوهش را بدانید و از آن استفاده نمایید.

کتاب پایهٔ شمارهٔ یکم
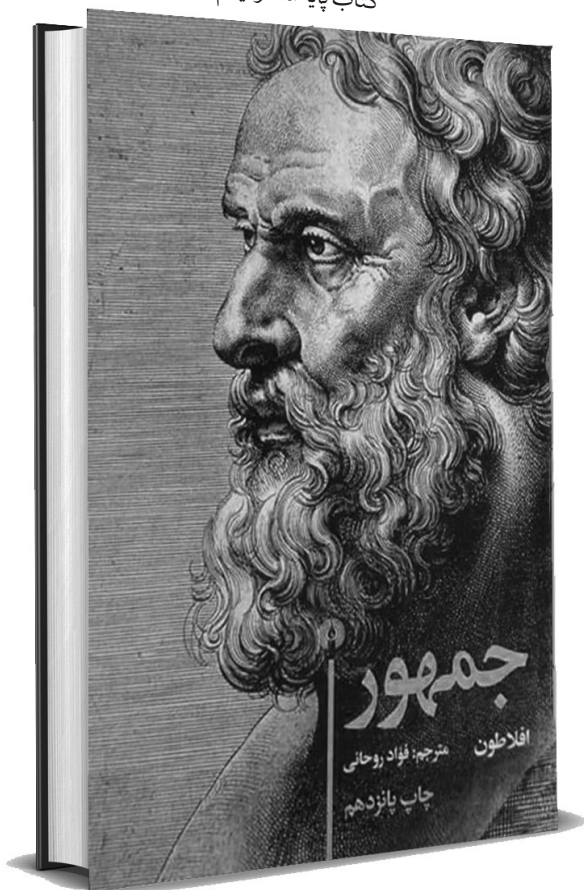
چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟

ارنت لِجفارت[۱]

برگردان: جمیل احساس

با وصف این‌که به‌گفتهٔ دیگران، من خارج از جریان‌های جهان اکادمیک هستم، مگر باید بگویم که مطالعهٔ زیاد نیاز دارید و آن‌هم در صورت امکان در یک مکانی که چشم‌انداز جهانی بالای موضوعات داشته باشید. با این‌که تغییرات نهایت سریع به نظر می‌رسند، باور دارم که ایالات متحده امریکا تاهنوز هم برای فراگرفتن دانش بی‌نظیرترین گزینه است. فشاری که در آن‌جا دانش‌جویان باید متحمل شوند خیلی زیاد است، مگر نتیجه آن فوق‌العاده خواهد بود.

پس یک دانشجو باید بکوشد، علوم اجتماعی را فرا گیرد و مطالعات روش‌مند را در روابط بین‌الملل دنبال کند؛ مطالعات متمرکز و متون دست اول دانش روابط بین‌الملل به این مسأله کمک می‌کند. در کنار آن دانشجو تا اندازهٔ توان بکوشد که در امریکا درس بخواند، زیرا معیارهای علم در آن‌جا باکیفیت است و با توجه به این‌که دانشمندان زیادی در حوزه‌های روابط بین‌الملل درگیراند، می‌توان با آن‌ها وارد تعامل سازندهٔ علمی شد.

---

۱. Arend Lijphart، کارشناس تقسیم قدرت در افریقا، استاد دانشگاه کالفورنیا.

کتاب پایهٔ شمارهٔ دوم
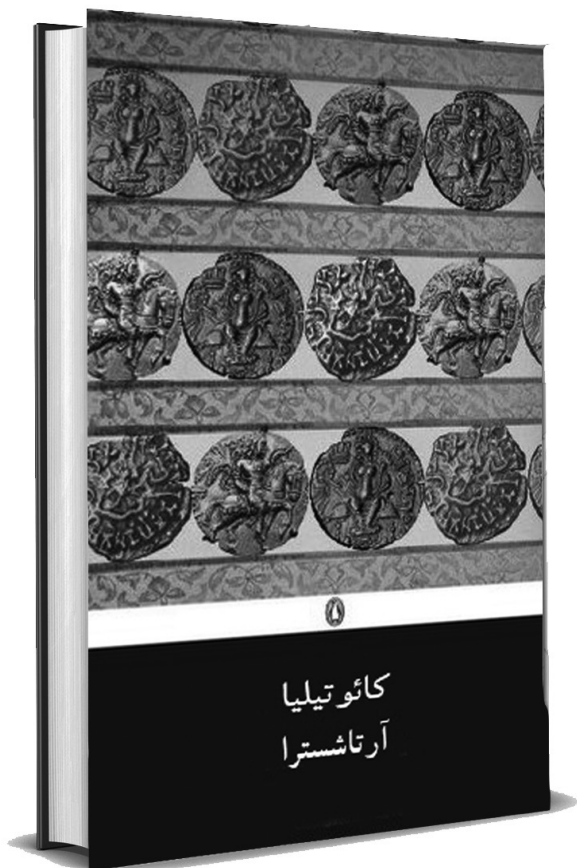
چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟

استفن کراسنر[۱]
برگردان: جمشید یما امیری

از دید من، رشتهٔ ما بسیار نامتجانس است. داشتن مهارت‌های چندگانه، دانشجو را قادر می‌سازد ابزارهای تحلیلی مناسب را به‌منظور تشخیص و حل چالش‌ها انتخاب کند. چارچوب‌ها کمک می‌کنند تا دانشجو داده‌ها را رابطه‌مند ببیند. چارچوب‌های گوناگون تحلیلی نیز کمک می‌کنند که دانش‌جویان از راه مقایسهٔ واقعیت‌ها و رخدادها را به خوبی توضیح دهند. مدل‌های هر نظریه نیز لازم است، زیرا هر نظریه مدل خاص خود را دارد و فهم مدل ساده‌سازی شدهٔ نظریه و نزدیک‌ترین چیز به رخداد و واقعیت است. هم‌چنان دانش‌جویان نیاز دارند که از دانش احصاییه، مطالعات موردی و آرشیف‌های تاریخی استفادهٔ مناسب نمایند.

کتاب اخیر «مایکل توماس» در مورد اعتماد و همکاری بین‌المللی، یک نمونهٔ بارز از استفاده امکانات درست در موقعیت‌های مناسب می‌باشد.

---

۱. Stephen Krasner، نظریه‌پرداز دولت‌های ورشکسته و رژیم‌های بین‌الملل، استاد دانشگاه استنفورد.

کتاب پایهٔ شمارهٔ سوم

سیاست

ارسطو

مترجم: حمید عنایت
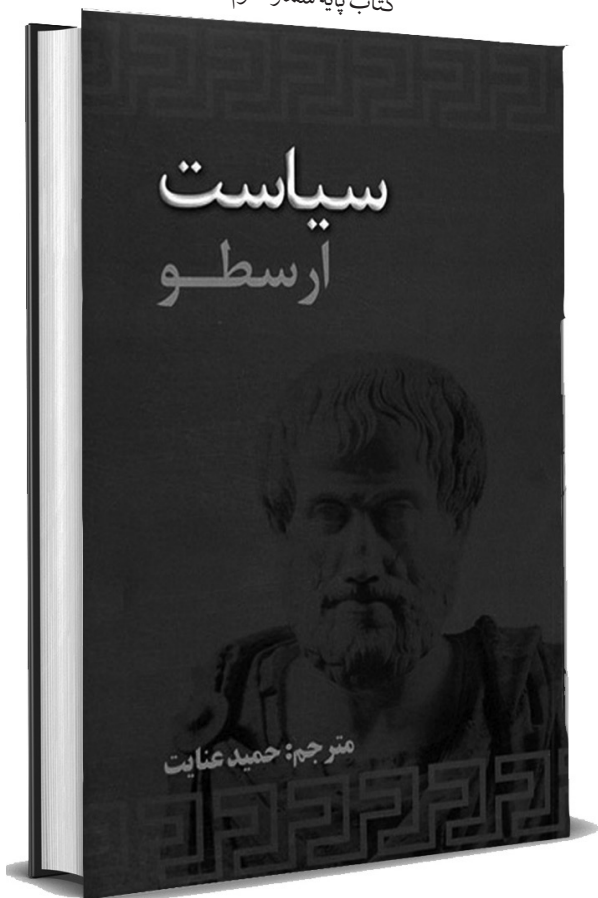
چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟

الکساندر دوگین[۱]
برگردان: هوشمند روهگر

زمانی که علم به‌سوی میان‌رشته‌ای شدن می‌رود، فکر می‌کنم مهم‌ترین چیز آشنایی با فلسفه و جامعه‌شناسی است که توسط یک روش پارادایمیک هدایت می‌شوند؛ تجزیه و تحلیل انواع جوامع، فرهنگ‌ها و ساختارهای فکری در مسیر پیشامدرنیته، مدرنیته و پست‌مدرنیته یک نیاز اساسی در بررسی‌های علمی و شناخت عمیق است. اگر کسی تغییرات معنایی را در این سه حوزهٔ معرفتی و هستی‌شناختی یاد بگیرد و ردیابی نماید، به او کمک خواهد کرد تا با هر نظریهٔ مشهور روابط بین‌الملل معاصر آشنا شود. نظریهٔ سیستم‌های بین‌المللی نمونه‌ای از چنین طرح کلی‌سازی و بسیار مفید است.

امروزه از یک‌سو باید کارشناس روابط بین‌الملل با ساختارشکنی آشنا باشد و حداقل از آن در شکل اولیه استفاده کند. در غیر این صورت، خطر بزرگ چشم‌پوشی از مهم‌ترین موارد وجود دارد؛ زیرا، نادیده‌گرفتن روش‌های پست‌مدرن سبب می‌شود که بسیاری از موارد را بدون توجه به بسترها و زمینه‌های

---

۱. Alexander Dugin، کارشناس اوراسیا گرایی، جیوپولیتیک دریا- زمین ونظریه چند قطبی روسی، استاد دانشگاه دولتی مسکو.

آن داوری کنیم، که به سخن پست مدرن‌ها ممکن است به حاشیه‌رانی گروه اقلیت کمک کنیم؛ چیزی که با کثرت‌گرایی در تضاد است. از سوی دیگر، سررشتهٔ بسیار مهم، تاریخ و علوم سیاسی است. علوم سیاسی تعمیم، ساده‌سازی مطالب را ارائه می‌کند و تاریخ طرح‌ها را در متن آن‌ها قرار می‌دهد. تنها سررشتهٔ حوزهٔ اقتصاد و اقتصاد سیاسی را در وهله سوم قرار می‌دهم؛ اگرچه امروز هیچ مشکلی در روابط بین‌الملل نمی‌تواند بدون اشاره به اهمیت اقتصادی فرآیندها و تعاملات مورد بررسی قرار گیرد؛ زیرا، اقتصاد جزو جدایی ناپذیر زندگی است.

در آخر، پیشنهاد می‌کنم که به عنوان یک اولویت، با سیاست جغرافیایی و روش‌های آن خوب آشنا شوند. این روش‌ها بسیار ساده‌تر از نظریه‌های روابط بین‌الملل هستند، مگر اهمیت آن‌ها بسیار عمیق است. در ابتدا، ساده‌سازی‌های سیاست جغرافیایی یک اثر فوری ایجاد می‌کند. فرآیندهای پیچیده و درهم پیچیدهٔ سیاست جهان در یک چشم به‌هم زدن قابل درک می‌شوند. مگر برای تعیین چگونگی دست‌یابی به این تأثیر، نیاز به مطالعهٔ دوامدار و جدی از سیاست جغرافیایی است که بیش از حد سطحی و سیاست جغرافیایی انتقادی را محدود می‌سازد. آن‌ها در آغاز پیش‌بینی سیاست جغرافیایی و ساختارشکنی تمام عیار ایستاده‌اند، مگر خود را قهرمان آن می‌دانند. آن‌ها این کار را به صورت زودرس انجام می‌دهند.

چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟

الکساندر ونت[۱]
برگردان: یوسف نوابی

اگر کسی بخواهد به‌صورت مشخص طرف‌دار استدلال نظری باشد، باید بتواند در مورد یک استدلال که یک مهارت مفهومی و تحلیلی است، بسیار منظم و منطقی فکر کند. فکر می‌کنم، اگر فرد با طیف وسیعی از نظریه‌های روابط بین‌الملل آشنا باشد، در دست‌یابی به این امر کمک شایانی می‌کند. زیرا، در غیر آن صورت، خطر تمایل به دگماتیزم (جزم‌گرا) شدن وجود دارد.

در واقع چنین تلقی وجود ندارد که بیش‌تر دانشمندان روابط بین‌الملل باید نظریه‌پرداز محض باشند. حتی در میان دانش‌جویان دکتورای خودم، تعداد نسبتاً کمی وجود دارند که می‌گویم بروید و نظریهٔ محض فرا بگیرید. نه به این دلیل که آن‌ها به اندازهٔ کافی باهوش نیستند تا نظریه‌پرداز باشند، بلکه به این دلیل که بازار کار به‌طور کلی طرف‌دار آن‌هایی است که از مشارکت قابل توجهی در فعالیت‌های عملی برخوردار باشند.

نظریه باید کارا، کاربست‌پذیر و قابل استفاده باشد. هم‌چنان نظریه باید بتواند حوزه‌های کاربردی را پوشش دهد و توانایی حل

---

۱. Alexander Wendt، نظریه‌پرداز سازه‌انگاری در روابط بین‌الملل؛ استاد دنشگاه ایالیتی اوهایو.

مسائل دنیای واقعی را داشته باشد. در پایان می‌توان گفت که ما (مجموعهٔ دانش‌پژوهان روابط بین‌الملل) قرار است دانش‌جویان جهان واقعی باشیم، تا یک نظریه‌پرداز محض.

اما اگر می‌خواهید به‌طور کلی کارشناس روابط بین‌الملل شوید، می‌گویم: دکتورا بگیرید. جدای از آن، زمانی که در دههٔ ۸۰ دانشجو بودم، برداشت من این بود که بسیار مهم است تا به آن‌چه خارج از حوزهٔ تخصص روابط بین‌الملل منتشر می‌شود نگاهی داشته باشم. زیرا کارهای زیادی وجود دارد که من آن‌ها را «روابط بین‌الملل» می‌پندارم که توسط جامعه‌شناسان، مردم‌شناسان، وکلا، فیلسوفان و نظریه‌پردازان سیاسی منتشر شده است.

بسیاری از جالب‌ترین پرسش‌ها خارج از حوزهٔ روابط بین‌الملل مطرح شده است. این تنها خروج از حباب کوچکی است که دانش‌جویان در آن آموزش می‌بینند و همهٔ ما در آن زندگی می‌کنیم. حتی نظریه‌پردازان بزرگ و شناخته شده‌ای مانند والتز و کوهن، خارج از حوزهٔ ما با انتخاب نظریهٔ منطقی الکساندر ونت پرداخته‌اند که از اقتصاد نشأت می‌گیرد. این به این معناست که برای کارشناس شدن نیاز جدی به مطالعهٔ تحقیقات انجام شده کسانی است که ظاهرا خارج از حوزهٔ روابط بین‌الملل وجود دارند. پس هم نیاز به تحقیقات موردی دیگران داریم و نیاز به نظریه‌های دیگر علوم تا از دگم‌اندیشی پرهیز شود.

چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟

امانوئل والرشتاین[۱]
برگردان: عمرالدین عابد

این واقعاً کار سادهٔ نیست، مگر هم‌چنان، ناممکن نیز نمی‌باشد. همان‌گونه که مشارکت‌کنندگان در ویب‌سایت شما پاسخ داده‌اند «گرفتن دکتورا»؛ برای من کافی نیست.

عمیق شدن در دانش تاریخی از سیستم مدرن جهان که حداقل پنج قرن گذشته را شامل می‌شود؛ یک شرط حتمی بوده؛ آگاهی از پرسش‌های معرفت‌شناختی که علوم اجتماعی نوین را به ستوه آورده است، نیزمهم بوده و سپس درک اساسی از چگونگی عمل‌کرد سیستم جهانی سرمایه‌داری به عنوان یک سیستمی که طی چند صدسال گذشته فعالیت داشته است و شامل سیستم درون کشوری هم می‌شود، یک امر بنیادی می‌باشد. شاید یک مسأله مهم‌ترنیزوجود داشته باشد که مربوط به خواندن آثار کلاسیک می‌شود. به اندازهٔ کافی باید هر آن‌چه نویسندگان کلاسیک می‌گویند، باید دوباره مورد تجزیه و تحلیل قرار بگیرد؛ زیرا نوشته‌های آن‌ها محدود به جهانی می‌شود که در آن زندگی کرده‌اند و اندیشیده‌اند. مگریکی از

---

۱. Immanuel Wallerstein، نظریه‌پرداز نظم جهانی، پایان سرمایه‌داری و یک دست‌سازی علوم اجتماعی، استاد دانشگاه بینگامتون.

چالش‌هـای اساسـی دانش‌جویـان ایـن اسـت کـه آن‌هـا معمولاً آدام اسـمیت، مارکـس یـا فرویـد را نمی‌خوانند. بلکه در بـارۀ آن‌ها کتـاب می‌خوانند. وقتی می‌گوینـد «مارکس مسـأله (X) را گفت»، در واقـع منظور آن‌ها این اسـت که «این نویسـنده گفته که مارکس مسـأله (X) را گفت». چنین عباراتی نه‌تنها فیلترشـده نمی‌باشند، بلکه در سه‌چهارم زمان نیز به سـادگی اشـتباه یـا حداقل تحریف شـده‌اند. راویـان دیدگاه‌های نویسـندگان کلاسـیک اغلـب آن‌ها را خـارج از متـن می‌آورنـد، یـا نظریات‌شـان را خیلـی ناچیـز ذکـر می‌کننـد و یـا هـم گاهـی اوقات به سـادگی یـک متن اصلـی را به اشـتباه تعبیـر می‌کنند. پـس قاعـدۀ مهم بـرای دانش‌جویـان این اسـت که در صـورت علاقه‌مندی زیـاد برای مطالعـه، متن اصلی ارزش خوانـدن را خواهد داشـت.

پـس از چالش‌هـای یـاد شـده، بـا چالـش زبان‌شـناختی نیـز مواجـه اسـتیم. دانش‌جویان، به‌ویـژه در امریکا باید تسـلط بیش‌تر بـر زبان‌ها نسـبت به حال داشـته باشـند، چـون ترجمـۀ ایده‌های نویسـندگان کلاسـیک به مشـکل قابل شـناخته بـوده و ایده‌های مارکـس و وبـر همانـنـد بسـیاری از چهره‌هـای مهـم دیگـر در علوم اجتماعی، برای چندین‌بار اشـتباه ترجمه شـده‌اند. یکـی از موارد بـرای دانش‌جویـان ایـن خواهد بـود کـه باوجود تعصـب فرهنگی در غـرب، بـه آموختـن زبان‌ها بپردازنـد. اگـر واقعـاً نمی‌خواهند یا نمی‌توانند، پس متنی را که درسـت ترجمه شـده اسـت، بخوانند.

چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟

امیتاو آچاریا[۱]
برگردان: رحیم اعظمی

چهار شاخص: اول، باید پذیرفت این‌که روابط بین‌الملل بیش‌تر یک دانش اجتماعی غربی یا امریکایی است. ما نیاز داریم که روش‌های بیش‌تری برای یک جهان‌بینی تاریخی دقیق ایجاد کنیم. ما نیاز داریم که جهان‌بینی‌های بدیل در دانش روابط بین‌الملل را مدنظر داشته باشیم. برای نمونه، فکر کنید به این‌که اگر نظریه‌های روابط بین‌الملل از کشورهای حوزه اقیانوس هند و یا قلب آسیا برمی‌خاست، نه از حوزه کلاسیک مدیترانه و یا اروپای مدرن، چگونه می‌بود و بعد مقایسهٔ این دو با گرایشی که در بالا ذکر کردم.

دوم، کسب دانش عمیق یک یا چند حوزهٔ جهان، تمایز روش سنتی میان روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای امروزه غیرمرتبط است. زمانی‌که کارم را در روابط بین‌الملل آغاز کردم، احساس کردم که بهترین دانشمندان این حوزه آن‌هایی اند که دانش نظری را با دانش تجربی خودشان در یک یا چند منطقه آمیخته‌اند و این امر ثابت شده است. من از زمانی‌که فراگرفتن

---

۱. Amitav Acharya، کارشناس پیوستگی مناطق، آسه آن و جهان‌گرایی نادرست غربی روابط بین‌الملل، استاد دانشگاه امریکایی واشنگتن.

دانـش نظـری روابـط بین‌الملـل را آغـاز کـردم، تـا حـال متمرکز به هـردو بخـش بـوده‌ام. همیـن بود کـه مـن رویکـرد اسـتقرایی را به رویکردهـای قیاسـی ترجیـح داده‌ام. برای والتزی‌هـا به خاطر حقیر شـمردن کارهـای اسـتقرایی توجه نکـردم. در عوض، مـن خودم را بیش‌تـریـک دانشـمندی بـا نظـم منطقـه‌ای و یـا حوزه‌شـناس در علم روابـط بین‌الملل می‌دانم. افـزون برآن، دریافتـم که مطالعات مقایسـه‌ای منطقه‌ای خیلی کارآمد هسـتند. من جذب نظریه‌ها و یـا مواردی بـودم که بر محور ضعف‌هـا یا محلی پرداختـه اند و این را سـاختار محلی نظم جهانـی می‌نامم، چه در سـاختن هنجارها باشـد و یا هم در سـاختن نهادهـا یا حاکمیـت جهانی.

نبایـد این‌گونـه باشـد کـه مطالعـات اروپـا و امریـکا را جـزء مطالعـات روابـط بین‌الملـل دانسـت و مطالعات آسـیا یـا افریقا و یـا امریـکای لاتین را جزء مطالعات سـاحوی، این طـرز دید بیهوده اسـت. چنانچه اسـتفن والت در جریـان مطالعات مـوردی غرب آسـیا برای تشـریح منشـاء اتحادهـا دریافـت، دانشـمندان روابط بین‌الملـل از مدت‌هـای طولانـی بـه مطالعـات مـوردی تاریخی و آمارهـای برگرفته‌شـده از تاریخ روابـط دیپلماتیـک اروپایی‌ها اتکا کرده‌انـد، بـدون این‌کـه کوچک‌تریـن برچسـب نظـر جغرافیایی، زمانی و فرهنگی خورده باشـند. اصلاً چرا باید کسـی اجازه نداشته باشـد که نظریـهٔ روابط بین‌الملـل را بر محور غرب آسـیا، آسـیا و یا افریقا بسـازد؟

سوم، شالوده‌شکنی در محدوده‌های سنتی انضباتی است. برای هر دانشمندی، امکان دارد که به‌جای تکرار مناظره‌های قدیمی، بعضی از ایده‌های جدید و بهتر را از نظم دیگری بیابد. پس از مدتی، معمولا مورد اولی خسته‌کننده و ملال‌آور می‌شود. برای من، بیش‌تر بینش‌هایم از تاریخ‌شناسی سرچشمه می‌گیرند.

چهارم، پرسش‌ها باید به گونهٔ گسترده مطرح شوند در مورد میراث‌های جهانی فکر کنید یا کوشش کنید که مفهوم ایده‌ها را از منظر فرهنگ‌ها و بخش‌های مختلف دنیا ببینید. برای نمونه: نخست، دموکراسی آسان نیست مگر بسیار مهم است. امارتیا سن استدلال می‌کند که بحث و گفت‌وگو در مورد مفهوم بنیادین چون دموکراسی تنها مربوط به غرب نیست، بلکه یک میراث جهانی است؛ دوم، تمرین دموکراسی در هند برخاسته از سنت قدیمی و استدلال نوشتاری است.

مگر هنوز به نظریه‌های روابط بین‌الملل طوری فکر می‌کنیم و می‌نویسیم که گویا همین‌گونه و تقریبا به‌طور کلی تنها از دل میراث غربی برخاسته است. پس چه خوب است که نگاه‌مان را فراتر ساخته و از چشم‌اندازهای گوناگون به ارزش‌های جهان‌شمول نگاهی بیندازیم.

کتاب پایهٔ شمارهٔ چهارم
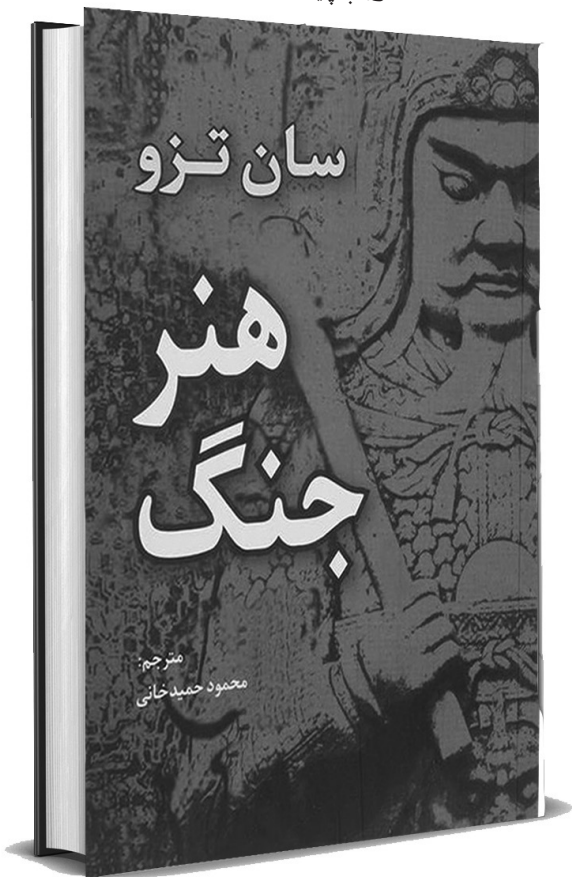
چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟

ان تیکنر[۱]
برگردان: رویا ثاقب

پاسخ این پرسش مربوط می‌شود به این که دانشجو در کدام سطح قرار دارد. در سطح کارشناسی، آگاهی وسیعی از مضامین مرتبط به سیاست جهانی به شمول اقتصاد و تاریخ نیاز است؛ هم‌چنان آموزش زبان مهم بوده و نیز تجربهٔ بیرون از کشور برای ایشان ایده آل است. نیاز است دانش‌جویان را تشویق کنیم که کنجکاو بوده و در مورد جهان دید باز داشته باشند.

در سطح کارشناسی ارشد، پاسخ به این پرسش پیچیده‌تر به‌نظر می‌رسد. تاکیدم در این سطح بالای اهمیت آموزش نظری و روشی این عرصه به شمول آشنایی با فلسفهٔ علم و نظریه‌های غیرغربی روابط بین‌الملل است. باید یک دانشجو بکوشد که فراتر از دایره دید امریکایی به روابط بین‌الملل بنگرد، چون هنوز هم دید امریکایی روابط بین‌الملل در کشورهای بیرون از امریکا مسلط است. اگر دانشجو توان اندیشیدن دیدگاه‌های غیرغربی را پیدا کند، می‌تواند راه‌های زیادی برای ورود به جهان روابط الملل پیدا کند؛ راه‌هایی که غرب پیدا کرده نتوانسته است.

---

۱. Ann Tickner، نظریه‌پرداز روابط بین‌الملل فیمنیستی، استاد دانشگاه جنوبی کلفورنیا.

کتاب پایهٔ شمارهٔ پنجم
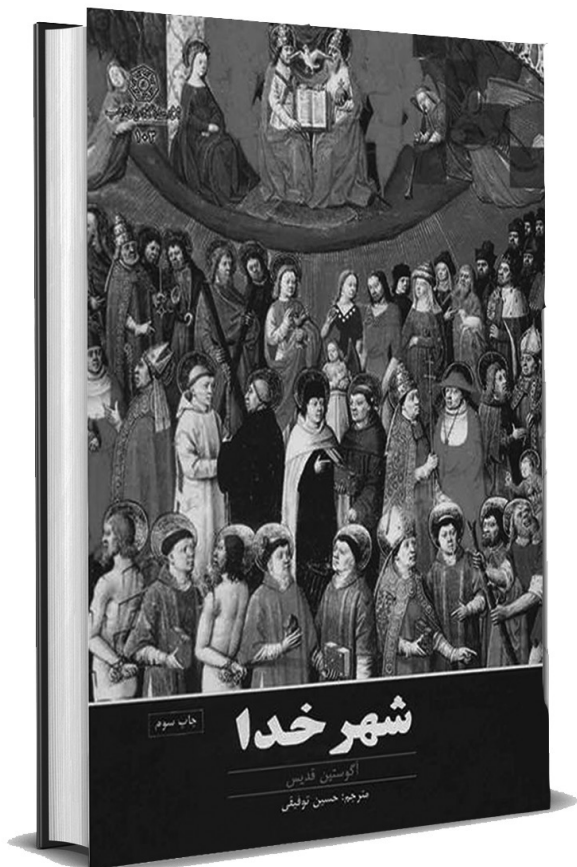
چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟

انتونیومارکینا[1]
برگردان: مریم سیر

فرد باید طیف گسترده‌ای از مسائل را مطالعه کند و کل‌گرا باشد. یک نصاب خوب روابط بین‌الملل باید گسترده باشد و دانشجو را درگیر نسازد تا به سختی در این عرصه تخصص پیدا کند. وقت بگذارید و از مطالعهٔ موضوعات متنوعی مانند، محیط و کالاهای مشترک، اقتصاد، درگیری‌ها، سیستم‌های سیاسی، حقوق بین‌الملل، نهادها و سازمان‌های بین‌المللی، برداشت‌ها و افکار عامه، امنیت، تصمیم‌گیری، فن‌آوری‌های جدید و پیامدهای آنان، تاریخ، فرهنگ‌ها و ادیان لذت ببرید.

برای این‌که بتوانید برخی از مسائل مهم و بحرانی را درک کنید، باید زبان‌های مختلف را بیاموزید و سعی کنید تا فرهنگ‌های دیگران را درک کنید. ما روابط بین‌الملل را می‌آموزیم تا بتوانیم خود را جای شخصی دیگر قرار دهیم و دیدگاه‌های آنان را درک کنیم. فرهنگ و دین تعیین می‌کنند که مردم چگونه خود و دیگران را ببینند و رفتار و روشی را که ما در حال مطالعهٔ آن هستیم تعیین می‌کنند.

---

۱. Antonio Marquina، کارشناس فریب جهانی شدن، امنیت انرژی و چالش‌های سیاست خارجی اروپا، استاد دانشگاه ولینشیا.

کتاب پایهٔ شمارهٔ ششم
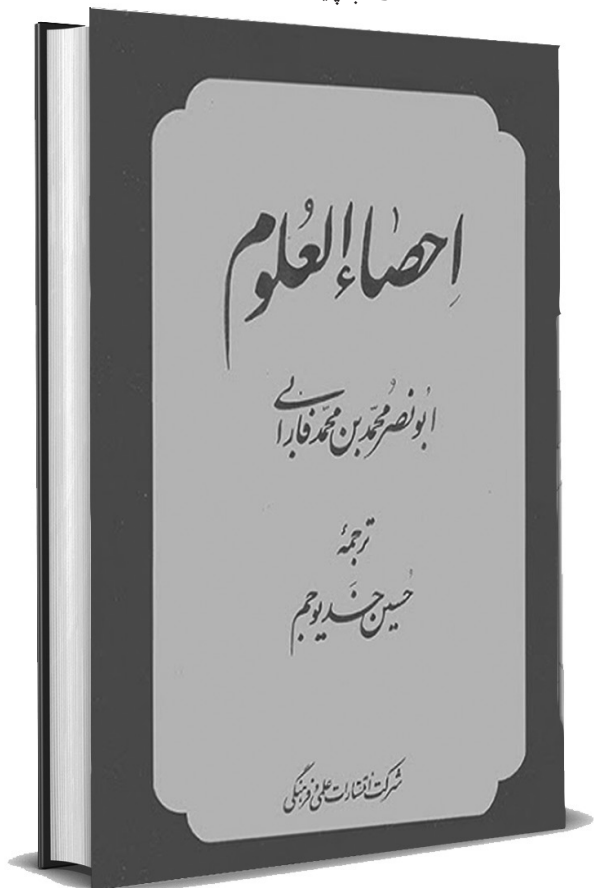
چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟

ایال وایزمن[1]
برگردان: فرخنده فرخ‌زاد

نهادی را که من مدیریت می‌کنم، تنها معمار جذب نمی‌کند، بلکه نیاز داریم که مرزهای انضباط آموزش را باز کنیم. ما با فیلم‌سازان، معماران و هنرمندان کار می‌کنیم. علاقه برای دانستن معماری به عنوان یک رشته تحقیق، شما می‌توانید واقعیت را مورد پرسش قرار دهید، نیاز است. زیرا، این بخش درحال ثبت تغییر مواد است. من معماری را راهی برای تقویت شیوه‌های دیدن چیزهای دنیا می‌دانم، مگربرای من این رشته‌ای مقدس نیست که نباید با آن تماس گرفت و تغییر داد. هم‌چنان از معماری در تمام بخش‌های مرتبط آن در سیاست.

یک استدیو با شرکای بین‌المللی خود در فلسطین دارم. السادروپتی و سندی هلال در این گروه هستند که به نام کاهش مصرف یاد می‌شوند، این گروه مصروف پروژه‌های بسیار خیال‌پرستانه برای کرانهٔ باختری و فلسطین برای بازگشت پناهندگان هستند. بنابراین، من از معماری در تمام بخش‌ها از وحشت‌ناک‌ترین جای برای زندگی گرفته تا آرمان شهرها

---

۱. Eyal Weizman، کارشناس فرهنگ مجازی سیاست بین‌الملل، استاد دانشگاه لندن.

استفاده می‌کنم. معماری روش ساده برای درگیر کردن جهان به سیاست‌های آن است. فضا، راهی برای برقراری روابط بین اشیاء است. در حقیقت، فضا ساکن نیست، بلکه وسیلهٔ ارتباط افراد و اشیاء است. همان‌گونه که همیشه خودِ ماده هم یک واقعیت است، یعنی همیشه در تغییر است. این همان چیزی است که از معماری یاد گرفتم و تلاش دارم تا آن را وارد سیاست نمایم. آن‌چه از مردم نیاز داریم، علاقه به دانستن زیبایی به عنوان یک رشته تحقیق است، نه فقط به عنوان یک بازی لذت‌بخش، بلکه به عنوان یک حوزهٔ بسیار حسی که در آن شما می‌توانید واقعیت را به درستی درک کنید.

بنابراین، به دنبال آن رویکرد انتقادی هستیم که به درک و گمانه‌زنی درمورد این‌که چگونه می‌دانیم چیزی را که فکر می‌کنیم می‌دانیم، می‌باشد. البته، شما بدون ساختارهای انتزاعی نمی‌توانید ببینید، یا نمی‌دانید چه می‌بینید، شما زبانی برای تفسیر یا پرسش ندارید که «ساخت» چیست. این بدان معناست که لزوماً به دنبال ظرفیت‌های نظری در افراد نیستم: من نظریه را راهی برای تقویت روش مشاهده چیزهای جهان، ثبت آن‌ها و رمزگشایی آن‌ها می‌دانم، مگر این حوزهٔ مقدس نیست که من به هر راهی تسلیم آن شوم.

چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟

ایور نیومان[۱]
برگردان: مصطفی مدثر

مهم‌ترین مسأله، آگاهی از چیز دیگری است. شما می‌توانید چیزهای ناپسند زیادی در مورد رسوم مردان سفیدپوست قرن ۱۷۰۰ و ۱۸۰۰، سنت‌های اروپایی بگویید. اگر شما در بارۀ سنت‌های یونانی و رومی مطالعه می‌کردید، متوجه می‌شدید که آن‌ها متفاوت ازهم‌اند. اکنون نگرانی اصلی این است که دانش‌جویان کم‌تربه زبان‌ها توجه می‌کنند. زبان‌ها برای این کار مفید هستند؛ زیرا وقتی آن‌ها را مطالعه می‌کنید با فرهنگ دیگری آشنا می‌شوید. یادگیری یک زبان متفاوت یک مسیر سریع برای یادگیری یک فرهنگ متفاوت است و این یک نیاز است؛ به‌ویژه، نحوۀ آموزش امریکایی‌ها برای دانش‌جویان در این روزها پرسش‌برانگیز شده است. زیرا، اکثر آن‌ها هیچ‌زبانی یاد ندارند و به‌جای این‌که به آن فکر کنند، چیزهایی را می‌شمارند که نسبتی با مسأله واقعی ندارد.

پاسخ مشخص به پرسش شما این خواهد بود که یک یا دو زبان و یا سه زبان را انتخاب کنید و چیزهای دیگری را کاملاً بیاموزید. واقعاً مهم نیست که این روش چیزی غیراز روشی

---

۱. Iver Neumann، نظریه‌پرداز شکل اجتماعی روابط بین‌الملل، استاد دانشگاه اسلو.

است که شما در آن آموزش دیده‌اید یا درک منطقی از یک کشور یا مکان دیگری داشته‌اید، مگر دانستن چیزی درست و متفاوت با آن‌چه شما واقعاً با آن بزرگ شده و ایستاده‌اید، برای خود چالهٔ (گودل) حفر می‌کنید که هرچه دانش شما بیش‌تر جمع می‌شود، عمیق‌تر می‌شود و برای استفاده از امریکایی‌گرایی که من به تازگی برداشتم؛ نتیجه این است که شما خود را فریب می د هید .

سرانجام، فکر می‌کنم یک چالش برای نسل آینده مربوط به نحوهٔ انتشار کارهای دانشگاهی می‌شود؛ انتشار خالص زندگی فکری است که آن را تغییر خواهد داد. مگر ادعای تخصص ویژه در این زمینه ندارم. من به سادگی از مطالعهٔ عمومی خود در زمینهٔ انتقال دانش می‌دانم که چقدر مهم خواهد بود و احتمالاً موضوعی است که بعد از چندسال بر مباحث ما مسلط خواهد شد. شما و سایر افرادی که در این زمینه و مطالعات علوم تبحر دارید، برای انجام کاری قرار خواهید گرفت. استفاده از ابزاری که در زندگی آزمایشگاهی لاتور، ولگار و دیگران مورد مطالعات قرار گرفته است. برای تجزیه و تحلیل آن‌چه شما باید برای تولید دانش در صورت شروع انتشار در کانال‌های منبع ممکن است انجام دهید، فکر می‌کنم این راهی است که به پیش می‌رود و فقط منتظر بیرون آمدن یک انتشارات بزرگ هستم و بسیار جالب خواهد بود.

چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟

برتراند بِدی[۱]
برگردان: مسعود آذرخش

در گام نخست، به دانش‌جویان توصیه می‌کنم که نام رشتهٔ علمی خود را تغییر دهند. همان‌گونه که قبلاً گفته‌ام، آن را «روابط بین‌الاجتماعی» بنامند. آیندهٔ آن چیزی را که ما «روابط بین‌الملل» می‌نامیم، به توانایی فهم تعاملات بسیار غنی، متعدد و متنوع بر می‌گردد که در سرتاسر جوامع جهانی در حال اتفاق افتادن است. این بدین معنا نیست که ما مجبور باشیم نگاه دولت‌محور را کاملاً کنار بگذاریم، بلکه دولت‌ها را [از جایگاه بالاتر] در وسط این بازیگران متعدد عزل کنیم. تا این‌که بدانیم، اغلب اوقات وقتی‌که دولت‌ها با این بازیگران مختلف مواجه می‌شوند، چقدر ناتوان هستند. این اولین توصیهٔ من خواهد بود.

در گام دوم، به پیش بنگرید، نه به عقب. به خود اجازه ندهید که زیر تأثیر مدل وستفالیایی قرار بگیرید و کوشش کنید چیزی را بسازید که به آن نیاز دارید، تقریباً [از زمان قرارداد وستفالیا تا امروز]، کاری برای ایجاد مدل پساوستفالیایی انجام نشده است. فراتر از قدرت، چیزهای وجود دارد که ما تا هنوز

---

۱. Bertrand Badie، کارشناس رنج و روابط بین‌الملل میان ضعف و قدرت، استاد دانشگاه علوم پو- پاریس.

آن‌هـا را بـه صورت درسـت نشـناخته‌ایم و یـا از آن‌ها چشم‌پوشـی کرده‌ایـم، در حالی‌کـه آن‌هـا قوه‌های محـرک روابط بین‌الملـلِ امروز و فردا هسـتند. از این نظر، جامعه‌شناسـی (به ویـژه) می‌تواند مفید واقـع شـود. بـرای نمونه، فکـر می‌کنم کـه امیـل دورکیم الهـام فرد بسـیار مهم برای درک جهانِ امروز اسـت. در این‌جا نویسـنده برای مطالعه و درخواسـت بـه رشـتهٔ روابط بین‌الملل وجـود دارد.

در گام سـوم، فرامـوش نکنیـد کـه رشـتهٔ روابط بین‌المللـل یـا روابط بین‌الاجتماعـی در حقیقـت علوم رنج انسـانی هسـتند. ما بایـد بتوانیـم رنج را در مرکز تفکـر قرار دهیم. ما زمان زیـادی را برای خیره‌شـدن به قدرت از دسـت داده‌ایم، حالا وقت آن است که رنج انسـان را در مرکز توجه قرار دهیم. چرا؟ اول از همه، به این دلیل که از نظر اخلاقی بهتر اسـت و شـاید بتوانیم از آن درس بگیریم. مگر به این دلیل که در سیاسـت بین‌الملل واقعی امروزی، رنج نسـبت به قـدرت بیش‌تر قابل توجه اسـت. ایـن لزوماً یک نـگاه خوش‌بینانه نیسـت، مگر اگر این نگاه به رسـمیت شـناخته شـود، به ما امکان خواهـد داد تا اشـکال جدید تعارض [در سیاسـت بین‌الملل] را به خوبـی مورد پرسـش قرار دهیم. شـاید دیگر اجنـدای بین‌المللی با قوانیـن نـه، بلکه با اشـک‌ها تنظیم شـود. شـاید ایـن نکته اصلی باشـد که تفکر خـود را روی آن متمرکز کنیم.

چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟

بروس بینودی مسکیتا[۱]
برگردان: ظریف یزدان‌پرست

به نظر می‌رسد برنامه‌های تحصیلات تکمیلی در میزان تأکیدشان بر یادگیری ادبیات و ابزار یادگیری برای انجام تحقیقات بسیار متفاوت هستند. فکر می‌کنم دانش‌جویانی که می‌خواهند روابط بین‌الملل بخوانند، باید با دقت فکر کنند که می‌خواهند در کدام نوع برنامه تحصیلی قرار بگیرند.

من معتقدم که بسیاری از خردهای دریافت شده دربارهٔ روابط بین‌الملل در برابر بررسی دقیق منطقی یا تجربی ایستادگی نمی‌کنند. فکر می‌کنم یک دانشجو موفق (هرچه در مورد بحث‌های مداوم نتیجه می‌گیرد) باید این تمایل را داشته باشد که بخواهد دانش دریافت شده را به چالش بکشد و درمورد آن‌چه که مزایا دارد و آن‌چه نتیجه‌ای ندارد، نتیجه گیری منطقی کند.

من باورم دارم که آموزش ابزار تجزیه و تحلیل بهتر از تمرکز شدید برادبیات چنین استدلالی را تسهیل می‌بخشد. البته، بسیار ضروری است دانش‌جویان بدانند که بحث در یک زمینه چه بوده و چه شواهدی برای دیدگاه‌های جایگزین وجود دارد.

---

۱. Bruce Bueno de Mesqu، نظریه‌پردازنظریه بازی، پیش‌بینی و منطق ترس در روابط بین‌الملل، استاد دانشگاه نیویارک.

بنابرایـن آن‌هـا بایـد ادبیـات اساسـی را بداننـد، مگـر آن‌هـا هم‌چنیـن باید نحوهٔ ارزیابی شـواهد را بدانند. این بدان معناسـت کـه آن‌هـا نیاز بـه تسـلط بـر ترکیـب متنوعـی از ابزارهـای تجزیه و تحلیـل دارنـد: طراحـی تحقیـق، تحقیقـات بایگانـی و تاریخی، تحلیـل آمـاری و اسـتدلال ریاضـی و منطقـی. یادگیـری ابـزار بـه تنهایی دشـوارتر از همراهی با ادبیات اسـت، بنابرایـن، به نظر من، آمـوزش دانش‌جویـان بایـد بـر کسـب ابـزار تحلیلی تأکیـد کند.

- طراحی تحقیـق: طراحی پژوهـش کمک می‌کند تا دانشـجو بـدون سـردرگمی بنابـر اهـداف پژوهش مسـیر خـود را بدون اتـلاف انـرژی پی گرفتـه و نتایـج معتبری به دسـت آورد.
- تحقیقـات بایگانـی و تاریخـی: اسـتفاده از ایـن تحقیقات کمک می‌کنـد تا دانشـجو اطلاعات تاریخی و اسـناد مرتبط زیـادی به دسـت آورد.
- تحلیـل آماری: ایـن مهارت کمک می‌کند تا دانشـجو بتواند روابـط متغیرهـا را بـه اضافـه وزن، تاثیرپذیری و نحـوهٔ رابطهٔ آن‌هـا را درک کند.
- اسـتدلال ریاضی و منطقی: این مهارت از یک‌سو معناداری را فراهـم می‌کنـد، از سـوی دیگر، دقـت نظری را در دانشـجو افزایـش می‌دهد.

چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟

بری بوزان[1]
برگردان: احسان الله احمدی

فکر نمی‌کنم پاسخ واحدی برای آن وجود داشته باشد، چون روابط بین‌الملل یک رشتهٔ بزرگ از روش‌ها و مهارت‌های گوناگون از ریاضیات گرفته تا زبان‌شناسی است. با این وجود، آن‌چه که دانش‌جویان به آن نیاز دارند توانایی تجزیه و تحلیل سطح بالا و کاملاً متمرکز می‌باشد و آن‌ها مطمئناً چیزهای مورد علاقهٔ ما را آموزش می‌دهند.

برای نمونه، من نیازی به پای‌بندی به مجموعهٔ دقیق نظریه‌ها یا ایده‌ها نخواهم داشت. من ایده‌ها یا مواضع را در «بحث‌ها» می‌بینم و نه ابزاری درحال پیش‌رفت در جعبه ابزار. انتخاب نظریه باید به آن‌چه شخص می‌خواهد در مورد آن فکر کند، بستگی دارد، نه این‌که پرسش به نظریهٔ قبلی بستگی داشته باشد. شخص به یک چرخ تایر با ارهٔ برقی حمله نمی‌کند، فقط به این دلیل که شخص به اره برقی علاقه دارد. من هویت خود را به هیچ مکتب فکری وابسته نمی‌دانم که احساس کنم از آن دفاع می‌کنم، بلکه به نظریهٔ معرفت‌شناختی یا هستی‌شناختی

---

۱. Barry Buzan، نظریه‌پرداز مجموعه امنیتی منطقه‌ای، رهبر مکتب کپنهاگ و استاد مکتب اقتصادی لندن.

نـگاه منفعت‌طلبانـه دارم. می‌توانـم واقع‌گرایـی را جالـب و کاملاً ناقـص بدانم. در عین حال، می‌توانم برخی از کارهای پسـت‌مدرن را جالـب و هم‌چنیـن دارای نقص عمیقـی بدانم. آن‌ها وابسـته به نوع پرسـش که می‌خواهید بپرسـید و پاسـخ دهید، انواع مختلفی از خدمـات دارند. مشـکلی نـدارم که افرادی در یـک تحلیل واحد معرفت‌شناسـی مختلـف را انتخـاب کننـد. نمی‌دانـم کـه چـرا آن‌هـا نمی‌تواننـد یک‌دیگـر را تکمیـل کننـد. از آن‌جـا کـه عمیقاً از فلسـفهٔ دانـش آگاهـی نـدارم، ممکـن اسـت روی یـک چوکـی هستی‌شـناختی ناپایـدار بـه طرز خطرناکی نشسـته باشـم، مگر تا این‌جا بسـیار خوب اسـت.

بنابراین، براسـاس نظریهٔ «بـری بوزن»، برای بازگشـت به آن‌چه که یک دانشـمند روابط بین‌الملل خوب می‌تواند باشـد، خودداری از نظریه‌هـای اسـت کـه باعث عدم ایجـاد یک دانشـجوی خوب شـود. برای نمونه، به‌کارگرفتن نظریه‌های گنگ به مثابه چشـم‌بند، یـا اجـازه دادن به آن روش‌ها کـه روند تدوین پرسـش‌های جالب را محو و نابـود می‌کند.

پـس: ۱) نگاه‌ابزارگرا به نظریات و روش‌ها؛ ۲) پرهیز از به‌کارگیری نظریـات گنـگ؛ و ۳) عدم پایبندی به مکاتب فکـری؛ می‌تواند به دانشـجو کمک کند تا مسیر درستی را در راسـتای تبدیل شدن به کارشـناس در روابط بین‌الملل بپیماید.

چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟

بِیت جن[۱]
برگردان: مصطفی آرین

اگر کسی می‌خواهد دانشمند رشتهٔ روابط بین‌الملل شود، به سه چیز نیاز است: نخست، شما باید واقعاً در بارهٔ سیاست بین‌الملل احساس پرشور داشته باشید. زیرا، این همان انگیزه‌ای است که شما نظریات خود را مطرح می‌کنید و یک نوع سهم فعال در تفکر روابط بین‌الملل می‌داشته باشید. البته، ممکن است که نظریه‌ها و روش‌های موجود را فرا گرفت و حتی در موارد خاص نیز به‌خوبی از آن استفاده کرد، مگر فکر می‌کنم در نهایت کمی مکانیکی خواهد شد. فکر می‌کنم که علاقه‌مندی عمیق سیاسی به سیاست بین‌الملل کاملاً ضروری است. اگر کسی می‌خواهد یک دانشمند خوب روابط بین‌الملل شود، در واقع باید از کاری که انجام می‌دهد لذت ببرد.

دوم، چیزی که فکر می‌کنم یک تناقض به نظر می‌رسد، این است که شخص باید بتواند با این واقعیت زندگی کند که هر کسی به‌نحوی بر سیاست بین‌الملل تأثیر دارد. بنابراین، در حالی که از یک طرف شخص باید تمایل به تغییر اوضاع داشته

---

۱. Beate Jahn، کارشناس وضعیت طبیعت، لیبرالیسم و نظریه‌ی کلاسیک روابط بین‌الملل، استاد دانشگاه سسیکس.

باشـد، مگر بایـد بتواند با این واقعیت زندگی کند که یک شـخص می‌توانـد بـه ندرت چیـزی را تغییـر دهـد. معنای این سـخن این اسـت کـه به فکـر تغییـر بـودن خوب اسـت، مگـر هم چنـان باید هشـیار بود که همـه نمی‌توانند جهان را تغییـر بدهند. تغییر جهان از یک سـو بـه توانایـی بلنـد و از سـوی دیگر بـه چانس و زمـان نیاز دارد. پـس باید آمادگی داشـت که در صورت برآورده نشـدن توقع ما سـرخورده نشـویم و جذابیت کارمـان را از یاد نبریم.

سـوم، چیـزی کـه واقعـاً یک شـخص باید بـه نظریـه، تفکر و بازتاب عشـق داشـته باشـید و تا حدودی به این دلیل که این تنها کاری اسـت که مـا انجام می‌دهیم، مگر هم چنین بـه این دلیل که ما تاثیرگذار هسـتیم.

بنابراین، شـخص باید بتواند این عشـق به تفکر، نظریه‌پردازی و بازتـاب در سیاسـت بین‌المللـل را بـه دانش‌جویـان منتقل کند و آن‌هـا را قادر سـازد تا بـه روش دیگری به روابـط بین‌الملل فکر کند. از همیـن‌رو، بـه نظر من این سـه چیز اصـل خواهد بود.

- علاقـه بـه سیاسـت: علاقـه به سیاسـت زمینـهٔ درگیـری به رخدادهـای سیاسـی را فراهـم می‌کنـد، بدون این‌کـه دل‌زده شویم؛
- اندیشهٔ تغییر: کمک می‌کند با انرژی بیش‌تر کار کنیم؛ و
- عشق به نظریه: سبب می‌شود تا نظریه‌پرداز شویم.

چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟

پاتریک جکسون[۱]
برگردان: نفیسه حسینی

فکر می‌کنم اولین چیزی که دانش‌جویان به آن نیاز دارند، میزان دانش دانشگاهی خواهد بود. زیرا، مشوره‌ای که همیشه به دانش‌جویانم می‌دهم، توصیه‌ای است که همسرم هنگام ورود به حوزهٔ دانشگاهی به من داده بود و آن این که، اگر از انجام کار دیگری خوش‌حال می‌شوید، بروید و آن کار را انجام دهید. به دلیل این‌که پاداش یا ارزش فرعی حضور در حوزهٔ اکادمیک در مقایسه با سایر زمینه‌ها یک تلاش زودگذر است. ما متناسب به سطح تحصیلات خود چندان دست‌مزد خوبی نداریم. شرایط کار از بسیاری جهات مناسب نیست و حجم کاری فوق‌العاده زیاد است. وبر در این رابطه می‌گوید: «دانش و فراگیری بیش‌تر پرچالش می‌باشد؛ زیرا، اگر این روند، روزها، هفته و ماه‌ها به درازا بکشد، بازهم شما نمی‌توانید به نتایج مطلوب دست یابید».

خوب به یاد دارم که نیکولاس اونوف برایم می‌گفت: «هر روز ظرف‌ها را بشویید، به خاطر این‌که با انجام آن می‌توانید بگویید که همان روز حداقل کاری انجام داده‌اید». البته، جمله ایشان برایم پرمفهوم بود و به نظر من توصیهٔ بسیار خوبی است.

---

۱. Patrick Jackson، فیلسوف علم روابط بین‌الملل، استاد مکتب خدمات بین‌الملل.

ازآن‌جا کـه فکـرمی‌کنم بـرای این‌کـه بتوانید این نـوع کارها را انجـام دهیـد، بـه خلق‌وخـوی درازمدت نیـاز دارید. بـا رضایت فـوری از یـک اقـدام نبایـد اعتمـاد بـه نفـس کاذب پیـدا کنیـد. پـس، بیایید قبول کنیـم که بیش‌تـر بازخوردهای فـوری که نتیجهٔ مناسـب ندارد و اکثرا منفی است، شـما آمادگی آن را داشته باشید تـا زمـان و انـرژی بیش‌تـر ذخیـره کنیـد. در ایـن زمینه بایـد تعهد داشـت؛ زیرا، ما به عنوان دانشـگاهیان، دانشمندان و روشنفکران آمـوزش دیده‌ایم، مـا آموزش می‌بینیـم که اسـتدلال‌های یک‌دیگر را در دادوسـتد ازهـم تفکیـک کنیـم. «بیاییـد به نقـص ادعاهای دیگران اشـاره کنیم».

بنابرایـن، تمرکـز شـما بایـد به‌گونـهٔ دراز مدت و جامع باشـد و شـما می‌بایسـت درآن خـوب بدرخشـید. ایـن فقـط بـرای همه نیسـت، فکـرمی‌کنم مهم‌ترین پیش‌شـرط بـرای دوام آوردن در این رونـد یـک نـوع کار حرفـه‌ای اکادمیک اسـت و من کلمـهٔ «حرفه» را عمـدی اسـتفاده می‌کنـم. ایـن همان اسـتدلالی اسـت که وبر مطـرح می‌کند.

ایـن همچنـان یـک نوعـی فراخوانی اسـت که به شـما حس کشف‌شـدن خودتـان را می‌دهـد. بـه دیـدگاه مـن، تحصیـلات دانشـگاهی بـه تنهایی کامـلاً مناسـب و مـوازی به نظر می‌رسـد. درایـن زمینـه حـوزهٔ مذهبی بـرای همه مناسـب نیسـت. هرچند هیـچ بـدی درآن وجـود نـدارد، این یـک چیز خوب یا بد نیسـت،

بلکـه فقط همـه راضی به انجـام این نـوع کارها نیسـتند. بنابراین فکـر می‌کنـم، ایـن اولین چیزی اسـت کـه فرد بایـد با آن دسـت و پنجه نـرم کند.

مـن فکـر می‌کنم کـه مهم‌ترین چیـز برای یـک محقق تـازه‌کار روابط بین‌الملـل ایـن اسـت کـه گسـترده‌تر از هر آن‌چه که سـنت روش‌شناسـانه در زمینـۀ موردنظـر بـه شـما می‌گویـد فکـر کنیـد. شـما درک خواهیـد کرد که سـرزمین‌هایی مانند چین نیـز در نظام بین‌الملـل وجـود دارند کـه روابـط بین‌الملل در آن‌جا مانند روشـی کـه شـما درروابط بین‌الملل انجـام می‌دهید، تبلور پیـدا نمی‌کند. همـکار من آمیتـا و آچاریا در یکی از گفتارهای تئـوری قبلی در این بـاره صحبت کرده اسـت. اگرچه، من فکر می‌کنم کـه او بیش‌تر در مـورد تنوع اساسـی روابط بین‌الملـل در انواع مختلف سیاسـت‌ها پرداختـه اسـت، در حالـی کـه از نقطه نظر شـخصی مـن، این امر بیش‌تـر روی موارد تنوع روش‌شـناختی واقعیت‌پذیر می‌باشـد. فکر می‌کنم این‌هـا مطمئنـاً مواضع مکمـل یک‌دیگراند.

بنابرایـن، مـن فکـر می‌کنـم آن‌چـه که یـک فـرد باید بـرای به دسـت‌آوردن زمینـه‌ی فکری برای این نـوع روابـط بین‌الملل انجام دهـد، به‌طور گسـترده‌تر مباحثـیماننـد، تاریخ، جامعه‌شناسـی و نظریۀ‌اجتماعـی را احتـوا می‌نمایـد؛ یـا حداقـل بـا بحث‌هـا و فلسـفه‌های اصلـی علـم آشـنا باشـد و این‌کـه چـه کاری انجـام می‌دهیـم و پیامدهـای آن در چگونگـی برقراری ارتبـاط ادعاهایی

متناقض یا حداقل در تنش با یک‌دیگر چگونه خواهند بود؟ این‌ها چیزهای مهمی هستند که باید به آن‌ها پرداخته شود. سپس مورد بعدی را که می‌توانم روی آن گمانه‌زنی کنم، این است که اگر طرح برنامهٔ آموزش دکتورا ایده‌آل خود را طراحی کنم.

هم‌چنان این اطمینان را خواهم داد که اهل علم در این حوزه به کنفرانس‌های علمی بروند. هیچ چیز نمی‌تواند جاگزین بهتر از کسب تجربهٔ عملی یک کنفرانس باشد. اولین کنفرانسی که خارج از محیط یا محل خود به آن می‌روید، آن‌جا همه چیز متفاوت است؛ مخصوصاً حضور در یک کنفرانس در کشوری دیگر. حتا فقط موارد اساسی مانند نحوهٔ ثبت‌نام و نحوهٔ سازمان‌دهی کنفرانس کاملاً همان چیزی نیست که شما به آن عادت کرده‌اید و این واقعاً جالب است، چون از نوع مدیریت آن فرا می‌گیرید. شما به راه‌تان ادامه دهید، وای! یک دقیقه صبر کنید! من حالا در مکان دیگری هستم و این بسیار عجیب است!» این احساس کمی خارج از خود شخص بودن است، درحالی که من فکر می‌کنم بینش جالب دانشمند مطالعه از مناطق دیگران هم است. اگر خیلی راحت هستید ، فقط مواردی را تولید می کنید. شما نمی خواهید راحت باشید شما می‌خواهید به چالش کشیده شوید.

من فکر می‌کنم این ناامنی وجودی ویژهٔ روابط بین‌الملل است؛ زیرا، سایر زمینه‌های تحقیق علمی درک واضح تری

از هویت شخصی خود و تمایز آن‌ها با چیزهای دیگر دارند. معما یا چالشی که در این زمینه ها وجود دارد، بیش‌تر مربوط به گفت‌وگو با یک قانون پذیرفته شده یا پر کردن خلأ در مجموعه توضیحات موجود است. این یک کار علمی متفاوت است که در آن می‌توانید جامعه‌شناسی انجام دهید، بدون آن‌که همیشه انسان‌شناسی انجام دهید. به عنوان یک نگرانی یا ملاحظه باید بدانید که جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی چیستند و چه تفاوتی باهم دارند. شما می توانید اقتصاد را بدون نگرانی پیوسته در مورد این‌که اقتصاد چیست ، انجام دهید. انجام این کار درروابط بین‌الملل بسیار دشوارتر است.

جالب است که در علوم سیاسی ایالات متحده می توانید بدون نگرانی بیش از حد دربارهٔ علوم سیاسی، علوم سیاسی را انجام دهید، مادامی که اساساً سیاست امریکا را انجام می‌دهید، مطالعاتی دربارهٔ بازده انتخاباتی و مدل‌های کم‌وبیش منطقی از چانه‌زنی بهره و غیره استفاده کنید. سپس اساساً می‌توانید این نوع زمینه مربوط به هویت را جمع‌بندی کنید. مگروقتی شما با روابط بین‌الملل سرو کار دارید، نمی‌توانید خیلی طولانی آن را نادیده بگیرید، زیرا روابط بین‌الملل ادعا می‌کند جهانی است و به‌نظر می‌رسد از این منظر چنین هم باشد.

بنابراین، این بدان معناست که، براساس تعریف، صداهای بسیار متنوعی وجود دارد و روابط بین‌الملل حداقل در سطح

جهانـی تصور مـی کند کـه میان رشـته‌ای اسـت، کـه در آن انواع دیگر روش‌های تفکر در مورد مسـائل نشـان داده می‌شـود. بنابراین مـن فکر می‌کنـم برای این‌کـه بتوانیـم دراین بخش به‌گونهٔ پیوسـته ادامـه دهیـم، بایـد بـا آن نـوع بـی نظمـی بیرونـی راحت باشـیم و دریابیـم کـه هر نوع راه‌حلی که شـما بیابید، احتمالاً توسـط سـایر افـرادی کـه خودشـان را کارشـناس روابـط بین‌الملـل می‌نامنـد، به‌طور جهانی به اشـتراک گذاشـته نمی‌شـوند. دانشمندان و شما احتمـالاً با این مباحث بـر خواهید خورد که روابـط بین‌الملل برای بقیهٔ حرفهٔ علمی شـما چیسـت.

بـا ایـن حال، برای کسـی کـه به نظریـه علاقه‌مند اسـت، این به‌هم‌ریختگـی ذاتـی جنبهٔ مثبـت نیـز دارد. یکی از مـوارد جالب درمورد روابط بین‌الملل این اسـت که بسـیاری از مسـائل اساسـی بسـیار نزدیک‌تر به عینیت و زمینی‌شـدن هسـتند. ما هنوز در فکر هسـتیم و هنـوز آن‌هـا را باز می‌گذاریم. خیلی سـخت‌تر اسـت که بخواهید وارد فیزیک و زیست‌شناسـی شـوید و بگویید «به هر حال علم چیسـت؟» زیرا، این واقعا پرسـش زنده‌ای نیسـت. مگر شما وارد روابـط بین‌الملـل می‌شـوید و «آیا مـا باید به‌طـور علمی جهان را مطالعـه کنیم؟» این یک پرسـش بسـیار آسـان برای طـرح کردن اسـت، چـون ایـن در واقـع همان چیزی اسـت کـه ویلیـام جیمز ممکن اسـت آن را نگرانی زنده بنامد، این در واقع چیزی اسـت که مـا در دسـت‌رس داریم. این یک مزیت بزرگ اسـت کـه می‌توانید

انواع متعدد موضوعات را برای خودتان جلب کنید.

سودمندی بزرگ دیگر این واقعیت این است که، چون روابط بین‌الملل مجموعه‌ای از مطالب راجع به جهانی بودن و علنی بودن برای کل جهان است، این مبحث اساساً در برگرفتن هر چیزی در درون خود را تا حدی احتوا می‌نماید، امکان تفکر در برخی از پرسش‌های بزرگ را فراهم می‌کند، که زمینه‌های دیگر ممکن است با مشکل روبه‌رو شوند.

بنابراین، چه‌کسی می‌تواند دربارهٔ کل بشر فکر کند؟ یا چه‌کسی می‌تواند به پرسش‌های بزرگ در مورد تاریخ و شیوهٔ کار سیاست جهانی فکر کند، یا این‌که بیندیشد سیاست چه تأثیرات جهانی دارد؟ در واقع مکان‌های زیادی وجود نخواهند داشت تا بتوانید با این‌گونه پرسش‌های واقعاً بزرگ کنار بیایید.

سرانجام، فکر می‌کنم این یک مزیت بزرگ است. چالش این است که فضای لازم برای این کار را باز نگه‌دارید و از کشیده‌شدن به سمت تفسیر سیاست‌های سطوح پایین‌تر خودداری کنید و روح معنای یک محقق بخش روابط بین‌الملل را فراموش نکنید. بنابراین نگرانی وجود دارد که آن شیوهٔ خاص کار را رها کنید، ما باید مراقب این وسوسه باشیم.

کتاب پایهٔ شمارهٔ هفتم
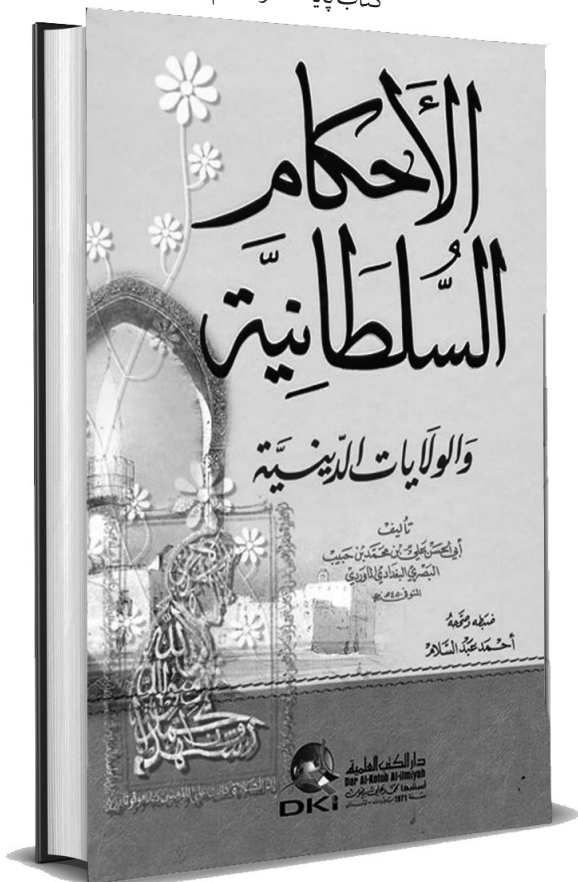
چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟

پنار بلگن[۱]
برگردان: حارث احمدی

اگر درس خواندن بر اساس مهارت‌ها در نهادهای مختلف ممکن باشد، اصول مختلف دانشگاهی و شرایط تنظیم شده می‌توانند کمک وافر نمایند. زیرا نهادهای آموزشی بسیار متنوع شده‌اند؛ برای نمونه، بیل کنت معتقد است که بهترین استادان کسانی هستند که تحقیقات پیش‌رفته انجام می‌دهند. مگر ممکن است یک تعداد از مردم مخالف این دیدگاه باشند و بگویند که تدریس در نهادهای تحصیلی کوچک بهتر است، چون آن‌ها مضمون‌های را تدریس می‌کنند که در آن کارشناس هستند.

فکر می‌کنم که تحصیل در نهادهای مختلف برای دانش‌جویان بسیار مفید است، ممکن است این تحصیل در چهارچوب تبادله رسمی و یا بورسیه‌های تحصیلی در خارج از کشور، بدون گنجانیدن تحقیقات میدانی که دارای چهارچوب منحصر به فرد خودش باشد: اول، هر محیط تحصیلی جدید یک تجربه آموزشی مهم است، حتی اگر چیزی که یاد می‌گیری بسیار مفید و یا برازنده نباشد. دوم، شاید بعضی‌ها بگویند که

---

۱. Pinar Bilgin، نظریه‌پرداز نظریه غیرغربی روابط بین‌الملل، منتقد قطبش غربی علم، استاد دانشگاه دنمارک جنوبی.

یادگیـری در یـک زبـان متفاوت مهم اسـت، من با توجه به کسـب یـک جای پـا در مطالعات منطقـه و مطالعـات مقایسـه‌ای با این دیدگاه موافق هسـتم. سـوم، اسـتیفانو گزینی می‌گویـد نظریه‌های روابـط بین‌الملل اصلی اسـت کـه دانشـجو در خصوص وضعیت و مهارت‌هـا بـه آن نیـاز دارد. وی ایـن نکتـه را در ژورنـال روابـط بین‌الملـل و توسـعه (۲۰۰۱) مطـرح کرده اسـت. به‌طـور خاص این قضیه را در میـان دیپلومات‌های احتمالی برای کشـورهای اروپای مرکـزی و شـرقی مطـرح می‌نماینـد کـه دانش‌جویـان می‌تواننـد با یادگیری نظریه‌هـا، از راه مرزهای فرهنگی ارتبـاط برقرار کنند - اینماننـد یادگیری یـک زبان جدید اسـت.

وی ادعـا می‌کند که آن‌ها یـاد می‌گیرند که مراقب نژادپرسـتی باشـند و این روشـی اسـت کـه مـن در تدریـس نظریه‌هـای روابط بین‌الملـل اسـتفاده می‌نمایـم. بنابرایـن، فکـر می‌کنـم کـه خوب اسـت از نظریه‌هـا بـه عنوان یک زبـان نو اسـتفاده گردد؛ بـه عنوان یـک ابزاری که هر دانشـجو بایـد در میان جعبـه ابزار خـود آن را جا دهـد. در اخیر فکـر می‌کنم که من کینتیا اینلـو را تعقیب می‌کنم. خـوب اسـت کـه هـم در نظریه‌هـای روابـط بین‌الملـل و هـم در مطالعـات مقایسـه‌ای رد پـا داشـته باشـیم. بنابراین، یکـی بدون دیگـری از موثریـت کم‌تـری برخـوردار اسـت؛ گرچـه یکـی از آن‌ها نخواهـد فهمیـد کـه چـه چیزی کـم اسـت، تـا زمانی کـه دیگری انکشـاف نیابد.

من در مقطع دکتورا، روی غرب آسیا تمرکز نمودم. از آن زمان به بعد بیش‌تر روی روابط اروپا؛ اروپا- مدیترانه و ترکیه- اروپا به عنوان نقاط تجربی متمرکز شده‌ام و این موضوع تحقیق مرا پرمحتوا ساخته است.

در نهایت، بسیار مهم است، تا می‌توانیم مطالعات گسترده انجام دهیم و دقیقا عین توصیه را به دانش‌جویان دورۀ ماستری و دکتورای خود دارم. شما نمی‌توانید همه چیز را بخوانید، و هر چه مطالعات را به صورت پراکنده‌تر انجام دهید، به همان اندازه مغشوش خواهید شد، مگر در این رابطه صحبت کردن نقش برازنده‌ای را ایفا می‌کند و موجب می‌شود که یک دانشجو این تجربیات را از طریق دیگران به دست آورد.

از یک سو، یادگیری می‌تواند از طریق کنفرانس‌های که دایر می‌گردد، اتفاق بیفتد: زیرا، شما با موضوعاتی آشنا می‌شوید که هیچ علاقه‌ای به آن‌ها ندارید، مگر با این حال برای‌تان مفید هستند. از سوی دیگر، موضوعات جدید می‌تواند پهنای دید شما را فراخ‌تر و گسترده‌تر سازد. غنامندی منابع فرهنگی در هر گوشه‌ای از دنیا می‌تواند گیج‌کننده باشد و قدرت‌گرایی را پایین بیاورد. اما، این تنها راهی است که می‌توانیم از طریق آن ناشناخته‌ها را درک کنیم.

کتاب پایهٔ شمارهٔ هشتم

مقدمهٔ ابن خلدون

تألیف عبدالرحمن بن خلدون

ترجمه محمد پروین گنابادی

بنگاه ترجمه و نشر کتاب
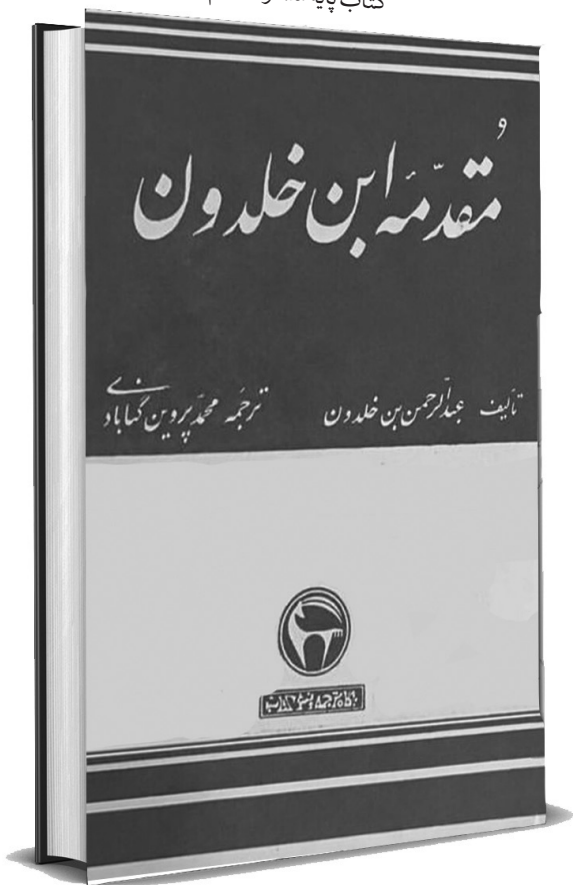
چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟

پتر سنگر[۱]
برگردان: پرویز خسرو

برای پاسخ یک پرسش «نه» و یا رفتار بی‌اعتنایی را انتخاب نکنید. تجربهٔ من خود یک مثال جالب است. چون به عنوان موضوع پایان‌نامهٔ خود می‌خواستم در مورد پیمان‌کارهای خصوصی امنیتی، پژوهشی را انجام دهم. مگر یک استاد برجستهٔ دانشگاه به من گفت، به‌جای پرداختن به مسائل خیالی مانند شرکت‌های خصوصی در جنگ، بهتر است که ترک تحصیل کرده و در هالیوود مشغول کار شوی.

بنابراین، نتیجهٔ کار پایان‌نامه من کتابی به‌نام شرکت‌های جنگی (Corporate Warrior) شد. درحال حاضر بیش‌تر از سربازان امریکایی پیمان کارهای خصوصی امنیتی در عراق داریم. تمام موضوعات بحث برانگیز که در عراق اتفاق افتاده است، مانند شکنجه در زندان ابوغریب توسط مترجمان شرکت‌های خصوصی امنیتی و یا تیراندازی سال ۲۰۰۴ در فلوجه از سوی جنگ‌جویان شرکت بلک واتر؛ همه و همه مربوط به پیمان‌کارهای خصوصی امنیتی می‌شود.

برای نخستین بار موضوع کتاب دوم خود را دربارهٔ سربازان

---

۱. Peter Singer، فیلسوف اخلاق، جنگ‌های آینده، استاد دانشگاه اریزونا.

خردسـال ارائـه کـردم، یکـی از اسـتادان دانشـگاه هـاروارد بـه من گفـت که «در حـال پرداختـن به یک موضـوع غیرواقعی هسـتم». آن اسـتاد اصلا درمورد اهمیت مسـأله کودکان سـرباز باور نداشت؛ چه رسـد به این‌که این مسـأله موجود باشـد. البتـه این یک حرف بیهوده اسـت، زیرا درحال حاضر بیش از ۳۰۰,۰۰۰ سـرباز خردسـال وجـود دارد. از پرسـش‌های قانونی و اخلاقی گرفتـه تا چالش‌هایی که سـربازان در میـدان جنگ با آن روبه‌رو هسـتند، مانند تیراندازی توسـط سـربازان خردسـال همه از مسـائلی هسـتند که از مطالعه سـربازان خردسـال برمی‌آید. اولین سـرباز نیروهای ویـژهٔ امریکایی در افغانسـتان توسـط یک تک تیرانداز ۱۴ سـاله کشـته شد.

همیـن موضـوع در مـورد کتـاب جنـگ و رباتیک نیـز صدق می‌کنـد. پژوهش و نویسـندگی یک اثر مهم در مورد آن‌چه بسـیاری از مـردم بـر علمـی- تخیلـی بـودن آن اصـرار می‌ورزنـد، یک خطر بـزرگ شـغلی محسـوب می‌شـود. من‌هـم بـا شـیوهٔ نویسـندگی منحصـر به فرد خود عوامل خطـر را دو برابر کـرده‌ام. این یک کتاب خیلـی عامه‌پسـند اسـت؛ حکایت‌هـا و داسـتان‌های فـروان در آن وجـود دارد. مگـر تومـاس هابـز نیز اشـاره می‌کند، ایـن اثر نظریهٔ روابـط بین‌الملـل را دارد، ولـی همـه از جنـگ سـتارگان تا افسـانهٔ دختـر گلیمور بحـث می‌کنند. امیـد دارم مردم در جریـان خواندن بخش‌هـای ایـن کتـاب به صـدای بلنـد بخندنـد. مگـر مهم‌تر از آن، این‌کـه امروز رباتیـک از بحث تخیلی بیرون و داخل سیاسـت

شـده است.

بنابرایـن، درسـی کـه می‌شـود آموخـت ایـن اسـت کـه بـه خودتـان باور داشـته باشـید. اگر فکـر می‌کنید با موضـوع جالب و مهمی روبه‌رو شـده‌اید و توسـط یک محافظه‌کار سیاسـی با اعتبار قدیمی نقد می‌شـود؛ هیـچ‌گاه «نه» را برای پاسـخ انتخاب نکنید. ایـن یـک موضـوع جالـب نیسـت، از آن خاطـر که یک نویسـندۀ معتبر فکـر می‌کنـد که جالب نیسـت.

در حقیقـت باید گفـت، از نقد کردن نهراسـید، خود را معرض دیـد و نقـد دیگـران قـرار دهید، بـدون این‌کـه از موضوعی کـه باور دارید، دسـت بردارید. موفقیت از آن کسـانی بوده است که به خود بـاور داشـته‌اند و ایـده خـود را پـرورش داده‌اند. ممکن اسـت ایده خلاقانـه در نخسـتین دیـد خنده‌دار بـه نظر آیـد، مگر با پـرورش و دنبـال کردن آن به یک نظریۀ ارزشـمند و سـودمند تبدیل شـود.

مـن به‌ویـژه فکـر می‌کنـم کـه مفکـورۀ مـدل کارآمـوزی کهن مفکوره‌هایـی هسـتند کـه عامـل بهتریـن کارهـا نمی‌شـود. مگر بـا ایـن وجـود، بسـیاری از تحقیقـات در رشـتۀ روابـط بین‌الملل انجـام می‌شـود. مـا آن‌چه را کـه برخی از اسـتادان انجـام داده‌اند، اسـتفاده می‌کنیم و برخی مشـاوران نیز تغییرات اندکی را در آن وارد می‌کنند. این شـیوه‌ای نیسـت که یک تحقیق خوب انجام شـود و نیـز، این راهکاری نیسـت که چارچوب نظریۀ یـک پژوهش خوب بـر آن بنا نهاده شـود.

کتاب پایهٔ شمارهٔ نهم
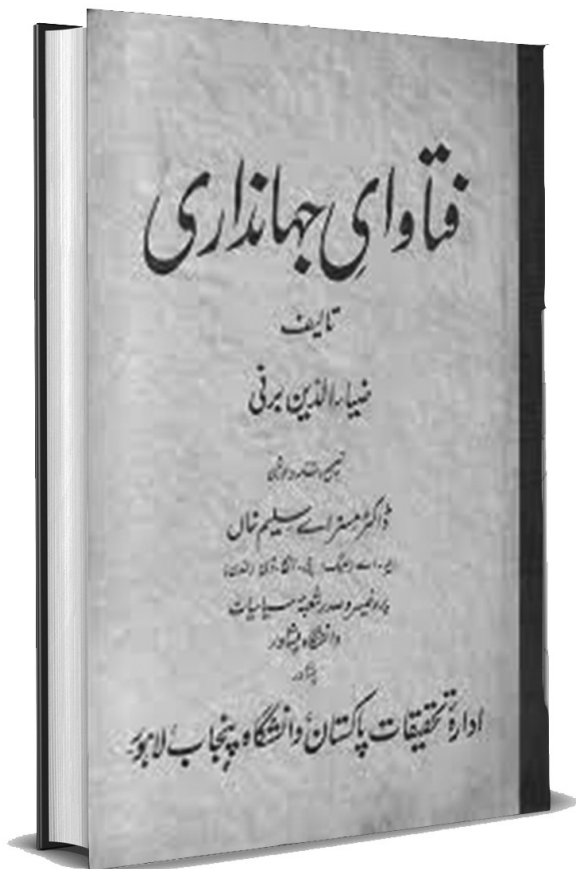
چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟

پترکاتزنشتاین[۱]
برگردان: عمرصدر

در گام نخست، ترک آسودگی و منفی بافی کنید. این‌که شما هیچ‌گاه همهٔ آن چیزهایی را که نیاز دارید در دورهٔ کارشناسی آموخته نمی‌توانید، فکر می‌کنم که در این دورهٔ کوتاه شش‌ساله باید درس‌هایی از آمار، انتخاب عقلانی نرم و برداشت‌هایی در مورد چگونگی استفاده از متن را فرا بگیرید. انترنت بزرگ‌ترین منبع داده‌های دست‌نخورده برای علوم اجتماعی است. تنها معلومات و حقایق نیست، بلکه متن نیزاست که ما در مورد چگونگی استفاده از متن نسبت به علوم انسانی بسیارعقب‌افتاده هستیم. بنابراین، اگریک برنامهٔ کارشناسی را در این زمینه آغاز می‌کنیم، یک دانشجویک سری مهارت‌ها را نه، بلکه دانش را خواهد آموخت.

این روش التقاطی از آن جا خوب است که نتایج با ثبات‌تری نسبت به نسل ما می‌دهد. در دروهٔ دکتورا وقت برای این کار نمی‌باشد. بنابراین، دورهٔ دکتورا با یک دروهٔ پسادکتورا تمدید می‌شود. شما حداقل یک یا دو سال دورهٔ پسادکتورا برای کسب این همه دانش نیاز دارید.

---

۱. Peter Katzenstein، نظریه‌پرداز سازه‌انگاری، استاد دانشگاه کرنل.

کتاب پایهٔ شمارهٔ دهم

چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟

پتر هاس[1]
برگردان: عمرالدین عابد

کارشناسی نیازمند یک مدرک مترقی می‌باشد. باید دکتورا بگیرید. در امریکا، استخدام با یک مدرک علوم سیاسی نسبت به یک برنامهٔ درون رشتهٔ روابط بین‌الملل آسان‌تر است.

پیتر کاتزنشتاین می‌گفت: «این مسأله همانند نگه‌داشتن آتش در شکم است». هم‌چنان کارشناسی نیازمند یک پایان‌نامهٔ خوب است که پرسش تحقیق آن در مورد آن‌چه که قبلاً در موردش گفته نشده باشد، بپرسد و پاسخ آن بدون در نظرداشت این‌که چه است؛ جالب باشد. این یک پرسش کاملاً خوب تنظیم‌شده است که برای ما فارغ از این‌که پاسخ آن «بله» یا «نخیر» باشد؛ چیزی در مورد سیاست و نظریه‌های سیاسی بگوید.

این رشته به‌طور فزآینده‌ای به لحاظ روش‌شناختی در حال رشد است، مگر تاسف بار است. زیرا، در آن نشانهٔ پختگی زودرس وجود دارد. مردم باید به‌جای پاسخ دادن به پرسش‌های که می‌توانند با یک فن یا حتی با فن‌های ویژه پاسخ دهند، از روش‌هایی استفاده کنند که به آن‌ها کمک می‌کند، تا پاسخ‌های مورد علاقهٔ خویش را پاسخ دهند.

---

۱. Peter Haas، کارشناس ساختارگرایی اجتماعی، استاد دانشگاه ماساچوست.

کتاب پایهٔ شمارهٔ یازدهم
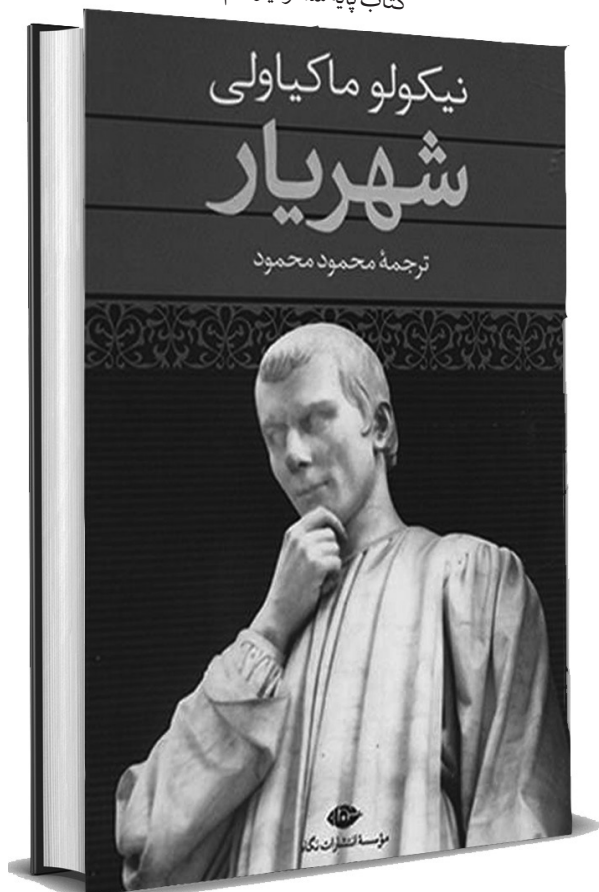
چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟

تیموتی سینکلایر[۱]
برگردان: بصیر یوسفی

از دید من، تبحر و آشنایی عمیق با نظریه‌های کلاسیک فواید زیادی دارد. در مورد مارکس باید دانست، اما نظریه‌های دیگر نیز عین کار را می‌کنند. نظریه‌ها کمک می‌کنند تا از چشم‌اندازهای گوناگون بتوان یک مسأله را توضیح داد. نظریه‌ها هم در تشخیص، توصیف، توضیح، نظارت و پیش‌بینی به شما کمک می کنند تا رویدادها را بشناسید و راه‌حل‌های مناسب را پیدا کنید.

باید تجربهٔ عملی را نیز تقویت کرد، چون نظریه در نهایت فقط یک وسیله است. این کمک می‌کند تا مسائل را در چشم انداز وسیع آن ببینیم، ویژگی کم‌پیدای نظریه‌های روابط بین‌المللی این است که به نظر می‌رسد افراط و تفریط در آن حاکم باشد. در نهایت، تجربهٔ بین‌المللی نیاز است. بنابراین، برای من مشکل است درک کنم که چگونه دانشمندان روابط بین‌المللی تمام کار خود را در یک کشور انجام می‌دهند. باید تجربه آموخت و درگیر مسائل بین‌المللی شد.

---

۱. Timothy Sinclair، کارشناس حکومت‌داری جهانی، استاد دانشگاه وارویک.

کتاب پایهٔ شمارهٔ دوازدهم

چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟

تیموتی شاو[۱]
برگردان: اقبال احسان

از دید من، این یک پرسش خیلی مهم است و مشورهٔ من برای دانش‌جویان این خواهد بود: «جهانی باشید!» دنیا بزرگ‌تر از امریکا و اروپا است. دانشجوی خوب به چشم بینا، گوش شنوا و دماغ که زود حس کند، نیاز دارد. گول نخورید و در چاچوب‌هایی مانند وان دیر پیجیلی در ساکس و یا امثال آن مقید نباشید.

این‌جا در ترینیداد؛ جایی که من اکنون ایفای وظیفه می‌کنم، فرهنگ‌های متنوع وجود دارد، در حالی‌که ۸۰٪ باشندگان آن کاتولیک اند. این امر بازهم احساس من نسبت به قدرت جهان‌بینی یا گفتمان‌ها را بلند می‌برد که در دیگران این مورد استثنا است. پیام من برای دانش‌جویان این خواهد بود: به دنبال پاسخ بزرگ نباشید، چون اگر شما گمان کنید که آن را دریافتید و سپس از تلاش دست بردارید، شما می‌میرید.

پس باید به خود باور داشته و پاسخ خود را ارائه نمایید، این‌که گفتمان موجود به نفع چه کسی است، یک مسأله است، این‌که شما چه چیزی را درست می‌پندارید، چیز دیگری بیند یشید!

---

۱. Timothy Shaw، کارشناس درک جنوب جهانی، استاد دانشگاه ملل متحد.

کتاب پایهٔ شمارهٔ سیزدهم
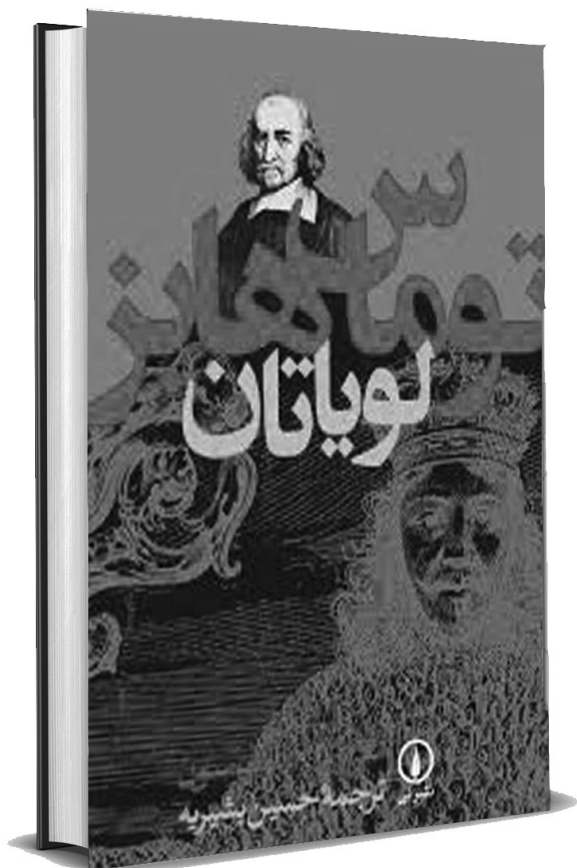
چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟

تیموتی میتچیل[۱]
برگردان: بصیرشریفی

فکـر می‌کنم چند مـورد خیلی مهم اسـت، یکی از این مـوارد دقیقاً نـوع علاقه و وارد شـدن به عمـق فرآیندهای فنـی و یادگیری اصول روابـط بین‌الملـل و اهـداف موضـوع منابع موجـود بدون هـراس از تحقیق در مورد چیزی که سـاختار آن رشـته را شـکل داده باشـد و ممکن اسـت که به‌گونـهٔ کاملاً خارج از حوزهٔ آمـوزش و تخصص در این زمینه باشـد.

بنابرایـن، اگـر در جسـت‌وجوی کسـی باشـم و یـا بـرای دانشـجویی مشـوره دهـم؛ هیچ‌گاهـی نمی‌گویم که یـک مهارت، تخصـص و روش ویـژهٔ در این زمینهٔ و مسـائل جهانی وجـود دارد، بلکـه بـا سـتفاده از روش‌هـای مختلـف همراه بـا جزئیـات فنی و نابسـامانی‌های یـک سـاحهٔ مطالعاتی کـه می‌تواند در یـک حوزهٔ خـاص از دانش؛ برای نمونه، علـم اقتصادی و هم‌چنان فرآیندهای فنـی و ذهنـی دیگر دانش‌هـا و بهره‌گیـری از منابع گوناگـون الزامی اسـت. از دیـدگاه من، برای کارهـای متفاوت که مـن علاقه‌مند به انجـام دادن آن هسـتم، خیلـی برایـم بزرگ و مهم اسـت.

---

۱. Timothy Mitchell، کارشـناس فرانظریه، تاثیر دولت و فن‌آوری سیاسی نفت، استاد دانشگاه کولمبیا.

نکتهٔ دوم، این‌که در زمینهٔ مطالعات جهانی تمایل داشته باشم، آن این است که نمی توان به روش نزدیک ساختن دو رشته در یک رشتهٔ تحصیلی فکر کرد. باید یک حرکت به سمت جمع‌آوری اطلاعات از نقاط متخلف جهان به‌منظور دریافت مفهوم درست؛ مانند توسعه، کارهای حقوق بشری، فعالیت در عرصهٔ امنیت بین‌الملل و سایر موارد دیگر داشت.

بنابراین، این امر مستلزم جمع‌آوری تحقیقات خود و سایر کارشناسان در این زمینه و با الهام گرفتن از یک ایدهٔ خاص و انتخاب بهترین روش‌های تمرین شده و تجربهٔ شرایط متفاوت می‌باشد. از همین‌رو، آن‌چه را که می‌توان به عنوان تخصص کسب کرد و از یک محیط به محیط دیگر انتقال داد، علم و دانش است که در برخی‌ها تحرک می‌خواهد.

مگر آن‌چه من گمان می‌کنم، اغلب با توانایی تعمیم از یک مورد ویژه و ایجاد قاعدهٔ جهانی در مورد هر موضوع مرتبط به آن خواهد بود، در چنین حالتی تخصص خود فرد در راستای حرکت و انتقال دانش تخصصی تبدیل می‌شود.

یکی دیگر از این موارد می‌تواند در رابطه به دموکراسی‌سازی باشد. برای نمونه، زمان ورود کارشناسان را در مورد جنگ عراق مشاهده کنیم. آن‌ها ترویج دموکراسی را در سایر نقاط جهان به خوبی انجام داده و سپس برای تطبیق این کار به عراق روی آوردند و دوباره از بهار عربی حمایت نمودند.

در مقابـل، به نظر من، روش های دیگری برای فراگیری و آموزش نیـز وجـود دارد و آن این‌کـه آمـوزش آن‌چـه اتفـاق افتاده، نیسـت؛ بلکـه آموختن آن اتفاقات اسـت. بـرای نمونه، اگـر در خیابان‌های قاهـره یـک خیزش و مبـارزه بـرای دموکراسـی جریـان دارد، یک‌بار می‌تـوان پیرامون آن تلاش کرد و یاد گرفت و سـپس آن را متناسـب با مدل‌های موجود مقایسـه نموده و در طیف گسـترده‌ای از سلسله دموکراتیک‌سـازی طبقه‌بندی کرد.

این‌هـا بـرای مـن دو روش کاری مجـزا هسـتند؛ زیرا، یا کسـی می‌توانـد از آن بیامـوزد و بگویـد «چگونـه مـی توانیـم دربـارۀ آن‌چه دموکراسـی ممکن اسـت بر اسـاس آن‌چـه اتفاق می‌افتـد، تجدید نظـر کنیـم. از دیـد من ایـن دو روش کاری مشـخص اسـت. آن‌ها کامـلاً از یک دیگـر مجزا نیسـتند، مگر تصـور می‌کنم مـردم به اولی نسـبت بـا دومـی گرایـش بیش‌تری دارند.

درنهایـت، هرگـز نـوع اول را خـوب ندانسـته‌ام و یـا خـوب نمی‌بینـم و ماننـد گزینـۀ دوم عمـل نمی‌کنم. بنابـر‌این، ایـن را به عنـوان مهارت یـا نگرش دوم تذکـر می‌دهم که برای انجـام این نوع کارهـا مفید و مناسـب اسـت.

کتاب پایهٔ شمارهٔ چهاردهم
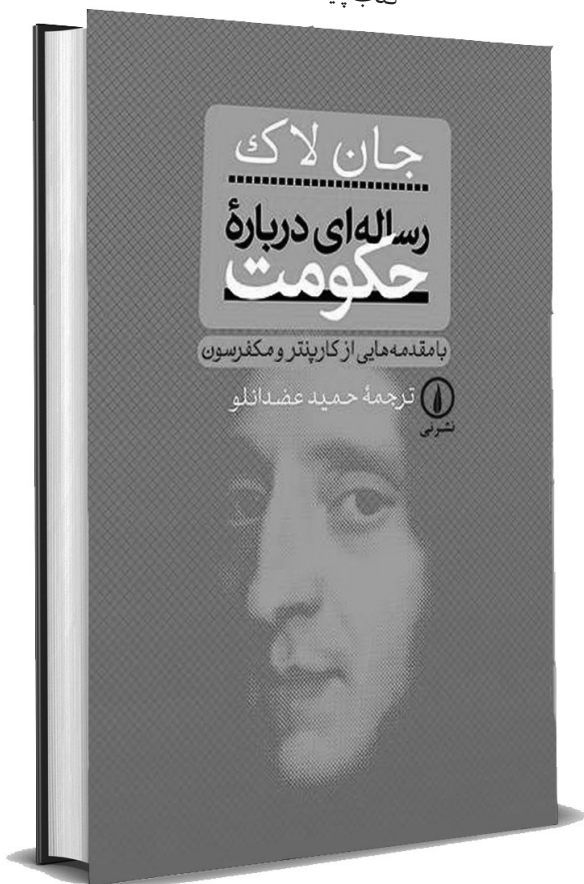
چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟

جان اگنیو[1]
برگردان: خان‌محمد خوش‌فطرت

ممکـن اسـت مـن شایسـته‌ترین شـخص نباشـم کـه ایـن را می‌پرسـید. مگـر فکـر می‌کنـم اعتقـاد بـه دولت‌هـا نـه صرفـا به عنـوان کلیدی‌تریـن عامـل در سیاسـت‌های جهانـی، بلکـه بـه عنوان خدمت به سیاسـت خارجـی امریکا مهم تلقی شـوند. زیرا دولت‌هـا در سیاسـت جهانـی از دیـر بـاز بـه عنـوان کلیدی‌ترین بازیگـر تلقی می‌شـدند، مگر در عصر جهانی‌شـدن نمی‌توانند تنها بازیگر باشـند، زیـرا بازیگران دیگـری نیز وارد تعامـلات بین‌المللی شـده‌اند، ولـی هنوز هـم جایـگاه دولـت در مقـام بازیگـر تـراز اول محفـوظ اسـت. مگـر دولت‌هـا بـه عنـوان پیـش برندهٔ سیاسـت امریکایـی توانایی زیادی در راسـتای سیاسـت خارجـی امریکا در جهـان؛ به ویژه سیاسـت خارجـی آن در کشـورهای پسـا جنگ را داشـته‌اند. دولت‌ها روند جهانی‌شـدن را تقویت کرده و ارزش‌های لیبرال دموکراسـی را در جهان غیرغربی گسـترش داده‌اند. پس باید به دولت در مقام وسـیله در سیاسـت بین‌الملل ارج گذاشـت و آن را مهم تلقـی کرد.

---

۱. John Agnew، کارشـناس سیاسـت جغرافیایـی و نظریه‌پـرداز «مرزهـای قـدرت» در روابـط بین‌المـلـل.

کتاب پایهٔ شمارهٔ پانزدهم

قرارداد اجتماعی

درباره اصول حقوق سیاسی
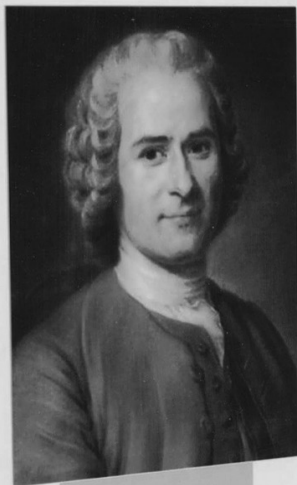
ژان ژاک روسو

ترجمه:عنایت الله شکیباپور

چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟

جان میرشایمر[1]
برگردان: فهیمه بخشی

از دید من، عوامل زیادی در رشد و تولید یک نظریه‌پرداز روابط بین‌الملل وجود دارد. نخست، باید از نظر فکری کنجکاو بود و همواره پرسش پرسید و خِرد متعارف را به چالش کشید.

نکتهٔ دوم، باید خلاق بود. نکتهٔ بسا مهم این است که یک «متغیر مستقل» باشید و در مباحث علوم اجتماعی افزون بر صحبت کردن، باید فردی بود که علاقه‌مند به توضیحات وقایع و پدیده‌های خاص از رهگذر استدلال خود نیز باشید.

نکتهٔ سوم، باید از نظر فکری برخوردار و علاقه‌مند به همه موضوعات و یا مضامین مرتبط باشید. افزون براین، نمی‌توانید از تمرکز محدودی بهره‌ور باشید، بلکه مستلزم مطالعه در سایر رشته‌ها نیز باشید.

نکته چهارم، مسألهٔ اساسی، با اهمیت و مهم، دانستن، شناختن و فهم تاریخ است و باید چنان تاریخ را مطالعه کرد تا تمام اطلاعات مرتبط به تاریخ را در نوک انگشتان خویش داشته باشید.

---

۱. John Mearsheimer، نظریه‌پرداز واقع‌گرایی تهاجمی، استاد دانشگاه شیکاگو.

افـزون بـرآن، باید غریـزه‌ای برای ساده‌سـازی داشـته باشـید، چیزهـای زیـادی در مـورد جهان هسـتی بدانید و هم‌چنـان اندازهٔ پیچیدگـی آن را نیزبدانید. مگربرای این‌که یـک نظریه‌پرداز خوبی باشـید، نیازمند آن هسـتید که ساده‌سـاز بمانید.

یـک نظریـهٔ خـوب، نظریـهٔ سـاده اسـت کـه دارای منطـق قانع‌کننـده‌ای باشـد و توانایـی پاسـخ بـه تعـداد زیـادی از مـوارد مربوطـه را داشـته باشـد و آن را توضیـح دهـد. اگرنظریه‌ای سـاده نباشـد و پیچیدگی زیاد داشـته باشـد، نه یادگیری آن سـاده است و نه کاربسـت آن. از سـوی دیگر، نظریه باید کوتـاه و توضیح‌دهنده باشـد. نظریاتی کـه بیش‌ترین قدرت تبییـن و توضیـح را دارند، در مقایسـه با نظریاتی کـه از چنین ویژگی برخوردار نیسـتند، اهمیت بیش‌تـری دارنـد. نظریه‌ها طراحی می‌شـوند تا موارد زیـادی را، غیر از مـواردی کـه نظریه‌پـرداز لحـاظ کرده اسـت، توضیـح داده و به پیش‌بینـی قدرت‌مندی ارائه نمایند. در صورتی کـه نظریه نتواند از عهـده چنیـن کاری برآید، آن را نمی‌توان یک نظریهٔ خوب به شـمار آورد.

یـک نظریهٔ خـوب باید توضیـح دهد که اگـر(الف) را داشـته باشـید، (ب) را نیـزبه دسـت مـی‌آورد. مگراگـر(الف) را نداشـته باشـد، پس (ج) را به دسـت می‌آورید. همه می‌دانند جهان بسـیار پیچیده و درک آن دشـوار اسـت، بـه همین دلیل ما بـه نظریه‌های نیـاز داریـم کـه تصاویـر سـاده‌ای از واقعیت‌هـا را ارائـه کننـد و در

حقیقت ایـن نظریه‌ها به ما کمک می‌کنند تا جهان هسـتی را بهتر و بیش‌تـر درک نمـوده و از راه آن مسـیر خود را طـی و انتخاب کنیم. چون بدون فهم جهان هسـتی زندگی دشـوار است. هیچ نظریه‌ای نمی‌توانـد تمـام مـوارد را به گونهٔ روشـن توضیـح دهد؛ زیـرا، همان نظریه ساده‌سـازی یک واقعیت اسـت.

به‌طـور خـاص، نظریه‌هـا برخـی از عوامـل توضیحـی را کـه بـه نظـر می‌رسـد چنـدان مهـم نیسـتند، کنـار می‌گذارنـد و ایـن همان ساده‌سـازی اسـت. مگر گاهـی اوقات عوامـل و فاکتورهای حذف‌شـده اهمیت بساگسـترده‌ای دارند که مبنی بر آن، نظریه به شکسـت و ناکامـی روبه‌رو می‌شـود.

بنابرایـن، هیـچ نظریهٔ علـوم اجتماعـی نمی‌تواند پاسـخ‌گوی تمامـی مـوارد باشـد؛ اگرچـه نظریه‌هـای خوبـی وجـود دارنـد کـه توانایـی پاسـخ بـه بیش‌تریـن مـوارد را دارا هسـتند. بسـیاری از دانش‌جویـان سیاسـت بین‌المللـل نظریه‌هـای سـاده را دوسـت ندارنـد و در عـوض توضیحات پیچیـده را ترجیـح می‌دهند. ولی اگر شـما پیچیده‌سـاز باشـید، نـه یک ساده‌سـاز، پس نمی‌توانید یـک نظریه‌پـرداز خوب و مهـم روابط بین‌الملل باشـید. شـما باید علاقه‌منـد به ایجاد اسـتدلال‌های سـاده با منطق اقناعی باشـید.

در نهایـت، فکـر می‌کنم ایـن چهار عامل کـه یادآورد شـدم، از اصلی‌ترین عواملی هسـتند که برای ایجاد و رشـد یـک نظریه‌پرداز عالـی در خصوص روابـط بین‌الملل کمـک می‌کند.

کتاب پایهٔ شمارهٔ شانزدهم
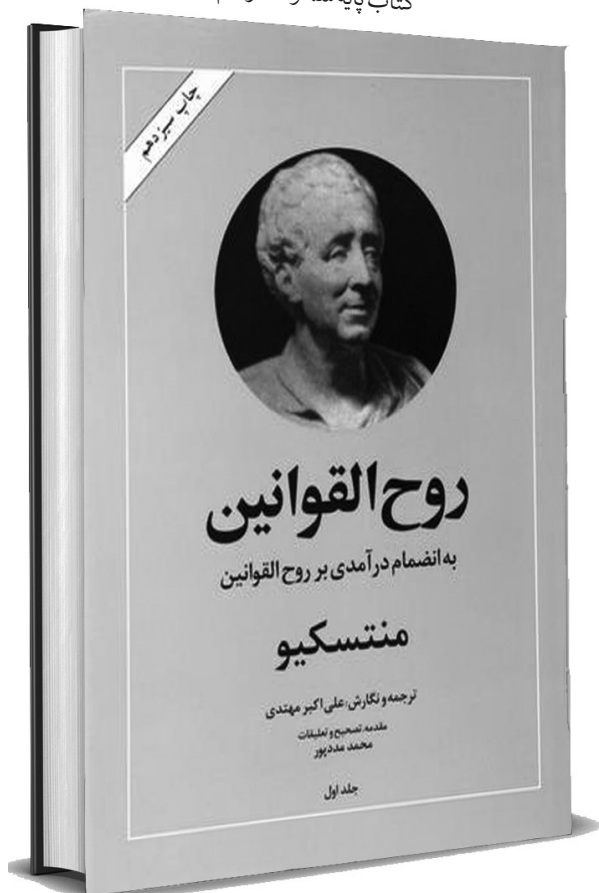
چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟

جان هابسن[۱]
برگردان: مهدی منادی

این پرسش عالی، مگر بسیار چالش برانگیزاست و می‌خواهم جواب فشرده‌ای ارائه کنم. استدلال اساسی در مورد «تفکر بین‌فرهنگی» این است که جریان بیش‌ترلیبرال رشتهٔ روابط بین‌الملل، جهان‌گرایی را با محوریت فرهنگ اروپایی تفسیر می‌کنند، که این ماهیت چندفرهنگی آن را زیر پرسش می‌برد.

جهان‌وطن‌گرایی با معیار تمدن غرب، بر جهان نوعی تک‌محوری فرهنگی را به‌جای تکثرفرهنگی توسعه می‌بخشد، که این صرفاً بیان صریح از شبحی است که براصول رشتهٔ روابط بین‌الملل سایه افکنده است. من بدین باورم که برای دست‌یابی به کثرت‌گرایی فرهنگی اصیل و تفکربین‌فرهنگی، لازم است که نگرش‌های فرهنگی، اجتماعی و حکومتی جوامع غیرغربی در این رشته مورد بررسی قرار گیرند. درحالی که جریان اروپامحور، حوزهٔ غیرغربی را یک جوامع حقیروعقب‌مانده می‌نگرند.

جالب است که جد من ج.ا. هابسون در کتاب خود تحت عنوان «امپریالیسم: یک بررسی» به این موضوع پرداخته است.

---

۱. John Hobson، کارشناس جامعه‌شناسی تاریخی و پسااستعمارگرایی، استاد دانشگاه شیفیلد.

(اگرچـه این اثرتـا حد زیادی از خاطرمردم فراموش شـدده اسـت، زیـرا تعـداد کمی از مـردم بخـش دوم این کتـاب را که مهم‌تـربوده اسـت، خوانده‌انـد). بـا این حـال ایـن فقط گام نخسـت اسـت. تفکـر بین‌فرهنگـی نیازمنـد تجزیه و تحلیـل، گفت‌وگوهـا و روابط متقابـل مشـترک بیـن جوامـع غـرب و غیرغربـی اسـت. بـرای ساخت سیاسـت‌های جهانی و اقتصادسیاسـی جهانی نه‌تنها به نمایندگـی جوامع غربـی، بلکه بـه نمایندگی جوامـع غیرغربی نیز نیاز جدی اسـت. من مطمئناً طرف‌دار این نیسـتم که رشتۀ روابط بین‌الملـل دریک مطالعۀ عمیق قومی- فرهنگی درگیرشـود، بلکه باید به یک رشـتۀ انسان‌شناسـی تبدیل شـود. درهرصـورت، فکر می‌کنم چیزهایی در جریان اروپایی برای توسـعه وجود دارد، ضمن این‌کـه در مرزهای فراتـراز اروپامحوری چیزی‌های زیـاد دیگری نیز برای یادگیری وجـود دارد.

یکـی دیگـر از موضوعـات نظـری کـه لازم بـه بحـث اسـت، درگیرکردن جامعه‌شناسـی تاریخی (البته از منظـرغیراروپامرکزی) یـا بـه عبـارت دقیق‌تـرجامعه‌شناسـی تاریخـی جهانـی اسـت. البتـه این بدان معنا نیسـت کـه من طرف‌دار تبدیل‌شـدن رشـتۀ روابـط بین‌الملل به جامعه‌شناسـی تاریخی باشـم. به‌خوبی از این موضـوع آگاهم کـه یکـی از بزرگ‌ترین چالش نفوذ جامعه‌شناسـی تاریخـی به رشـتۀ روابـط بین‌الملـل، وسیع‌شـدن حوزۀ این رشـته است.

چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟

جنیفر متزن[۱]
برگردان: جاوید سادات

باید به خاطر داشت که شروع برنامۀ دکتورا شامل هضم سطوح گسترده‌ای از روش‌ها در بخش نظریه‌های روابط بین‌الملل و درک ارزش آن‌ها می‌شود. هم‌چنان مهم است بگوییم که کارشناس شدن در روابط بین‌الملل محدود به آموزش نمی‌شود. ممکن است شما بهترین آموزش را در سطح جهان داشته باشید، مگر نیاز است که شما در گام نخست یک پرسش خوب نیز (در مورد روابط بین‌الملل) داشته باشید.

دوم، آیا شما در این مورد کنج‌کاو هستید، یا احساس می‌کنید که در مورد سیاست بین‌الملل حرفی برای گفتن داشته باشید. نه این‌که شما (تنها) نیاز به تحصیلات تکمیلی با یک موضوع رسالۀ کاملا چارچوب‌بندی شده یا نقطۀ فکری موفقیت‌آمیز داشته باشید. اما، استدلال در مورد سیاست جهان و ایده‌ها واقعا نیاز به تعمق دارد. درغیرآن، چرا هرروز پشت کامپیوتر بنشینیم و از طریق نوشتن کتاب‌ها با بن‌بست‌های مفهومی و کار زیاد دست‌وپنجه نرم کنیم؟

---

۱. Jennifer Mitzen، کارشناس امنیت، جنگ و دیپلوماسی چندجانبه.

کتاب پایهٔ شمارهٔ هفدهم

طرحی فلسفی به سوی صلح ابدی

ایمانوئل کانت

مترجم: باقر پرهام
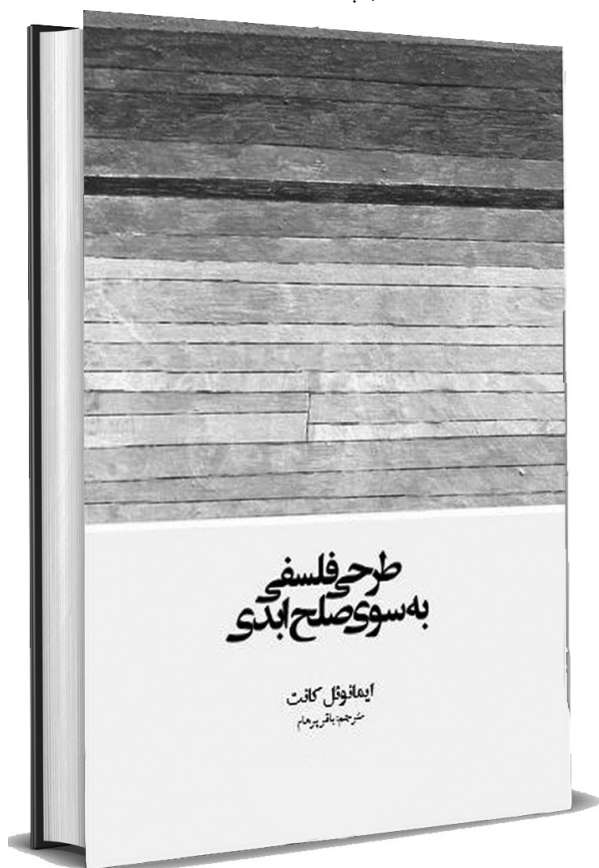
چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟

جوردان برنچ[1]
برگردان: سید حسیب‌الله هاشمی

فکر می‌کنم، این مهم است که در بارهٔ رسالهٔ خود و چیزهایی که می خواهید انجام دهید، واقعاً هیجان‌زده و علاقه‌مند باشید. چیز مهم این است که برای ورود در یک برنامهٔ پایه که متناسب با شرایط علاقه‌مندی شما باشد، تمایل به آن‌چه که آموزش‌های روش‌شناسی با آن پایان می‌یابد، داشته باشید و آن‌چه که برای پروژهٔ تحقیق شما ضروری است.

فکر می‌کنم که این یک گرایش و علاقه به‌منظور جست‌وجو برای «یک اندازه مناسب برای همه» مدل آموزش درجه است زیرا در مرحلهٔ اولیه حس ایجاد می‌کند. هرشخص باید یک مقدار معین از پس‌منظر روش‌های گوناگون بدست آورد، گرچه آن‌ها ممکن است با استفاده از آن‌ها ویا بدون استفاده از آن‌ها پایان یابد. برای نمونه، من هیچ‌گاهی در پژوهش خود از روش کمی استفاده نکرده‌ام، مگر خوش‌حال هستم که مجبور بودم آن روش‌ها را در مکاتب پایه فرا بگیرم. آن‌ها به شما توانایی فهم و درک کار را که در ارتباط به خودتان باشد، می‌دهد، مگر ممکن

---

۱. Jordan Branch، کارشناس تشکیلات دولتی و سیاست بین‌المللی، استاد دانشگاه کلرموند مک کنا کالج.

است از زاویهٔ متفاوت ظاهر شود. شما باید همیشه در روش‌های گوناگون خوش‌حال و باز باشید. کلید اصلی این است که شما توانایی آن را داشته باشید تا مجموعهٔ وسیعی از رویکردها را بفهمید، در غیر آن شما توانایی آن را نخواهید داشت که مجذوب گفت‌وگوهای بزرگ شوید.

هم‌چنان احساس می‌کنم که من چیزهای زیادی از پژوهش، مطالعهٔ وسیع و از دیگر رشته‌ها، مانند تاریخ و جامعه‌شناسی، به‌دست آوردم. من قبلا از جغرافیای سیاسی یاد آور شدم که واقعا زیاد دور نیست. مگر با این حال، در ایالات متحده امریکا در بخش‌های مختلف قرار گرفته است. شما ممکن است فکر کنید که برخی کارها «در آن طرف دیوار است» مگر مهم است که توانایی آوردن همان کار را به فکر خود داشته باشید.

آخرین موضوع این‌که، باید آزاد و آماده باشید تا ذهن خود را تغییر دهید، ممکن است این در مورد پاسخی باشد که شما توقع به‌دست آوردن پاسخ خود را دارید و یا حتی تغییر خود پرسش باشد. بدیهی است که برخی نکات وجود دارد. زمانی‌که شما تقریبا یک پروژه را در جایی که ممکن است مفکوره خوب نبوده، به اتمام رسانیده‌اید... اما، اگر آن به موقع و کارساز باشد و به لحاظ تدارکاتی بتوانید انجام دهید، فکر می‌کنم که علاقه‌مندی برای انجام آن بسیار مهم است و پنج سال بعد شما ممکن است خیلی بهتر باشید.

چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟

جوزف نای[۱]
برگردان: ویس شهیر

در سال ۱۹۹۷، بحثی در رابطه به کشمکش‌های بین‌المللی داشتم، این‌که دانشجویان باید یك منطق علمی خوب در واقع‌بینی، اصول آزادی خواهی و رویکردهای سازنده‌گرایی داشته باشند. معماها و ناهنجاری‌های جالب را ببینند، این‌که چگونه رویکردهای علمی (نظری) می‌تواند با پژوهش‌های تجربی برای از بین بردن چالش‌ها، یك جا باهم کارایی دارند.

- واقع‌بینی: واقع‌بینی کمک می‌کند گرایش‌های ایدولوژیک و پیش‌فرض‌های خود را کنار بگذارید.
- آزادی‌خواهی: به شما اجازه می‌دهد تا آزاد اندیشی را از دیگران سلب نکنید.
- سازه‌انگاری: کمک می‌کند تا شما واقعیت را منحصر به خود ندیده و به واقعیت اجتماعی نسبی باور داشته باشید.

با در نظر داشت گذشتهٔ علمی و تاریخی، با تمایل به ظرافت و گرایش‌ها که بسیاری را در این حوزه به کم‌گویی و اضافه‌گویی سوق داده است.

---

۱. Joseph Nye، نظریه‌پرداز نیولیبرالیسم، قدرت هوشمند، استاد دانشگاه هاردوارد.

کتاب پایهٔ شمارهٔ هجدهم
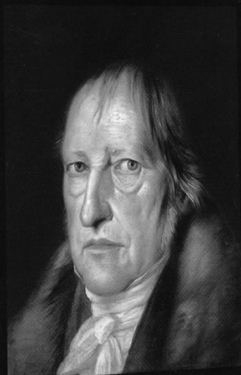
چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟

جِری کوهن[۱]
برگردان: فواد پویا

زمانی که از علاقه‌مندی دانش‌جویان به اقتصاد سیاسی بین‌المللی صحبت می‌شود، ترجیح می‌دهم تا اقتصاد بخوانند. واقعاً عجیب است، وقتی عده‌ای از دانش‌جویان علوم سیاسی اذعان می‌دارند که کارشناسان اقتصاد سیاسی بین‌المللی می‌باشند. این در حالی است که این‌ها نمی‌تواند چیزی بیش‌تر از فرمول Stolper–Samuelson یا مدل Mundell – Fleming بیرون بدهند. براساس مدل مندل، موثریت ابزارهای سیاست پولی در چارچوب اقتصاد کلان به جریان سرمایه و به نرخ ثابت و غیرثابت ارز بستگی دارد. از این‌رو، نوشتن در مورد این مدل‌ها، بدون دانستن فرضیه‌ها، ظرافت‌ها ونظریه‌ها دشوار به نظر می‌رسد. حتا اکثر کارشناس روابط بین‌المللی از فهم ابتدایی مسائل عاجزاند. این، مرا به یاد حرف از الکساندر پاپ می‌اندازد: «دانشِ محدود مسأله خطرناکی است. یا از چشمه سیراب شو یا به آن دست نزن» لذا توصیه می‌کنم، هرگاه به جز از رشتهٔ روابط بین‌الملل به رشتهٔ دیگری علاقه دارید، یا خوب مطالعه کنید یا از کنج‌کاوی در زمینه دست بکشید.

---

۱. Jerry Cohen، کارشناس اقتصاد سیاسی بین‌الملل و استاد دانشگاه.

کتاب پایهٔ شمارهٔ نوزدهم
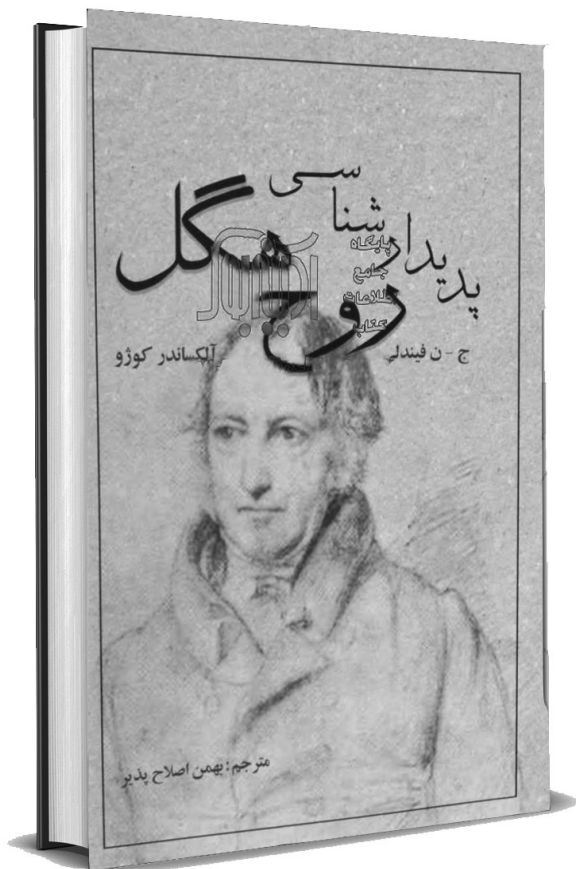
چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟

جیمز اسکات[۱]

برگردان: فردین برمکی

من در این مورد یک نظر قطعی دارم. ما می‌توانیم در مفهوم کلمهٔ اتحادیهٔ کارگری این را فرض کنیم این‌که هر کسی که قرار است دانشمند شود، در تخصص و رشته‌های خود آموزش خواهد دید. بنابراین، من این موضوع را غیرقابل‌منازعه می‌بینم، مگر چیزی که این روزها می‌خواهم به دانش‌جویانم بگویم، این است که اگر ۹۰٪ وقت خود را صرف خواندن علوم سیاسی، جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی کنید و اگر بیش‌تر اوقات شما صرف صحبت با افرادی شود که مطالب مشابه را می‌خوانند، در این صورت شما عین موضوعات علوم سیاسی، جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی را دوباره تولید خواهید نمود.

به نظر من، اگر شما آن را درست انجام می‌دادید، حداقل نیمی از مواردی را که باید می‌خواندید، چیزهای خارج از رشتهٔ شما خواهد بود. زیرا، بیش‌تر انگیزه‌های جالب از حاشیهٔ یک رشته یا حتی خارج از آن ناشی می‌شود. یک تحقیق خوب در علوم اجتماعی زمانی به‌وجود می‌آید که یک مفهوم بیرونی قابل

---

۱. James Scott، کارشناس زراعت به عنوان سیاست، خطرات معیاری‌سازی و عدم کنترول، استاد دانشگاه کوینسلند.

تطبیـق را ارزیابـی نموده و در رشـتۀ خود اضافـه نماید.

اکنـون منحیـث یـک نظریه‌پـرداز در رشـتۀ خود ایـن توصیه را می‌نمایـم: هنگامـی کـه مشـغول کار روی «اقتصـاد اخلاقـی دهقانـان» بـودم، تمـام رمان‌هـای دهقانـی را کـه می‌توانسـتم بـه دسـت آورم، خوانـدم. تمـام تاریـخ شـفاهی را به طـور خلاصه، تا آن جـا که می‌توانسـتم چیزهای خـارج از علوم سیاسـی تهیه کنم. اگـر بـه آثـاری کـه از نظـر تاریخـی تأثیرگـذار بوده‌انـد نـگاه کنید، می‌توانید از طریق فهرسـت یا کتاب‌شناسـی بگویید که نویسـنده مـوارد زیـادی را خوانـده اسـت کـه خـارج از حدمعمـول کارهای معیـاری و جریـان اصلـی بوده اسـت. مگر اگـر تصمیـم دارید کار وسـیع‌تر و چالش‌برانگیزتـر انجـام دهیـد، بـا چالش‌هـا و مقاومت دسـتگاه دانشـگاهی مسـتقر روبه‌رو خواهید شـد. نگاهی به یکی از آثارهـا بارینگتـون مـور کـه عبـارت از «ریشـه‌های اجتماعـی دیکتاتوری و دموکراسـی» می‌باشـد، انداخته شـود، یکـی از آن آثار عالـی می‌باشـد. این کتاب توسـط ناشـران شـش‌بار رد شـد، زیرا کارشناسـان هریـک از زمینه‌هایی که وی زیر پوشـش قـرار می‌داد، بـا فصل‌های مربـوط بـه آن موضوعات مشـکل داشـتند.

از طـرف دیگـر، چـاپ مقالـه چقـدر مهـم اسـت؟ یکـی از همکارانـم گـزارش داد کـه چـه تعـداد از مـردم واقعـاً مقـالات دانشـگاهی را می‌خواننـد - ایـن تعـداد به‌طـور متوسـط از سـه نفر کم‌تـر بـود. بنابراین، اکثر نشـریات مقاله اساسـاً یک دسـتگاه ضد

سیاست بوده و به مردم در راستای دریافت حق تصدی کمک می‌کند. این موضوع حتی برای مقالات مورد ارزیابی نیز صادق است. پیش‌رفت مسلکی به‌طور فزآینده‌ای به نوعی سیستم نظارتی برای تعداد مقالات بررسی شده توسط همکاران و سایر موارد بستگی دارد، نوعی سیستم فنی یا ماشینی که دستگاه ضد سیاست بوده و تلاش برای جلوگیری از قضاوت‌های کیفی در مورد خوب بودن چیزی می‌نماید. بنابراین، اگر مقاله‌ای را تولید می‌کنید که سه نفرآن را می‌خوانند، پس چرا در وهلهٔ اول این کار را می‌کنید؟ شما باید یک کار دیگررا پیدا کنید، جایی که تأثیر بیش‌تری بر جهان داشته باشید. اگراین کار را انجام می‌دهید تا نظم و انضباطی را که روی شانه‌هایتان است راضی نگه کنید، این کار بیگانه‌ای است و من کاملاً تصدیق می‌کنم. اگر بخواهید در غیراین صورت انجام دهید، دشوار است، راه خود را انتخاب کنید. گفتن برای من آسان است. زیرا، من در زمانی حضور یافتم که این افسانه در بارهٔ جهان سوم وجود داشت - هر چیزی در مورد جهان سوم احتمالاً منتشر می‌شد. بنابراین، من به این واقعیت واقف هستم که زندگی برای من از دانش‌جویان امروز راحت‌تر است. مگر از طرف دیگر، مگراین‌که کار دفتری از ساعت پنج الی نُه را ترجیح می‌دهید که در آن ساعات خود را وقف می‌نمائید، ممکن است یک کار هیجان‌انگیز را انجام داد، حتی اگرعلاقه‌مند یا خریدار کم داشته باشید.

کتاب پایهٔ شمارهٔ بیستم
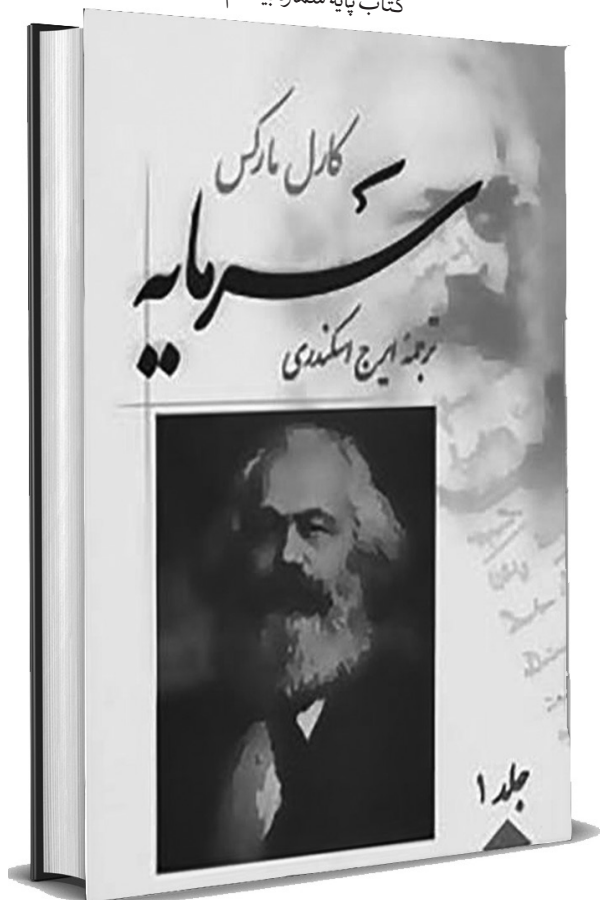
چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟

جیمزفرگوسن[1]
برگردان: بنفشه یعقوبی

پیش از هر چیز، باید بگویم که من، خود را یک دانشمند روابط بین‌الملل نمی‌دانم و ادعای تجربه یا تخصص در این عرصه را ندارم. مگر جهت کسب تجربهٔ «جهان‌شمول» بی‌تردید به یک دانش مشخص نیاز داریم. ولی به باور من، به منظور معنادارتر ساختن درک ما از جهان به‌گونهٔ جهان‌شمول، هم‌چنان به نوعی از تخصص نیاز است که یکی از شروط آن فروتنی است. مسأله این نیست که شما واجد شرایط باشید؛ زیرا شما از دانش زیادی برخوردار هستید.

تخصص در کنار فروتنی زمینه را برای درگیری، همراه با احتیاط علمی فراهم می‌سازد. ویژگی تخصص این است که انرژی کم‌تری از انسان سلب می‌کند و انسان متون مهم را در این زمینه می‌شناسد. ویژگی فروتنی این است که انسان تلاش‌هایی در مسیر شناخت بیش‌تر بدون غرور انجام می‌دهد. این هردو از انسان می‌توانند متخصص بسازند. یکی از شایستگی‌های عمده‌ای که من از دانش‌جویان خود در این زمینه انتظار دارم، این است که حتی از طرز دانش و فهم آنانی که خرد به نظرشان

---

۱. James Ferguson، کارشناس مدرنیته، استاد روابط بین‌الملل، دانشگاه ستنفورد.

می‌آید، آگاهی حاصل کنند. گاهی اوقات، تجربهٔ تخصص، باعث تکبر و خودبینی در انسان می‌گردد. یادم است که ادوارد سعید، در خصوص این کارشناسان خاورشناس، مطلبی نوشته بود. او اشاره نموده بود که بسیاری از آن‌ها (اشاره به کارشناسان امریکایی) حتی زحمت آموختن زبان عربی را نیز به خود نمی‌داده‌اند و توان خواندن روزنامه‌های کشورهایی را که آنان مدعی کارشناسی و تخصص در آن زمینه‌ها هستند، را نداشته‌اند. به باور من، این گاهی جزء چالش‌های علوم سیاسی نیز است. یادم می‌آید که از یک شخص، مگر یک دانشمند مشهور علوم سیاسی، نقل قولی شنیده‌ام که می‌گفت: «هرگاه شخصی را می‌دیدم که به زبان محلی سخن می‌گفت، او در نظرم به عنوان منبع درجه دوم می‌آمد.»

از نظر من، این تعجب‌آور است، زیرا من ترویج‌دهندهٔ این طرز فکر هستم که دانش و طرز فهم شما، تنها یکی از شیوه‌های درک در بین سایر شیوه‌های فهم در سراسر جهان است. پس، مسأله این است که میان طرز فهم خودتان و نیز شیوهٔ فهم دیگران، چه رابطه‌ای را شکل می‌دهید؟ من خودم، از دانشجویانم خواستار آن هستم که از طی دل، رؤیای برقراری یک رابطه غیر امپریالیستی (چون واژهٔ بهتری سراغ ندارم) میان شیوهٔ فهم خود و شیوهٔ درک دیگران از مسائل، ایجاد نمایند.

چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟

جیمز فیرُن[۱]
برگردان: سید حسیب‌الله هاشمی

فکر می‌کنم این موضوع به شما کمک می‌کند، اگر علاقهٔ خاص به سیاست‌های بین‌المللی جهان واقعی دارید؛ هر روز، روزنامه بخوانید و متوجه آن‌چه اتقاق می‌افتد باشید. برای آسایش، اگر سخت کار کنید و تنظیم نمایید که وارد برنامهٔ دکتورا شوید، در مسیر اهداف خود خواهید رسید. مگر مطمئن شوید که شما یک برنامهٔ آموزشی خوب را در روش‌شناسی جهت مقابله به پرسش‌های که برای شما مهم است، انتخاب کنید.

- خواندن اخبار: این امر مهم به شما توانایی بروز بودن را می‌دهد تا هر رویدادی را که در حوزه مطالعهٔ شما اتفاق می‌افتد، رصد کنید.
- دکتورا: این برنامه به شما کمک می‌کند تا وارد مباحث پیچیده شوید و هم‌چنان فرصت گفت‌وگو با دانشمندان را در سطوح مختلف از فرهنگ‌های گوناگون فراهم می‌کند.
- برنامه: برنامه کار شما را روی موارد خاص متمرکز کرده از ضیاع انرژی و ائتلاف وقت جلوگیری می‌نماید.

---

۱. James Fearon، کارشناس اصلاح شورای امنیت سازمان ملل.

کتاب پایهٔ شمارهٔ بیست‌ویکم
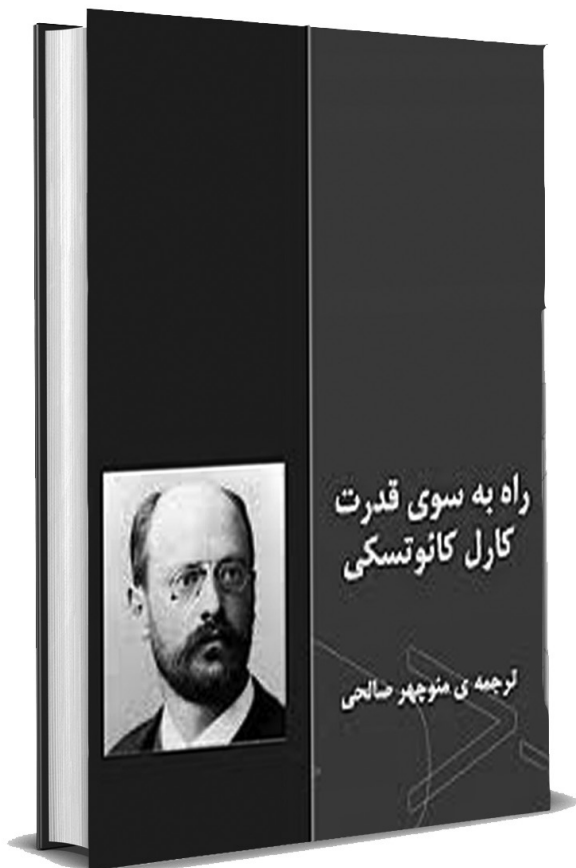
چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟

ژان فرانکوس بایارت[۱]
برگردان: احسان الله احمدی

از دید مفاهیم بنیادین فنی، البته نخست موضوع چندزبان‌گرایی است، مسأله‌ای که اکنون امری عادی، مگر در گذشته کم‌تر مشهود بود. بسیار خوش‌حال هستم که می‌بینم پژوهش‌گران نسل جوان از دید زبانی بسیار پیش‌گام هستند. شاید برای دانش‌جویان حوزهٔ روابط بین‌الملل، نیاز به یادگیری زبان‌هایی غیر از زبان‌های غربی را پیشنهاد کرد. مگر زبان انگلیسی واضح است که ضروری است. با این حال، اگر کسی بتواند به آلمانی، اسپانیایی، پرتغالی صحبت کند، خیلی بهتر است.

اما فکر می‌کنم، امروز نظریه پردازان روابط بین‌الملل باید کاملاً روی نظریه‌های چینایی، جاپانی، عربی، فارسی و غیره سرمایه‌گذاری کنند. از همین رو، می‌توان به راحتی در تسلط کامل زبان انگلیسی به عنوان زبان ارتباطی آن‌ها را محدود کرد. مگر بدیهی است که این درک آن‌ها را از آن‌چه من تاریخ جوامع افریقایی می‌نامم، منع می‌کند.

دوم، فکر می‌کنم این زمینهٔ کاملاً ضروری است و از نظر من اشتباه اساسی و جدی این است که نظریه‌پردازان به کار میدانی

---

۱. Jean–Francois Bayart، کارشناس جهانی‌شدن و سیاست افریقایی.

در تحقیـق نمی‌رونـد، بلکـه از یـک کنفرانـس بـه کنفرانـس دیگر می‌رونـد، بـدون این‌که با پیچیدگـی جوامع روبه‌رو شـوند. اگر آن‌ها بـا پیچیدگـی جوامع به طور مسـتقیم از طریـق کار میدانـی روبه‌رو نشـوند، اگـر چیزی غیـر از منافـع علمی خـود را مشـاهده نکنند، (چـه زرد با چشـمان مایل یا سـیاه)، هرگز چیزهای زیـادی در مورد عملکرد واقعی سیسـتم بین‌المللی نخواهند فهمیـد. پس یک راه این اسـت که شـما یـک کاری انتخاب کنیـد و در آن بـه کارهای میدانـی بپردازیـد. کار میدانـی شـما را درگیـر مسـائل اطراف‌تـان می‌سـازد و فهـم شـما را از رخدادهـا محیط‌تان افزایـش می‌دهد.

سـومین توصیـه‌ای کـه می‌توانـم ارائـه کنـم، ایـن اسـت کـه تواضـع وجـود داشـته باشـد، زیـرا وقتی بـه جهـان در حـال تغییر نـگاه می‌کنیـد و آن را بـا نظریـهٔ روابـط بین‌الملل روبـه‌رو می‌کنید، باید یک شـکاف مشـخص را تشـخیص دهیـم. اگر نظریـهٔ روابط بین‌الملـل بخواهد ابزاری را بـرای درک جهان که قصد رمزگشـایی آن را دارد، فراهـم کنـد؛ این موضوع را فقط بـا کار کردن روی جوامع خـاص می‌تـوان انجـام داد، نـه فقـط بـا کار کـردن روی زبان‌های محلـی غیرعامیانـه، کـه به نظر می‌رسـد ایـن جوامع به واسـطهٔ آن مبادلـه و ابـراز بیان می‌کننـد. بسـیاری‌ها تواضع و فروتنـی ندارند و بسـیار کارهـا را از روی غـرور انجـام می‌دهند که ایـن موضوع در درازمـدت خوب نیسـت و می‌تواند دامنـهٔ فهم را محـدود و امکان شـناخت بیش‌تـر را از شـما بگیرد.

چهـارم، فکـر می‌کنم که خشـم، مهم اسـت. خشـم سیاسـی یک ماشـین علمی می‌تواند باشـد. من شـخصاً وقتـی روی روابط بین‌المللی سیاست خارجی فرانسـه کار می‌کردم، این کار را از یک عصبانیـت سیاسـی یا مدنـی انجام دادم. خشـم می‌توانـد انرژی لازم را بـرای انسـان در راسـتای بررسـی دقیـق یـک موضـوع فراهم سـازد. بسـیاری از خلاقیت‌هـا و دسـت‌آوردهای غربـی از تفکـر همـراه بـا خشـم آن‌ها از شـرق شـکل گرفته اسـت. بنابرایـن، فکر مـی کنم وقتی اشـتیاق سیاسـی بـا واسـطهٔ نظری، مفهوم‌سـازی، مسأله‌سـازی صـورت می‌گیـرد، لزوماً مشـاور بدی نیسـت.

سرانجام، ارزش سیاست مقایسـه‌ای افزوده برای من چیست؟ ایـن بـرای مقایسـه نیسـت، بلکـه بـرای بـه اشـتراک گذاشـتن پرسـش‌ها، برای به اشـتراک گذاشـتن چالش‌ها، برای به اشـتراک گذاشـتن منابـع و کتاب‌ها اسـت (در تعریف پل ویـن، یک مورخ فرانسـوی که در مـورد روم و یونـان باسـتان کار می‌کند)

بنابرایـن، مقایسـه یـک یـا چنـد عامل بـرای شخصی‌سـازی موقعیت‌های تاریخی اسـت. یعنی به تخیل نظـری اجازه می‌دهد تـا درک مـا از غنـای خـاص و احتمالـی پیکربندی‌هـای خـاص تاریخـی را عمیق‌تر کند؛ حتی اگر در موقعیت‌های بسـیار متفاوت کار کنیم.

کتاب پایهٔ شمارهٔ بیست‌ودوم

چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟

جیوفری اندرهیل[۱]
برگردان: منصور احسان

یک رویکرد کاملاً سنتی نسبت به این پرسش وجود دارد: «دکتورا بگیرید، خود را وقف مطالعه نماید، انتقاد کنید و غیره». مگر من از سنت‌گرایان متفاوت هستم، زیرا فکر می‌کنم درست است که دانش‌جویان روابط بین‌الملل باید تحصیلات گسترده‌تری نسبت به بسیاری از دانش‌جویان دیگر داشته باشند، مگر این از نظر فکری بسیار کم ارزش است، چون ممکن است برای دانش‌جویان و معلمان غیرممکن باشد، تا این چالش را بپذیرند (فقط به این دلیل که امروزه مواد بسیار زیادی برای آموزش وجود دارد)، هنوز هم من فکر می‌کنم همه باید در این راستا تلاش نماییم.

بسیاری از کمیته‌های پذیرش داوری تنگ‌نظرانه در باره درخواست‌دهندگان دارند؛ یک دانشمند مطالعات روابط بین‌الملل یک کارشناس فنی نیست که با پرسش‌ها از پیش‌تعیین‌شده روبه‌رو باشد که از قبل در ادبیات همان بخش موجود است. من فکر می کنم دانش‌جویان رشته روابط بین‌الملل باید مطالعات گسترده‌ی تاریخی و فکری داشته

---

۱. Geoffrey Underhill، پروفیسور حکومت‌داری جهانی و استاد دانشگاه آمستردام.

باشـند: شما باید کارکردهای گذشـتگان را بدانید، تا حال را تفسیر و در مـورد آینـده خلاقانه بیندیشـید. آن‌هـا باید بداننـد که چگونه پرسـش‌ها مهـم و کلیـدی را طـرح نماینـد و ایـن به معنـای درک خوب فلسـفه سیاسـی اسـت. چه مواردی برای زندگی انسان حایز اهمیـت اسـت؟ دانش‌جویان نبایـد فقط زیربنای تاریخی داشـته باشـند، آن‌هـا بایـد بداننـد کـه به‌طور کلـی دربـاره‌ی چـه چیزی صحبـت می‌کنند. دانشـمندان روابط بین‌الملل بایـد از منازعات داخلـی و بین‌المللـی آگاهـی داشـته باشـند. روابـط بین‌الملل از سیاسـت داخلی جدا نیسـت، برای فهمیدن این موضـوع که چرا دولت‌ها در سـطح بین‌المللـی به‌گونه‌ی خاص عمـل می‌نمایند. دانسـتن چگونگی عملکرد جوامع سیاسی در سطوح ملی و ایالتی لازمی اسـت، چـون این دو به‌هـم مرتبط و گـره خورده‌انـد. جوامع و دولت‌هـا ماهیـت فراملی دارند. اصل سـرزمین مهم اسـت، مگر فقط بخشـی از آن اسـت. دانشـمندان روابـط بین‌الملل هم‌چنین بایـد سـایررشـته‌ها را بداننـد: مبانی حقـوق و چگونگـی عملکرد آن، اقتصـاد، فلسـفه‌ی علـم و این‌کـه مـا چگونـه می‌دانیـم، چـه می‌دانیـم. به‌طـور خلاصه، آموزش گسـترده. منظور من این اسـت کـه بـرای فکرکـردن در مورد موسسـات، بایـد نحوهٔ عملکـرد آن‌ها را به‌طـور دقیـق مطالعه نماییـم. دانش‌جویان هنـگام صحبت در موردنظریـه بایـد بدانند که در مـورد چه چیزی بحـث می‌کنند: اگر دربـاره افـکار و کارکردهای امانویـل کانت به من بگوییـد، بهتربود بدانیـد کـه کانـت در واقع چه گفته اسـت.

چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟

دانیل دوِدنی[۱]
برگردان: دیانا فرهمند

در ایـن مـورد باید توجـه نمود تا این‌کـه بتوانیم چه نوع پاسـخ‌هایی بـه این پرسـش و به طور کلی ارزشـمند و موثـر ارائه کـرد. مهم‌ترین بینـش این اسـت که موفقیـت در زندگی فکری و دانشـگاهی کم و بیـش ترکیبـی از عوامل تعیین کننـده موفقیت‌آمیز و بـه طور کل در این زمینه تعیین می‌شـود.

این لیسـت به‌طور واضح صراحت به: شـخصیت، استعداد، پشـت‌کار و سخت‌کوشـی، قضـاوت خـوب، مهارت‌هـای خوب و شـانس دارد. هرکسـی اسـتعداد انجام ایـن نوع کار را نـدارد، مگر تعـدادی از افـراد کـه اسـتعداد انجام این نـوع کارها را دارند بسـیار بیش‌تـراز افرادی اسـت که در انجام آن موفق هسـتند. فکر می‌کنم در سـایر دانشـگاه‌ها، افرادی که بـه احتمال زیاد موفق می‌شـوند، افـرادی هسـتند کـه نگـرش و درک آن‌ها نسـبت بـه فعالیت‌های حرفه‌ای و مسـلکی است.

پیشـه، کاری اسـت که فرد با صدای درونی فراخوانده می‌شود کـه نمی‌توانـد در برابر آن مقاومت کند. افراد با مشـاغل واقعاً هرگز به

---

۱. Daniel Deudney، کارشـناس جیوپولیتیـک جهانـی و صلـح سـبز، اسـتاد دانشـگاه جـان هاپکینـز.

یـک معنا یا یک مفکـوره کار نمی کننـد، زیرا آن‌هـا در حال انجام کاری هسـتند که حتی اگر به آن‌ها حقوق و دسـت‌مزد ندهند یا به آن‌ها نیاز نداشـته باشـند، می تواننـد آن کار را انجـام دهند. البته، بـه تعبیـری دیگـر، افراد با مشـاغل هرگز دسـت از کار نمی‌کشـند، چنـان مسـیر خـود را مـورد ارزیابـی قـرار می‌دهند کـه مـوارد دیگر برای‌شـان کم‌اهمیـت می‌باشـد. افـراد دارای اشـتغال و تخصص وقتـی وظایـف و مسوولیت‌های‌شـان تـا حـدی برسـد، بیش‌تـر مسـوولیت‌پذیر نمی‌باشـند، ولـی افـراد مسـلکی کـه از توانمندی بیش‌تـری برخوردار باشـند وظایف و مسـوولیت‌های خود را جهت بهتر شدن رشـد و توسـعه می‌بخشند.

زمانی که تجارت شـما با اسـتفاده از مسـلکی بودن و شغل‌تان در یـک پیمانۀ عالی می‌رسـد، با هیجان باید اظهـار کنید که وای مـن نمی توانـم باور کنم که در ایـن تجارت سـرمایه‌گذاری کرده‌ام، بـه طور واضـح، خطر بـزرگ منوط به افرادی می‌شـود کـه تجارت و کارشـان در عـدم تعـادل و از طریق افراد بی تجربه و مسـلکی پیش برده می‌شـود. برای اجتناب از این خطرات، حفظ روابط شـخصی قـوی موثـر بوده، تا این‌کـه بدانید چه زمانـی و چگونه «بـه طور موثر» اقـدام کنید و توانایی دیدن هرگونه شـرایط را بـه عنوان یک کمدی بـاز بـرای خندیـدن حفـظ کنیـد. زندگـی دانشـگاهی هم‌چنیـن شـامل زندگی و کار به صورت مسـلکی است.

در مقایسه با فشارهایی که بسیاری از اندیشمندان و محققان از لحاظ تاریخی از آن رنج برده‌اند، زندگی دانشگاهی حرفه‌ای معاصر یک خیال‌پرستی است. مگر زندگی دانشگاهی جنبه‌های تأسف‌بار دارد و کنار آمدن با آن‌ها موفقیت‌آمیز و حیاتی است.

زندگی دانشگاهی پر از «صحنه‌های عجیب» و ساختارهای ضعیف دانشگاه‌ها و سازمان‌ها است که با سیستم تصدی نیز ترکیب می‌شوند، معمولاً نمایش رفتار پرشور و مشکوک را نشان می‌دهند. تعداد زیادی از دانش‌جویان دارای مهارت‌های اجتماعی بسیار ابتدایی و بی‌کفیت هستند. برخی دیگر افراد دیوانه و سرمست هستند. بعضی از آن‌ها منافقین پر زرق و برق هستند. برخی بی‌رحمانه خود بزرگ‌بینی می‌کنند و دست کم دارند. برخی از آن‌ها آزاد و خودمختار هستند. هم‌چنین، زندگی دانشگاهی، به ویژه همان وقت و انرژی است که به خاطر فراگرفتن آن صرف کرده‌اید که در بعضی موارد مطلوب چندانی ندارد. فساد مالی، جناح‌گرایی ایدئولوژیک و تجاوز رخ می‌دهد. اگر در چشم‌انداز مناسب نگه‌داری نشود و از طرق مناسب به آن نزدیک نشویم، زندگی بخش دانشگاهی می تواند احمقانه باشد و باعث اتلاف وقت، انرژی و خطرناک‌ترین توجه فکری شود. گام اساسی برای زندگی بخش سالم، نزدیک شدن به آن به عنوان یک نقش حرفه‌ای است.

یکی دیگر از ویژه گی‌های زندگی دانشگاهی تدریس است. تدریس یکی از دو گزینه‌های است که نهادهای دانشگاهی بعد از سعی و تلاش که به خرچ می‌دهند زندگی اکادمیک آن‌ها را برای ما فراهم می‌دارد. شانه خالی کردن از تلاش سلب مسوولیت است، ولی اگر در زمینه بازبینی صورت گیرد این فرصت عالی بوده می‌تواند. تدریس در واقع یکی از تاثیر گذار ترین کارهای است که دانشگاهی‌یان انجام می‌دهند. فکر کنم کلید آموزش به سادگی همان ایجاد انگیزه و شوق در وجود دانشجو پیدا کردن است که بعد از الهام گرفتن، تدریس را به وجه احسن فرا می‌گیرند. هنگامی‌که دانش‌جویان انگیزهٔ خلق پرسش را در خود ایجاد می‌کنند، مشتاقانه به دنبال پاسخ پرسش‌هایی هستند که طرح نموده‌اند. آموزگاران امور سیاسی هم‌چنین این را مسوولیت خود می‌دانند، آن‌چه را که می‌آموزانند یک‌دست بوده، تا اطمینان حاصل کنند که فقط یا عمدتاً نظرات خود را آموزش نمی‌دهند و مطمئن شوند که بهترین و قوی‌ترین نسخه‌های طرف‌های مقابل تدریس شنیده می‌شود. آموزگاران سعی می‌کنند که به جامعه، افراد روشن، عالی و اکادمیک را تقدیم کنند، نه افرادی را که فاقد هم‌چو اوصاف باشند. فراتر از نقش‌های اصلی، فراهم نمودن انگیزه و دست‌یابی به سایر بسته‌های معیاری حرفه‌ای هم‌چون آمادگی خوب، سازماندهی درست، کوشا بودن و شفافیت می‌باشد.

چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟

دانیل لِواین[1]
برگردان: بصیر محمدی

من می‌توانم راحت‌تر به عنوان کسی که تا همین اواخر دانشجوی مقطع ماستری بودم، به پاسخ این پرسش بپردازم. چون خودم به اندازهٔ کافی تولیدکننده نبوده‌ام، به همین خاطر نمی‌توانم بدون هیچ صلاحیتی بگویم «خوب، این روش موفق‌شدن در تجارت و یا راه نظریه‌پردازشدن در موضوعات ماندگار و مهم است». مگر می‌توانم در این‌جا بگویم، «چگونه تلاش می‌کنم تا یک (مولد) باشم». نوشتهٔ مشهوری از آلبرت او. هیرشمن زیر عنوان «اصل دست پنهان» موجود است. در این مقاله هیرشمن به صورت مکرر می‌گوید، یگانه روش برای انجام دادن پروژه‌های بسیار بزرگ و مغلق، فریب دادن خود جهت نادیده گرفتن میزان پیچیدگی پروژه می‌باشد. وی برای نمونه، از پروژه‌های اقتصادی عظیم و بسیار پیچیدهٔ پسا استعماری مانند بند اسوان (در رود نیل مصر) یاد آور می‌شود و می‌گوید تنها راهی که چنین پروژه‌های عظیم و مغلق عملی و تطبیق می‌شوند، این است که پیچیدگی این پروژه‌ها نادیده گرفته شود و یا شخص خود را فریب دهد. در غیر این صورت، یاس و نا امیدی بر ذهن مستولی شده و پروژه هرگز

---

۱. Daniel Levine، کارشناس دست نامریی و نقد پایدار بر روابط بین‌الملل.

تکمیـل نمی‌گـردد. از روز اول سـیمینار تا طـرح پایان‌نامـه و تا دورۀ کاری خدا را شـکر که هیچ نمی‌دانسـتم چه کار می‌کنم؛ در غیرآن ممکن بـود ترک می‌کـردم. با در نظرداشـت واقعیت بـازار کار، باید دانش‌پژوهان با شـور و شـوقی می‌بودیم که صرفا به‌خاطر پیش‌رفت علـم و عشـق به نوشـتن اسـتدلال می‌کردیـم و می‌نوشـتیم. با این حال، مـا باید هم‌چنان بسـیار عمل‌گرا و تقریبا بدبیـن می‌بودیم در مـورد نحوۀ این که بازار اکادمیک بر شـهرت نشـریات بنا می‌شـود، بـه نحوی که شـهرت به معـرف ارزش متاع تبدیل می‌شـود.

حداقـل در ایـالات متحـده امریـکا، کاهـش تصـدی و ظهـور طبقـه جدیـد از دانش‌جویـان کـه قلمـرو مسـوولیت آن‌هـا به‌طـور خـاص دخیل بـودن در نقدهای ناراحت‌کننده سیاسـی و اخلاقی اسـت؛ به‌خصوص، وقتی بدون تصدی و بعضا دسـت‌خوش یک رئیـس ضعیـف و یا مسـئول دیپارتمنـت بیش از حد خسـته‌کن و یـا همکاران دمدمی مزاج باشـند که این بسـیار زیاد وحشـت‌ناک اسـت. اگـر شـما، آموختـن دانـش عـادی را بـه پیـش گرفته‌ایـد، بحـث جداگانـه اسـت کـه چالش‌هـای آن متفـاوت می‌باشـد. مگـر اگر حرفه شـما حداقل در ده‌سـال گذشـته نقد کردن اسـت، ایـن یـک معامله بزرگ و بسـیار مشـکل اسـت. در ایـن عرصه من خیلـی خوش‌بخت هسـتم، چـون در آلباما مـن از حمایت جدی دیپارتمنـت، رییـس و کالج خـود برخوردار بـوده‌ام.

من دکتـورای جان هاپکنـز بـودم و دیپارتمنت مـن فوق‌العاده

بود. از نظر حمایت و تشویق و فراهم‌سازی کتاب‌های جالب جهت پیدا کردن و یا خواندن پیش‌نویس‌های خراب، مرا کمک می‌کرد، تا این‌که غنی ساخته شوند و یا حداقل درک کنم که چرا ناپسند بوده است. ما آموزش‌های مسلکی نمی‌دیدیم، به دلیل این‌که، آن‌ها نمی‌خواستند تا ما صدای خود را پیدا نکنیم و حرفه‌ای شویم. واقعا، از این بابت ممنون هستم. مگر سپس به این دورهٔ می‌رسید که باید دریابید چگونه صدای‌تان را به یک متاع تبدیل کنید. این واقعا دشوار و نسبتا ناامیدکننده است.

حتی فهم این که شما باید امتعه باشید، مایوس‌کننده است و شاید با خود بگوئید آیا به دانشگاه نیامده‌ایم تا یاد بگیریم چگونه از این نوع منطق‌ها جلوگیری کنیم؟ مگر دقیقا همان‌طور که مارکس می‌گوید، متاع دارای زندگانی دوگانه است و شما هم‌چنان. ارزش- مصرفی از بورسیه تحصیلی شما و ارزش- مبادله‌ای آن به صورت خودکار و بدون اصطکاک به هم پیوند نخواهند خورد.

بنا براین، شما تمام این زمان را صرف ارزش- مصرفی آن جهت نوشتن یک پایان‌نامهٔ خیلی خوب و جالب خواهید کرد و به این خواهید اندیشید که به ارزش- مبادله‌ای تبدیل خواهد شد که گاهی به نحوی آن چنان خواهد شد. مگر بسیاری از چیزهای دیگر هم‌چنان به ارزش- مبادله‌ای تبدیل خواهد شد که در واقع ربطی به خوب بودن کار شما ندارد.

بسـیاری از همـکاران شـما، اصلـی و یـا بکـربـودن کار شـما را واقعـا نخواهنـد فهمیـد. چـون ارزش و خلاقیـت کار شـما برای همکاران‌تان آشـکار نخواهد شـد، تـا این‌که آن‌ها زمـان زیادی را به بررسـی دقیق پیش‌نویس‌های ناپسـند شـما اختصـاص دهند که صرفـا تعـداد اندکی ایـن کار را انجـام می‌دهند.

بسـیاری از پروژه‌هـای مهـم و ارزشـمند در آغـاز جـدی گرفته نشـدند و حتا مـورد بی‌مهری قرار گرفتنـد، مگر پـس از مدتی آن‌ها جـای خـود را در میـان انبوهـی از کتاب‌هـا باز کـرده و نویسـنده را بـه شـهرت رسـانیده‌اند. نمونه‌هـای چنین آثـاری کم نیسـتند. از ایـن‌رو، بـه این فکر نباشـید کـه دیگـران در مـورد کار شـما داوری می‌کننـد، مهم این‌اسـت که شـما صـدای خـود را بـه کالا تبدیل کنیـد؛ این مهم اسـت.

بنـا براین، نحـوهٔ ایجـاد ارزش- مبادله‌ای برای‌تان مهم اسـت. بـه همین‌گونـه، یافتـن افرادی که به شـما، پروژهٔ شـما، آیندهٔ شـما اهمیـت می‌دهنـد و به همین ترتیب یادگیری این کـه چه زمانی به توصیـهٔ آن‌ها گـوش دهید، چه زمانی توصیهٔ آن‌هـا را نادیده بگیرید و چگونـه با درایت این کار را انجام بدهید. اگر همهٔ این‌ها سـخت باشـد، شـما احتمالا در راه درست روان هسـتید. با تاسف که این هم چنین اسـت، مگر در تمـام موارد، برای من این‌گونه بوده اسـت.

چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟

دیرک مِزنر[۱]
برگردان: سباوون رسولی

اولین توصیهٔ من بازدید و کار در کشورهای مختلف و زمینه‌های مختلف فرهنگی و سیاسی است. یادگیری از دانشمندان یا از کتاب‌ها یک چیز است، مگر تحصیل و زندگی در زمینه‌ها و کشورهای مختلف کاملاً یک تجربه اساسی دیگری است که این راهی برای درک پویایی جهانی است، تا احساس تفاوت‌ها و شباهت‌ها را داشته باشید.

توصیهٔ دوم من از تجربه و اعتقاد من ناشی می‌شود که ما به تحقیقات بین‌رشته‌ای بسیار بیش‌تری از آن‌چه در حال حاضر داریم، نیاز داریم. ما در مورد میان رشته‌ای زیاد صحبت می‌کنیم، با این حال مسیرهای شغلی نداریم که به طور سیستماتیک تیم‌های بین‌رشته‌ای ایجاد کنند.

با نگاهی ویژه به تغییرات زیست‌محیطی جهانی و آیندهٔ سیستم زمین در پایان روز دانشمندان علوم اجتماعی و دانشمندان علوم طبیعی باید یاد بگیرند که چگونه باهم کار کنند و یک‌دیگر را درک کنند. برای نمونه، آیندهٔ اقیانوس‌ها

---

۱. Dirk Messner، کارشناس پویایی تغییر جهانی و اهمیت علم بین‌المللی و همکاری فن‌آوری در جهان پساغربی.

پرسشـی نیسـت که فقط توسـط زیست‌شناسـان اقیانوس‌ها قابل درک باشـد. آن‌هـا افرادی هسـتند کـه نحـوۀ عملکـرد واقعی این عناصراز سیسـتم زمیـن، پویایی و محرک‌هـا را مطالعه می کنند. تمرکـزآن‌هـا روی فرآیندهـای فیزیکی، شـیمیایی و بیوشـیمیایی اسـت. مگـر هنگامی کـه از منظرتغییـرات جهانی بـه اقیانوس‌ها بـه سـمت ۲۱۰۰ نگاه می‌کنیـم، مهم‌ترین عوامل اکنون ما انسـان‌ها اقتصاد الگوی مصرف انتشـار گازهای گلخانـه‌ای و تأثیرات آن‌ها بـر اقیانوس‌ها هسـتیم.

بـرای درک پویایـی تغییرات جهانی ما نیـاز به تجزیه و تحلیل تعامـلات وابسـتگی‌های متقابـل و حلقه‌هـای بازخـورد بین سـه سیسـتم داریـم، سیسـتم‌های زیسـت‌محیطی، سیسـتم‌های اجتماعـی و اقتصـادی؛ جوامعـی مـا کـه توسـط انسـان هدایـت می‌شوند. سیسـتم‌های فنی و زیرسـاخت‌ها بنابراین دانشمندان علـوم طبیعـی دانشـمندان علـوم اجتماعـی و انجینیران نیـاز به تعامل بسـیار نزدیـک دارند. ما در شـورای مشـورتی آلمـان در مورد تغییـرات جهانـی ایـن رویکـرد را می‌خوانیـم. در حـال حاضـر، مـا سـاختارهای دانشـگاهی مناسـبی بـرای رفـع کافـی ایـن نوع مشـکلات نداریم. ایـن یک چالش نهادی بسـیار زیاد اسـت. اگر من یک دانشـجوی جوان بـودم، تا آن‌جا که ممکن بـود، از مرزهای انضباطـی عبـور می‌کـردم و بـه ایـن سـمت می‌رفتم.

چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟

دیوید لیک[1]

برگردان: رومان عباسی

اولین نکته، هر شخص با یک علاقه و سابقهٔ متفاوت به فراگیری روابط بین‌الملل می‌پردازد. مهم‌تر از همه، آن‌چه یک دانشجو نیاز دارد، یک حس کنج‌کاوی و علاقه ژرف به این‌که چرا تعامل جهان این‌چنین است. اگر آن حس را داشته باشید، بعد همه چیز برای شما در حرکت می‌آید. برخی‌ها با تعهد تجربی و نظری که دارند، وارد می‌شوند؛ این امر مانع رشد فکری آن‌ها می‌شود.

دومین نکته دانش عمیق تاریخ است. خود را یک نظریه‌پرداز می‌دانم و در بیش‌تر کارهای اخیر من از شیوه‌های کمی استفاده شده است، مگر هنوز به این باورم که تمام کارهای ما نیاز به نظم‌دهی به واسطه علم و فهم تاریخی دارد. باید نظریهٔ خود را نظم دهید: آیا این در جهانی که می‌شناسیم، معنی می‌دهد؟ شما اگر رابطه‌ای پیدا کردید که از لحاظ آماری مورد توجه‌تان قرار می‌گیرد، به این معنی نیست که آن درست است. شما هنوز هم باید بگویید: «آیا این رابطه با علم و دانشی که من از سیاست این کشور با این دورهٔ تاریخی مشخص می‌بینم، متناسب است؟» به

---

۱. David Lake، کارشناس کاهش هژمونی امریکا و سلسله مراتب بین‌المللی، استاد دانشگاه کلفورنیا.

نظـر من ایـن روزها در قسـمت چگونگی آمـوزش دانش جویان فارغ شـده، مشـخصاً یک دید تاریخی کم بود اسـت.

افزون بـر آن، دانش جویان باید توانایی کار کردن در یک سـطح نظریـه، معمولاً نظریهٔ رسـمی را داشـته باشـند. تأکیـد جدید این روزهـا بـالای «مدل سـازی مبتنی بر عامل» اسـت. مدلی که بستر مفیـد بـه حسـاب می آید کـه در علـم روابـط بین الملـل آن طوری که می توانسـت مـورد کاوش قرار نگرفته اسـت. ولی شـما باید یک سـری از مهارت های نظری داشته باشید. شـما دانش کاری لازم را در عرصـه شـیوه های آماری نیز ضـرورت دارید. صرف در قسـمت فهمیـدن کاری کـه به اجرا گذاشـته شـده و به یقین توان اسـتفاده آن را بـه روش های مناسـب در پژوهـش خود داریـد. آخرین چیزی کـه دانش جویـان باید خـوب بدانند، چیـزی در مورد طرح / نقشـهٔ پژوهـش اسـت. ایـن بخـشِ عقـب افتـاده روابـط بین الملـل این روزها به شـمار مـی رود. بخش هـای زیاد علوم سیاسـی پیش رفت داشـته اند و یک سـری طرح / نقشه های پژوهشـی را ایجاد کرده اند کـه شـما را توانایی بیش تری نسـبت به اسـتنباط معمولی می دهد و مـا در روابـط بین الملـل ایـن مـورد را آن چنـان کـه بایـد بـه بهره می سـپاریدیم، نسـپردیم. بنابرایـن، اگـر دانش جویـان می خواهند یک بخشـی از مهارت های خود را انکشـاف بدهند، «طرح / نقشـهٔ پژوهش» بخشـی اسـت که بسیار عقب افتاده اسـت و روی آن کار نشده است.

چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟

دیوید هاروی[۱]
برگردان: احمد صادقیار

دانش‌جویان باید عقاید خود را دربارۀ یک نویسنده یا روایت کنار بگذارند. یعنی اجازه دهند متن با آن‌ها صحبت کند و با متن گفت‌وگو کنند. برای نمونه، کتاب سرمایۀ مارکس «نقدی بر اقتصاد سیاسی»، مهم نیست که چه می‌گوید، مگر به جای مرور ساده آن‌را دقیق بخوانید. اگر توانایی انجام این کار را داشته باشید، احتمالاً قادر خواهید بود آن‌چه را که می خوانید برداشت کنید. بنابراین، می‌توانید توضیحات جدیدی در مورد دنیا بگویید و به نسل دانشمندان من بگویید که وقت آن رسیده که بازنشسته شوید.

مورد مهم دیگر هدف مطالعه است که با پرسش‌گری دانش‌جویان را تحریک می‌کند. بسیاری از دانش‌جویان دوست دارند در اوایل زندگی خود مباحث نظری را بررسی کنند، این یک عرف خوب است که پایان نامه‌های کارشناسی ارشد یا دکتورا مربوط به مشکلات عینی و دنیای واقعی است، زیرا فقط در تحلیل مسائل دنیای واقعی می توان نگرش عمده را یافت.

---

۱. David Harvey، نظریه‌پرداز مارکسیست، کارشناس جغرافیای سرمایه‌داری، استاد دانشگاه جان هاپکینز.

کتاب پایهٔ شمارهٔ بیست‌وسوم

چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟

رابرت بیتس[1]
برگردان: ایمل عباد

در این جا چند نکته وجود دارد که می‌خواهم به آن‌ها بپردازم. نخست این‌که در کشورها این عادات ذهنی غالب وجود دارد که نسل‌های ما را بی‌زبان کرده است. یکی از این عادات رابطهٔ علوم اجتماعی با ریاضیات است. بهترین ریاضی‌دانان سعی کرده‌اند از علوم اجتماعی دوری بجویند، در حالی که می‌توانند عمیق‌ترین کارها را انجام دهند. از سوی دیگر، روش غالب مدل‌سازی رسمی و کمی‌سازی آن منجر به ایجاد روپوش در علوم اجتماعی شده است که تمام دانشمندان را تعلیم داده است تا در موضوعات بسیار محدود متمرکز باشند.

این مسأله واقعا جدی است و نیاز به بازاندیشی دارد. شما نمی‌توانید علوم را منفک از هم دانسته و روابط آن‌ها را از چشم دور بدارید. چه خوب است که علوم اجتماعی از ریاضیات و آمار استفاده کند و ریاضیات از علوم اجتماعی بهره ببرد. در واقع همکاری بین- رشته‌ای بهترین راه برای غلبه بر تعصب علمی است.

---

۱. Robert Bates، کارشناس فروریزی دولت، استاد دانشگاه هاروارد.

باید در زمینه‌های مختلف توجه کرد، می‌توانم یک دانشـجوی کمـی درخشـان اقتصاد را بـرای دکتورا جذب کنم، مگر همیشـه از او می‌پرسـم: آیا شـما در مورد قانون، مردم‌شناسـی، جامعه‌شناسی مطالعـه کردیده‌اید؟ بـرای درک جهـان باید پایهٔ گسـترده‌ای وجود داشـته باشـد. جهان فقط منحصر به ریاضیات، حقوق، اقتصاد یا روان‌شناسـی نیست. متأسـفانه برای دانشـمندانی‌که مدل‌های خالص را دوسـت دارند، جهان از همه این‌ها تشـکیل شده است. پس کوته‌نگری اسـت که بعضی‌ها، برخـی مدل‌ها را تاکید و برخی دیگـر را نادیده می‌گیرند. بایـد به زمینه‌های گوناگـون توجه مبذول داشـت و تـلاش کـرد رویکرد مـا به‌گونه‌ای باشـد که بـر بی‌زبانی در حـوزه علمی فایـق بیاییم. منظور مـا از بی‌زبانی نبود زبان مشـترک میـان همه حوزه‌هـای علـوم (از اجتماعی تا طبیعـی و ریاضیات) اسـت. یـک راه برای غالب آمدن بر این مسـأله نـگاه فراخ‌تر و توجه به بسـترهای گوناگون است.

بنابرایـن، هـر توضیحـی بایـد، البته بـه طور ضمنـی، آگاهی از آن واقعیـت پیچیـده را در بـر می‌گیـرد و یکی دیگـر از جنبه‌های اساسـی آمـوزش کار میدانـی اسـت. مـن دانشـجوی دکتورایـی را نمی‌پذیرم که سـند خود را در افریقا به پایان رسـانیده باشـد، بدون این‌کـه واقعـاً در آن جـا بوده باشـد. این بـه آخرین نکته مـن مربوط می‌شـود: نمی‌تـوان وانمود کـرد که با خوانـدن آن، دانـش جدیدی درباره یـک واقعیـت پیچیده تولیـد می‌کند.

چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟

رابرت جرویس[۱]
برگردان: محبوب‌الله افخمی

از دید من در برابر این پرسش یک پاسخ وجود ندارد، مگر باور دارم شما نیازمند زمینهٔ مطالعات خوب در همه رشته‌های علوم اجتماعی، علوم سیاسی و تاریخ بین‌الملل هستید. مهم‌تر از همه، وقتی با بحث یا رویداد جدیدی روبه‌رو می‌شوید که با ایده‌های بنیادین شما ناساز است، توانایی پذیرش تغییر دیدگاه‌های پیشین خود را داشته باشید. شما با سازگاری گوش دادن دقیق به گفته‌های دیگران و جدی گرفتن شواهد جدید، ترکیبی از روحیه تسلیم‌ناپذیری، استواری فکری را ایجاد کنید.

بنابراین شما سخت‌ترین پرسش را از من می‌پرسید. من متأسفانه نمی‌توانم به این پرسش سخت، مانند انتخاب موضوع پایان‌نامه‌ی دانش‌آموختگی به آسانی پاسخ دهم. برای نمونه فریتز استرن، یکی از همکاران من، باری به دانشجویی که برای درخواست کمک و مشوره در مورد موضوع رساله‌ی خود نزد او آمده بود، پاسخ داده بود که: «مرد جوان، من ترجیح می‌دهم در مورد انتخاب همسرت سهل‌تر مشوره بدهم، تا در مورد تزس دکتورایت».

---

۱. Robert Jervis، نظریه‌پرداز معمای امنیت، استاد دانشگاه هاروارد.

کتاب پایهٔ شمارهٔ بیست‌وچهارم
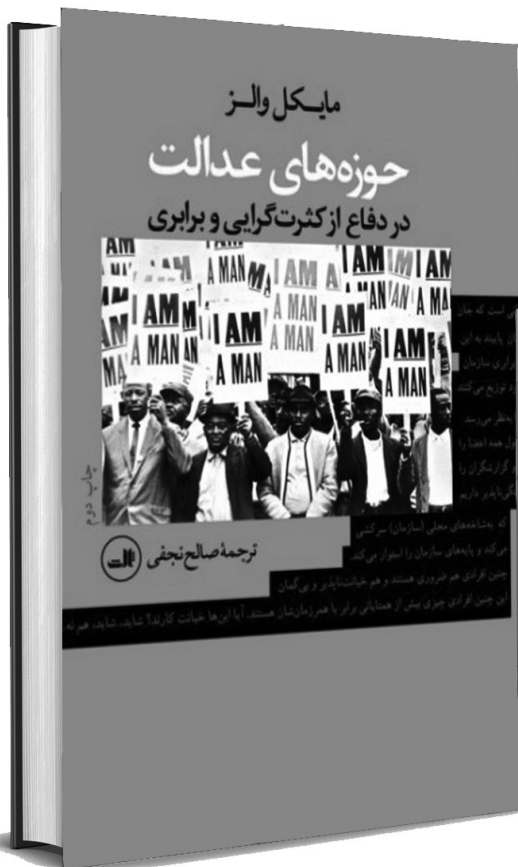
چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟

رابرت کاکس[۱]
برگردان: عبدالفتاح عظیمی

من علاقه‌ای به تجویز ندارم، هم‌چنان سیر فکری بنده بسیار منحصر به فرد بوده است. به هرحال می‌توانم نشان دهم که برای من در «رویکرد لیست خوانی» (فهرستی از دیدگاه‌ها و واژگان) به مباحث، یک چالش خطرآفرین وجود دارد. زیرا، این چیزی است که دانش‌جویان را در موقعیتی قرار می‌دهد که مجبور به طرف‌داری از یک مکتب فکری خاص شوند و از نظر من چنین چیزی خطرساز است. اگر نگاهی به فرهنگ دانش‌واژه‌ها بیندازید: مکاتب فکری گوناگون یا رویکردهای متمایز «رشته علمی» را می‌بینید که دیگران آن را انجام می‌دهند. آن‌ها دانشحویان را به مشاهده جهان تنها از راه یک عینک مشخص عیار می‌کنند که گمراه‌کننده‌تر از روشن ساختن است. برای نمونه، نمی‌توانید به فهم درستی از اقتصاد برسید، بدون این‌که آن را با جامعه و تمام چالش‌های آن بیامیزید، هم‌چنان نمی‌توانید سیاست را بشناسید، بدون این‌که آن را به عنوان چیزی در نظر بگیرید که دارای نوعی کارکرد نظم‌دهنده و نظارتی است.

---

۱. Robert Cox، نظریه‌پرداز انتقادی، کارشناس حکومت جهان پساویستفالی پساهژمونیک، استاد انستیتوت مطالعات منطقه‌ای واکر.

لازم است شما همه‌ی این جوانب را در کنار هم بگذارید؛ شما نمی‌توانید صرفا به یک جنبه اکتفا کنید. برای حل یک مسأله، فرد باید مشکل را مشخص و تعریف کند و سایر موارد را کنار بگذارد. مگر با تمرکز بر حل برخی چالش‌های عینی، که بر مهم بودن‌شان مهر تایید می‌گذارم. فرد خود را برای مسائل مرتبط دیگر به کوری می‌زند. اگر می‌خواهید بپرسید جهان به کجا می‌رود، باید از این شیوه‌ی تفکر بیرون بیایید.

بنابراین، چیزی که می‌خواهم بگویم ممکن است برای دانش‌جویان این دوره کاملا بدعت‌انگیز به نظر برسد و آن این است که اگر دانشجویی احساس می‌کند که قادر است متفاوت باشد، مطالعات گسترده داشته باشد، به جای گیر افتادن در یک ساحه مشخص، از جنبه‌های گوناگون تاثیر بپذیرد. یکی از بهترین نمونه‌هایی که به ذهنم می‌رسد، سوزان استرنج است که از روزنامه‌نگاری وارد اقتصاد سیاسی بین‌الملل شد. او هرگز جداسازی رشته‌های علمی را نپذیرفت و در مورد اقتصاد سیاسی بین‌المللی گفت که این باید یک زمینهٔ باز باشد. من نیز با تاکید او همنوا هستم. چیزی که من آموخته ام این است که صرف با جدی بودن نمی‌توان به راحتی به منابع مالی برای تحقیق دست یافت، بنابراین لازم است تا تعهد داشته باشید و آن را با جدیت تمام تعقیب کنید.

در مـوردی کـه می‌توانـم بـا صراحـت نظـر بدهم، نقـش مورخ در رابطـه بـا سـاختارهای تاریخی اسـت که رفتار انسـان را شـکل مـی دهـد. تاریـخ نـگار موظف اسـت تا دسـت بـه بازسـازی این سـاختارهای تاریخـی در ذهـن خویشـتن بزنـد، تـا بتوانـد معنای چیـزی را که از بازیگران سـر می‌زنـد و عواقب آن رفتارهـا را دریابد. تاریخ‌نـگار در ذهن خویش این سـاختار ظاهراً مسـتحکم؛ مگر در عین حـال ناپایدار را، احیـا می‌کند. وی بایـد درک کند که چگونه اسـت که بازیگران درون هریک از سـاختارهای تاریخی مشخص، قادرانـد در قالـب درک خاصـی کـه مختـص زمـان و مکان‌شـان اسـت، به تفکـر بپردازند. واقعیت دگرگونی «عقل سـلیم» خصوصاً در سـاختارهای تاریخـی درحـال تغییـر، تاریخ نویس را به سـمت الـزام در نظـم حاکـم می‌بـرد. تاریـخ نـه مجموعـه‌ی رخدادهـای متوالـی، بلکـه یـک روش جامـع اندیشـیدن درباره جهان اسـت. مـد علمی حاکم، جهـان را به سیاسـت، اقتصاد، مردم‌شناسـی و غیـره پارچـه می‌کند. دورنمـای تاریخی به معنای وقـوع یک‌جایی رخدادهـا در متـن تاریـخ اسـت. با ایـن حال این کار بسـا دشـوار اسـت، زیـرا فـرد بـه مشـکل توان رسـیدن بـه چنیـن دیدگاهـی را دارد. مگـر یـک نفـر می‌توانـد در کم‌تریـن حـد ممکـن، رویکردی داشـته باشـید که می‌گوید همه چیـز باید درک شـود. چنین به نظر می‌رسـد کـه برخـی از صاحب‌نظـران معاصـر مانند کیـس ون در پیجـل رویکـردی ایـن چنینی به جهان داشـته باشـند.

کتاب پایهٔ شمارهٔ بیست‌وپنجم
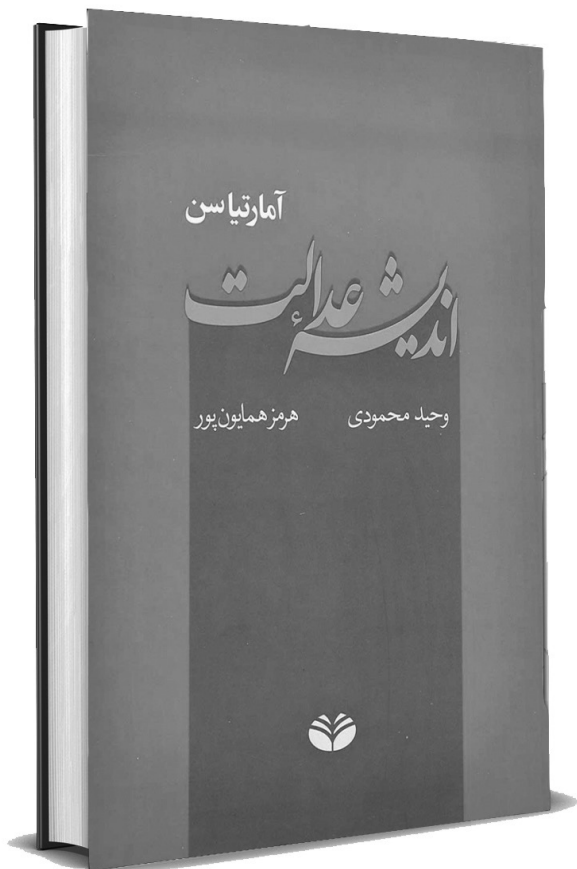
چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟

رابرت کوهن[۱]
برگردان: خان‌محمد خوش‌فطرت

الکساندر ونت این پرسش را آن قدر خوب پاسخ داده است که من تمام کاری را که باید انجام دهم این خواهد بود، خوانندگان را به پاسخ وی ارجاع دهم.

فشرده سخنان ونت:

اگر می‌خواهید کارشناس روابط بین‌الملل شوید، دکتورا بگیرید. بسیاری از جالب‌ترین پرسش‌ها در خارج از حوزه‌ی روابط بین‌الملل مطرح شده است. لذا این فقط موضوعی خارج شدن از حباب کوچکی است که دانش‌آموختگان در آن آموزش می‌بینند و همه ما در آن زندگی می‌کنیم. حتی نظریه‌پردازان بزرگ و شناخته شده‌ای مانند والتز و کوهن به خارج از حوزه ما با نظریه‌ی انتخاب منطقی الکساندر ونت پرداختند که از اقتصاد نشات می‌گیرد.

نکته مهم دیگر این است که نظریه‌پرداز صرف نباشید، زیرا در نهایت نظریه ابزاری برای معرفت است. خود را درگیر مسائل نموده و واقعیات را به خوبی بفهمید.

---

۱. Robert Keohane، نظریه‌پرداز نیوریالیسم، استاد دانشگاه هاردوارد.

کتاب پایهٔ شمارهٔ بیست‌وششم

بی‌دولتی
دولت
آرمان‌شهر

رابرت نوزیک
ترجمه‌ی محسن رنجبر
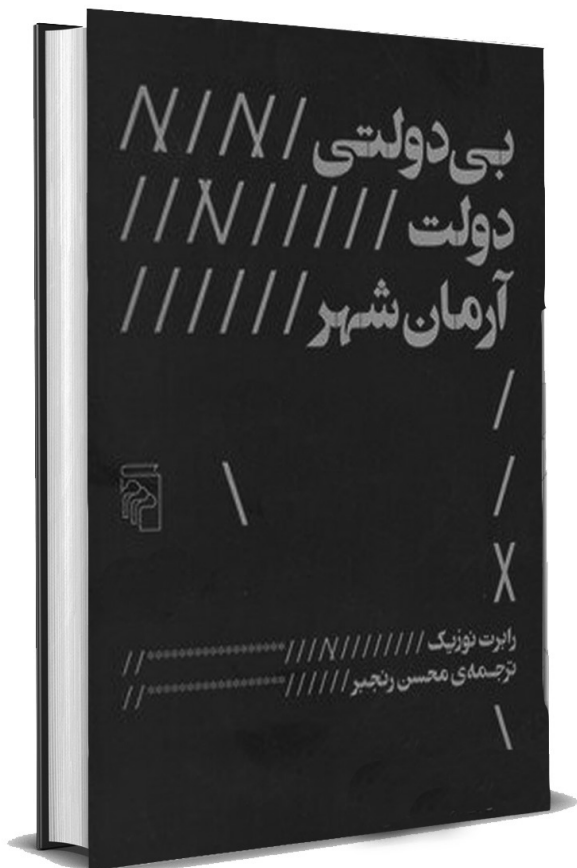
چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟

رابرت هایدن[۱]
برگردان: مرسل کاکر

دربارهٔ روابط بین‌الملل نمی‌توانم به شما چیز زیادی بگویم، مگر فکرمی‌کنم، بسیار ارزشمند باشد که بتوان از رویکردهای رسمی و انضباطی نسبت به موضوعات در سیاست‌های جهان دست کشید. این را درک کرده‌ام که ممکن است گاه با پرسش‌های مشکل روبه‌رو شد که کاملاً متفاوت‌اند و مهم‌تر این‌که هرگز انتظار نداشته باشید که هنگام پرسیدن پرسش‌ها در مورد دنیای واقعی، پاسخ‌های «بی‌طرفانه» پیدا کنید. پاسخ بی‌طرفانه فقط به پرسش‌های نظری و یا هم فرضی متصور است.

پس، رویکردهای نظری غربی که خاستگاه آن پوزیستویسم غربی است، نمی‌تواند حلال کل مشکلات باشد. از دید اثبات‌گرایی بی طرفی اصل انکارناپذیربوده و محقق باید بی‌طرفی خود را حفظ کند، مگر جهان اجتماعی پیچیده‌تراز آن است که بتوان نسبت به آن بی‌طرف بود. در نتیجه نگاه اخلاقی و تعهد اخلاقی به علم و ارزش‌ها می توان به نتایجی پذیرفتنی دست یافت وآن را در زمینه‌های اجتماعی به کاربست. پس جهان را به شیوه غیرمتعارف ببینید.

---

۱. Robert Hayden، کارشناس انسان‌شناسی تاسیسی و مطالعات حوزهٔ بالکان.

کتاب پایهٔ شمارهٔ بیست‌وهفتم

چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟

رابرت وید[۱]
برگردان: جنیدالله بهمنش

نکته اول، کارشناسی ارشد در رشته اقتصاد خیلی‌ها مفید است؛ با آن‌که دیگران باور نمی‌کنند و این واقعاً دشوار است، چون فشارهای اجتماعی‌شدن شدید است: یعنی اگر چیزهای درست نگویید (در کل چیزهایی از نوع نئولیبرال نگویی) احتمالاً درجه بالایی را به دست نخواهید آورد. مگر متوجه شده‌ام که اقتصاددانان تمایل دارند بدانند که چگونه باید بیندیشند و چگونه استدلال کنند. آن‌ها تمایل دارند که ایده علیت را بدانند.

این از نظر من، شاید حرف شگفت‌انگیزی باشد. زیرا دانشجویانی که از سایر رشته‌ها می‌آیند، به‌طور معمول در درك ابتدایی‌ترین ایده‌های علیت ضعیف هستند، البته این تجربه من است. من دانشجویان زیادی داشتم، که از رشته‌های روابط بین‌الملل، علوم سیاسی، جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی آمده بودند و آشنایی چندانی با ایده علیت نداشتند. آن‌ها می‌توانند چیزهایی را توصیف کنند، مگر اندیشیدن را از نظر علت-

---

۱. Robert Wade، کارشناس ایده‌های زامبی، مرگ اخلاق در اقتصاد و استاد دانشگاه اقتصاد لندن.

معلولی، از دید متغیرهای مستقل و وابسته و از نظر راست و چپ می‌یابند. این شیوه دید برای‌شان مشکل‌آفرین است. فکر می‌کنم برای مطالعه رشته اقتصاد و تسلط بر ریاضیات چیزهای زیادی برای گفتن وجود دارد؛ مشروط بر این‌که هسته حساسی از بین نرود. نکته دوم این است که پاداش بزرگی برای کار میدانی وجود دارد. وقتی از کار میدانی یاد می‌کنم، منظورم تنها این نیست که باید به روستاها رفت و این‌طرف و آن‌طرف مردم فقیر را دید. من در مورد کار میدانی در داخل دیوان‌سالاری‌ها سخن بگویم. برای درك فرهنگ مردم و سیستم‌های آموزشی که تحت آن کار می‌کنند، کار میدانی نیاز است.

از دید دانشجویان، نشستن در کتاب‌خانه دانشگاه اقتصاد لندن و انجام تحقیقات کلاً کار آسان‌تر به نظر می‌رسد. به شاگردانی که کارهای میدانی انجام می‌دهند، می‌روند و مصاحبه می‌کنند، تجربه‌ی نوشتن و تفسیر مصاحبه را به دست می‌آورند و بلاخره این‌همه را در قالب یك استدلال بزرگ‌تر جا می‌دهند، پاداش بیش‌تر قایل می‌شوم. مگر، واقعاً تعدادی معدودی از شاگردان چنین کاری را انجام می دهند. به باور من، این اشتباه بس بزرگی است. به این هم توجه کنید، خطری که برای کار میدانی در اقتصاد وجود دارد، برای مطالعه رشته اقتصاد هم موجود است. شاگردانم را تشویق می‌کنم که برای بانك جهانی کار کنند. زیرا در آن جا کار میدانی زیادی وجود دارد.

چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟

ریتاآبراهامسن[۱]
برگردان: احمدزبیرصلاحی

نخست، علاقه مهم است. پیش از این‌که دکتورا بگیرید، نیاز به دغدغه‌ای دارید که باعث عصبانیت شما شود. دوم، از بازی با مرزهای اکادمیک نهراسید. مطالعات اکادمیک در مرزهای انضباطی مشخصی سازمان یافته‌اند، همان‌گونه که توسط ژورنال‌های علمی، کمیته‌های پذیرش، و سایر نگهبانان علمی تحت کنترول قرار دارند، تا آن جا که چنین «محافظان حقیقت» می‌توانند از توسعهٔ روش‌های معقول و درک مشکلات حاد جلوگیری کنند. بناً لازم است برای درک سیاست جهانی معاصر فراتر از مرزهای علم روابط بین‌الملل به‌گونهٔ ترکیبی اندیشید. مثلاً، مردم‌شناسی و علم سیاست و یا روابط بین‌الملل و جامعه‌شناسی. به‌خاطر باید داشت که این می‌توان پیشنهاد خطرناکی باشد، چون میان رشته‌ای بودن کار سختی است و ممکن شما را مجذوب مجلات و کمیته‌های استخدام نسازد. برخی از مهم‌ترین پرسش‌ها در سیاست جهانی معاصر، نیاز به تفکر در مرزهای انضباطی تک رشته‌ای مرسوم و متعارف دارد.

---

۱. Rita Abrahamsen، کارشناس شرکت‌های خصوصی امنیتی، مجامع امنیتی جهانی و افریقا.

کتاب پایهٔ شمارهٔ بیست‌وهشتم
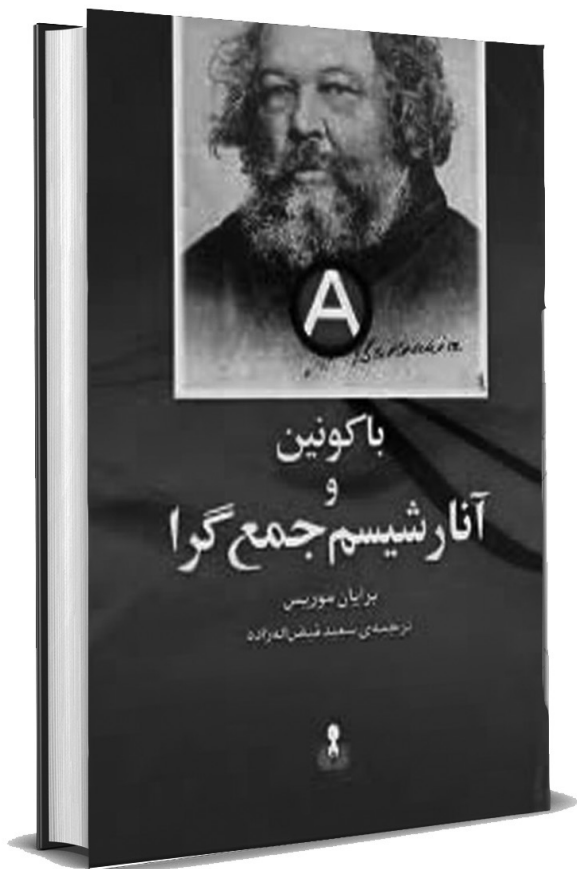
چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟

ساسکیا ساسین[1]
برگردان: طارق عظیم

این‌جا من دو پرسش خیلی متفاوت را می‌شنوم. در این مورد، شما افراد و اشخاص بسیاری در دست‌رس دارید که به این پرسش در گفتمان‌های نظری پاسخ دهند. آن‌ها ممکن همه چیز را گفته باشند. روابط بین‌الملل دقیقاً سیاست جهانی نیست. آن‌چه را که من در پژوهش‌هایم انجام می‌دهم، ممکن با معیاری‌های روابط بین‌الملل خیلی متفاوت و ناآشنا باشند. اجازه دهید، این را توضیح بدهم. به جای دولت‌های ملی و نظم بینادولتی، شما روی جریان‌های عرضی تمرکز می‌کنید که واحدهای موجود را برش می‌کنند. برای نمونه، قانون سازمان تجارت جهانی اجازه می‌دهد تا دولت‌های ملی را دور زد و به‌طور مستقیم با قدرت‌های محلی کار کرد؛ قدرت و قلمروی اجرایی که برای شرکت‌های جهانی ساخته شده است. سازمان تجارت جهانی هم‌چنان مجوز حقوقی قابل حمل- فرامرزی را برای کارشناسانی که از طریق این سازمان گماشته شده‌اند می‌دهد؛ کارشناسانی که توسط کشورهای عضو قابل شناخت‌اند. این یک قلمرو اجرایی دیگر به شمار می‌رود.

۱. Saskia Sassen، کارشناس جهانی‌شدن و بازسازی ملی، استاد دانشگاه کلمبیا.

یکـی از دیدگاه‌هایـی که مـن در کارم روی آن تاکیـد دارم، این اسـت که چطـور دولت‌های ملـی مانع شـکل‌گیری یـک فضای اجرایـی بـرای شـرکت‌های جهانـی هسـتند. هیـچ شـخصیت حقوقـی زیرعنوان سـازمان / شـرکت جهانـی وجود نـدارد، مگرآن فضـای اجرایی که به آن‌هـا اجازه می‌دهد تا فعالیـت خود را مانند یک شـرکتی که جایگاه قانونی دارد، چون یک شـخصیت حقوقی انجـام دهند.

مـن این‌جـا صرفـاً بـه بازیگـران اقتصـادی و قلمـرو صحبت کـردم، ولی این دیگـر حوزه‌ها، خصوصا جوامـع مدنی و تنظیمات جدید فرامـرزی میان حوزه‌هـای مختلف دولت‌ها که در ۱۵ سـال گذشـته توسعه‌یافته است. شـما معلومات تجربی در مورد فن‌آوری (تکنالـوژی)، قوه قضایـه، شـرکت‌های فرا ملی، قوانین مشـخص کشـورهایی کـه حاکـم بـه حوزه‌هـای مختلفـی که شـما پوشـش می‌دهیـد ـ از اقتصـاد تا جوامع مدنـی، را نباید باهـم خلط کنید. فراتـر از بحـث تجربی، که چندان مشـکل نیسـت ـــ اگرچه وقت بیش‌تـری می‌گیـرد ـ مگر چالـش تهیه یک چارچـوب ذهنی که به شـما اجـازه وفق دادن اجـزای جداافتـاده از رشـته‌های مختلف را داشـته باشـید، وجـود دارد. به اسـاس تجربه من، کسـی باید یک نـوع معمـاری ذهنـی ترتیب کند (فقـط مثل یک سـاختمان!) که در برگیرنـده عناصـر مختلف باشـد. این‌جا چالـش اصلی منطق سـازمان‌دهی است.

چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟

سنتیا اینلوی[۱]
برگردان: خاتمه نظری

فکر می‌کنم به دنبال امتحان کردن چیزی باشید که به نظرتان واقعاً جالب است. این به معنای گوش دادن به سخنان مشاوران و رهنماهای‌تان است. موضوعاتی که شما به آن توجه دارید را دنبال کنید.

منظور از «توجه داشتن» مباحثی است که برای شما هیجان‌انگیز/ یا واقعاً گیج‌کننده است و همیشه در مورد آن تعجب کرده‌اید. گاهی شده است که شما از موضوعی گیج، حیران و آشفته می‌شوید، این وضعیت باید توجه شما را به حل آن جلب کند. اگر شما در زندگی علمی تان به چیزهای متفاوتی سر نخورده‌اید، یا اگر چیزی توجه شما را جلب نکرده است، پس شما دغدغه‌ای ندارید، ولی اگر چیزی توانسته است توجه شما را جلب کند، آن را پی گرفته و پردازش کنید، تا جایی که می‌توانید، آن را بیازمایید. این آغاز و مهم‌ترین گام برای متخصص شدن است. هم‌چنان، شما باید به سخنان متخصصان برجستهٔ رشتهٔ خودتان گوش دهید؛ به مشاوران تان.

---

۱. Cynthia Enloe، کارشناس نظامی‌سازی، نظریه‌پرداز فیمینیستی سیاست بین‌الملل، استاد دانشگاه کلارک.

من حدس می‌زنم که یکی از اصلی‌ترین موارد این است که فقط دنبال چیزی نروید که شخص دیگری می‌گوید ارزش پی‌گیری را دارد؟ زیرا، شما الهام نخواهید گرفت، شما انرژی درونی خود را نخواهید داشت. چیزی را که برای شما مهم است، انتخاب کنید؛ چیزی که به نظر شما بسیار جالب توجه است.

نکتهٔ دیگر، این است که خود را در موقعیت‌های ناراحت‌کننده قرار دهید. این حتا می‌تواند در جامعه‌ی خود شما باشد، با جست‌وجو در بخش‌هایی از جامعه خود که در آن‌ها احساس ناراحتی می‌کنید و یا در آن جا آرامش ندارید. اطمینان حاصل کنید که در موقعیت‌هایی هستید که نمی‌توانید همه‌چیز را فقط تصور کنید. بازهم، این لزوما به معنای رفتن به مکانی نیست که شخص دیگری می‌گوید عجیب و غریب است.

این واقعاً می‌تواند به معنای انجام تحقیق در مورد بخشی از شهری باشد که هرگز به آن جا نمی‌روید، یا با افرادی که خیلی راحت با آن‌ها صحبت نمی‌کنید. سعی کنید دانسته‌های خود را به چالش درآورید. هم چنین مهارت‌های جدیدرا هم از یاد نبرید: مهارت‌های همدلی، مهارت‌های ایجادرابطه و مهارت پرسش کردن / پرسیدن حتی از خودتان که درغیرآن انجام داده نمی‌توانید. این باعث می‌شود شما متوجه شوید که فرضیاتی دارید که هرگز نمی‌دانستید چنین تصوراتی داشتید.

چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟

سیبا گرواوگوی[1]
برگردان: عبدالفتاح عظیمی

اگر توقع شما این است که بخواهم توصیهٔ متعارفی ارائه کنم، مطمئن نیستم که تمایلی به انجام چنین کاری داشته باشم. می‌خواهم برای‌تان بگویم که تا کنون حدوداً یازده دانشجوی دکتورا آموزش داده ام، مگر کاری را که انجام می‌دهم، تا حال هیچ کدام از آن‌ها، انجام نداده است. من علاقه‌ای به داشتن ابزار مشابه ندارم، هم‌چنان به دنبال احیای دوبارهٔ حکمت الهی یا خداشناسی نیستم؛ در واقع حس می‌کنم که طرح این مسأله، با الزامی ساختن احکام و قوانین دینی به یکی از تمایلات بسیار غربی خیانت بزرگی خواهد بود که من طرفدار آن نیستم. من به دنبال درک جهان هستم که این درک می‌تواند از چندین راه به دست بیاید. انسان‌ها این کار را از طریق موسیقی، هنر و یا چندین گزینهٔ دیگر انجام می دهند.

با این حال، از دید من چالش‌های اساسی در واقع عبارت هستند از: عناصر، مفروضات، پیش فرض‌های مطالعات و زبان‌هایی که ما در رشتهٔ روابط بین‌الملل به کار می‌بریم،

---

۱. Siba Grovogui، نظریه‌پرداز انتقادی، منتقد اروپامحوری دانش روابط بین‌الملل، استاد مطالعات افریقا در دانشگاه کرنل.

پرسش‌هایی که ظاهرا مفهوم می‌دهند -منظورم گونه‌های مختلف قوم‌نگاری است- روش هایی که ما از طریق آن درباره تاریخ سیاسی سخن می‌رانیم و به همهٔ این چیزها می‌پردازیم.

دوره‌های تحصیلات تکمیلی که از آن‌ها سخن به میان آمد، دارای ابعاد مختلف هستند، مگر در سمینارهایم دوره‌هایی نیز وجود دارد که صرف نگاهی می اندازم به رویدادهایی مانند آن‌چه در جهان جدید از سال ۱۴۹۲ تا ۱۶۰۰ اتفاق افتاده است. این امر به من اجازه می‌دهد تا بتوانم در مورد برخوردهای انسانی بحث نمایم. مواردی که ما ثبت کرده‌ایم، افرادی دارای تقابل نامفهوم هستند؛ در واقع مواردی که در این قاره رخ داده‌اند، قاره‌ای که به دانش‌واژه «دنیای جدید» نامیده می‌شود. برایم اجازه می‌دهد تا بتوانم به راحتی در مورد برخوردها و همهٔ احتمالات به بحث بپردازم - طوری‌که می‌دانید مواردی که بیش‌تر در مطالعات فرهنگی دربارهٔ آن‌ها صحبت می‌شود؛ مانند ایجاد آفت‌زدایی، ترکیبی شدن موارد دیگر و هم‌چنان سایر مواردی که رخ داده است و تاثیرگذاری نداشته‌اند، مانند خشونت، غصب و غیره برایم اجازه می‌دهد که تمام این مزخرفات را از بین ببرم - بله من آن را مزخرفات می نامم - چون تصویری را ارائه می دهد که آن‌چه امروز انجام می دهیم به توسیدید برمی‌گردد و تا امروز از طریق تاریخ به ما منتقل شده است. رشته‌های فکری بسیاری از این دست وجود دارد. اگر دربارهٔ اندیشه‌ها به تفکر می‌پردازید، یا

در کل به اندیشه‌های غربی متمرکز هستید، همه آن‌ها ریشه‌هایی تاریخی و رابطهٔ احتمالی با چگونگی ساخت زمینه‌های پژوهشی اجتماعی مانند واقع گرایی، لیبرالیسم و غیره دارند. بنابراین من به آن‌ها نمی پردازم. آن‌چه می‌گویم این است که تاریخ به تنهایی خود ارتباط چندانی با این رشته‌های فکری و افرادی که به این جا آمده اند، ندارد. بدیهی است شما دانشمندانی داشته‌اید که به دنیای جدید آمده‌اند؛ مگر سیاست‌های موجود هیچ ارتباطی با توسیدید و یا ماکیاولی و دیگران ندارد. روش‌های سیاسی آن‌ها در واقع بیش‌تر به خشونتی مربوط است که اروپاییان را به فرار از کشورهای‌شان و یافتن مقصدی برای مهاجرت وادار می‌کرد و نیز ارتباط می‌گیرد به این‌که این خشونت چه نوع دلبستگی‌هایی را در آن‌ها ایجاد نموده است. هم‌چنان این امر به نوع گرایش فرهنگی در این جا و نحوهٔ توانایی کنار آمدن مردم نیز برمی‌گردد. بدون شک ما اکنون در دورهٔ پس از جنگ سرد و عصر جهانی شدن قرار داریم، بنابراین باید تحلیلی ارائه دهیم که با عوامل حیاتی (یا عناصر سازنده) «بین‌المللی» سازگار باشد از نظر تاریخی با میراث جمعی ما مرتبط باشد. برای من، این روش در واقع بسیار آموزنده‌تر است. این هیچ ارتباطی با گفت‌وگوی *ملیان* و موارد مشابه ندارد.

همه مواردی که امروز به صورت متعارف پیش‌بینی شده است برای من جالب است، مگر فقط به روش‌های محدود. در

واقـع من آثار کلاسـیک را می‌خوانـدم و از دانش‌جویانم خواسـته‌ام کـه آن‌هـا را بخواننـد، مگـر سـعی می‌کنـم دانش‌جویانـم آن‌هـا را بـه عنـوان منابـع بـرای درک جایـگاه کنونـی مـا و نحـوهٔ هدایـت مـا بـه آن‌جـا، مطالعـه کنند، نـه بـه عنـوان منبع بـرای توجیـه یا مشـروعیت بخشـیدن بـه شـیوه‌ها و سیاسـت‌های «خارجـی» اروپاییـان یـا اقداماتی کـه در جهان جدید از آن‌ها سـر زده اسـت. مـن، نـه به انـدازهٔ کافی قـادر به درک ایـن موضوع هسـتم که هیچ عملـی در دنیـای جدید یـا جاهای دیگـر از پیش تعیین شـده و یا اجتناب‌ناپذیـر نبوده اسـت. نهادهای سیاسـی حاصـل در غرب بایـد آداب رفتـاری خـاص خـود را در نظر بگیرنـد. ایـن را می‌توان تاریـخ، بـه مفهوم واقعی آن دانسـت. البتـه ما از طریق آثـار ولتر و یا مونتیـن و حتی از آثـار راجر بیکن درمی‌یابیم که حتـی در آن دوره‌ها انسـان‌ها درک کرده بودنـد که در حقیقت جهان مخلوق نیسـت. بنابراین، از ازل به شـکلی که گفته می‌شـد، وجود نداشـته اسـت. راه‌هـای دیگـر نیـز امکان‌پذیـر بـوده، (و هنوز هـم) اسـت و این‌که آسـیب‌های ناشـی از خشـونت‌های جنگ‌های مذهبی و داخلی در اروپـا باعـث شـکل‌گیری برخـی از رفتارهـای خـاص در جهان جدیـد و افریقـا در هنگام تسـخیر و برده‌داری، شـد.

بـه همیـن دلیل بـه دانش‌جویـان توصیـه می‌کنم کـه کانت را بخواننـد: برای‌شـان می‌گویـم کـه کانـت را بـه عنـوان منبـع برای درک چگونگـی تفکـر امـروز مـا دربـارهٔ جهـان بخوانیـد؛ مگـر من

مجبور می‌شوم که اکثرا به دانش جویانم بگویم قبل از کانت، مهمان‌نوازی و میانجی‌گرهای فرهنگی مشابه دیگر چون: مترجمان در امپراتوری عثمانی، وانگارا (یک منطقه صنعتی) در غرب افریقا، دیاسپورای چینی در شرق و جنوب شرقی آسیا و غیره که قبل از ورود اروپا به شبکه‌های تجاری موجود، تجارت در سراسر قاره‌ها را برای قرن‌ها امکان‌پذیر می‌کرد. این کار به معنی کنارگذاشتن کانت نیست، بلکه صرفاً برای وادار کردن دانش‌جویان به گذاشتن کانت در روند گفتمان سیر متفاوت از توسعه جوامع تجاری، شبکه‌های بین منطقه‌ای و حرکت‌های قانون‌ساز، هنجارها و اخلاق برای برقراری ارتباط بین اجتماع و گروه‌های فردی است. این رویکرد باعث می‌شود بسیاری از مردم بپرسند که آیا برنامهٔ روابط بین‌الملل در جان هاپکینز، واقعاً مربوط به نظریهٔ روابط بین‌الملل می‌شود یا چیز دیگری است. اکثرا با چنین مسائلی برمی‌خورم و این پرسش‌ها با ایده‌های خاص روابط بین‌الملل ارتباط برقرار می‌کنند. هرگز قادر به پاسخ دقیق و سریع نیستم، مگر اغلب نکاتی را که می‌خواهم بیان کنم نشان می‌دهم. در نظر بگیرید که چگونه محققان و سیاست‌گذاران مسأله حاکمیت را به افریقا ربط می دهند. بسیاری از آن‌ها حق حاکمیت افریقا را به عنوان یک مشکل می‌نگرند، زیرا فکر می‌کنند که این یک نوع سوء استفاده و یک مانع دربرابر اقدامات بشردوستانه مملو از حسن نیت غربی است.

سعی می‌کنم دانش‌جویانم وقتی از این طریق به مسأله حاکمیت می پردازند، دو باره فکر کنند: حاکمیت یک چالش است. میزان حاکمیت در افریقا یکی از مشکلات است. چرا حاکمیت در اروپا یا امریکا بدون دردسر است؟ این پرسش و طرح بندی صرفاً یک فرار «پست مدرنیستی» از مسأله نیست؛ افزون برآن از دانش‌جویانم می‌خواهم تا در این مورد تجدید نظر کنند: اگر حق حاکمیت مشکل شما باشد، نظر شما دربارهٔ آن چیست؟ برای من، نفس پرسش زیاد جالب است، تا این‌که چیستی مسأله. برای نمونه، اگر همه چیز را بر اساس اسطورهٔ خاص از مدل وستفالیایی پایه‌گذاری کنید، به ویژه هنگامی که چیزها را با معیارهای آن می‌سنجید و شروع به دیدن همه مسائل از عینک وستفالیایی می‌کنید یعنی هرچیزی را که مطابق با آن است (خوب) یا برخلاف آن (بد) می‌بینید؛ این‌جاست که مسیر من جدا می‌شود. زیرا قبل از وستفالیا، در واقع روش‌های زیادی وجود داشت که حاکمان از طریق آن‌ها خود را پیدا می‌کردند و براساس آن، قلمروهای خود را سامان می‌دادند، به همین‌گونه حق حاکمیت توسط رعیت تجربه و قدردانی می‌شد. تصدیق می‌کنم که وستفالیا از این لحاظ، لحظهٔ مهم در اروپا است. اگر می‌خواهید دنبال مشکلات وستفالیا باشید، این هم خوب است. مگر اگر وستفالیا نقطه عزیمت باشد، برای من مفید نبوده و هیچ علاقه‌ای به آن نخواهم داشت. جدی می‌گویم!

چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟

سیدارت مالاواراپو[۱]
برگردان: هارون بشریار

برای این‌که در رشتهٔ روابط بین‌الملل کارشناس شوید، کنج‌کاوی نکتهٔ اصلی است. من به عنوان یک راهنما برای بیدار ساختن حس کنج‌کاوی در دانش‌جویان تمام تلاشم را کرده‌ام. فکر می‌کنم، برای دانش‌جویان روابط بین‌الملل مجموعهٔ مصاحبه‌های جیردومنک و ریچارد اسنتارد در کتابش که شور، مهارت و سیاست‌های تطبقی را به تبیین گرفته است، منبع خوبی برای فهم بیش‌تر روابط بین‌الملل باشد. من توصیه می‌کنم رویکردهای کلاسیک باید به صورت دقیق مطالعه شوند و در معمای روز استفاده شوند. بسیاری از پرسش‌های مطرح‌شده جدید نیستند. در گذشته نیز تفکرات اندکی دربارهٔ آن‌ها صورت گرفته است. بنابراین، مهم است که از رویکردهای کلاسیک به عنوان میراث استفاده کنیم.

زبان وسیلهٔ دیگری است. دانش‌جویان باید از یک سری مسائل خاص و مناطق خاص که زمینهٔ نگرانی آن‌ها را گسترش می‌دهد جدا شوند و به تخصص‌گرایی رجوع کنند. بدین

---

۱. Siddarth Mallavarapu، کارشناس جهان جنوب و نگاه هند به روابط بین‌الملل، استاد دانشگاه جواهرلعل نهرو.

معنی است که آموزش زبان دروازه‌های جدید از جهان را به روی دانش‌جویان باز می‌کند.

من هم‌چنین معتقدم که قرار گرفتن در معرض روش‌های کمی مهم است. شما باید بتوانید داده‌ها را با درکی دقیق از متن با اعتماد به نفس کامل تفسیر کنید و هنگام نزدیک شدن به متن، آن‌ها را نادیده نگیرید. ممکن است همگی این روش را انتخاب نکنند، مگر باید بین سیگنال و سروصدا همان‌گونه که نیت سلور به ما یادآوری می‌کند، تفاوت قائل شویم. کتاب تاریخ بین‌الملل از مارک تراچتنبرگ توصیه‌های را ارائه نموده است که رویکردها گذشته را با رویکردهای جدید امروزپیوند داده است و برای تنظیم طرح تحقیقات علمی مفید واقع می‌شود و هم‌چنان دی کاسمبا در مقاله‌ای تحت عنوان «ترکیب روش‌ها» شیوه‌های مهم و ارزنده‌ای برای تفکر خلاقانه در مورد «روش» بیان نموده است.

هم‌چنان فکر می‌کنم خوب است دانش‌جویان روابط بین‌الملل از چنددستگی بپرهیزند و پرسش‌ها را به‌گونه‌ای مطرح کنند که برایشان امکان بررسی در محیط‌های متفاوت را بدهد. آن‌ها باید با میتود و روش‌های گوناگون؛ حتا مردم‌نگاری آشنا باشند، تا حساسیت‌های عمیق تاریخی را پیدا نمایند. همه‌ی آن‌چه گفته شد، برای کارشناس شدن دانشجوی روابط بین‌الملل مهم است.

چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟

فریدریک سودیرباوم[۱]
برگردان: کاظم کریمی

فکـر می‌کنـم راه‌های گوناگون وجـود دارد و در نتیجـه، جواب کلی را تـرجیـح خواهـم داد، بهتریـن و مهم‌تریـن جـواب کنـج‌کاوی و مسـتعد بودن اسـت. کمـی روان‌شناسـانه اگـر بگویـم، مهم‌ترین چیـز سـازگاری و باهم‌زیسـتی در جهـان خواهـد بـود. همان‌گونـه کـه نمایان اسـت، اکثریت کارشناسـان سـخت‌کوش و گاهی هم خیلـی پـرکار می‌باشـند، بایـد بهتـر بدانیـم و یا تشـریح گـردد که چگونـه به ایـن نتیجه رسـیدند.

بـا اندکـی تامل در سـطح غیرکلـی، فکـر کنم مشـکل خواهد بـود که جهـان را بدون در نظر گرفتن سـطح نظری دل‌چسـپ و یا تحقیقاتـی بدانیم. البتـه در این رابطه می‌شـود شـیوۀ تجربه‌گرایی و یـا تاریخـی را امتحـان نمـود. بنابـر مفکوره مـن، فکر کنـم و بهتر خواهـد بـود که افـزون بـر روابـط بین‌الملل بـه رشـته‌های دیگر در جهان آشـنا شـد و توجه نمود؛ به‌ویـژه اگر می‌خواهیـد دکتورای‌تان را در رابطـه بـه اروپـا و یا کشـوری‌های غربی انجام دهید. آشـنایی بـا متـون دیگر علوم به شـما کمک می‌کند تـا یک رخـداد یا پدیدۀ خـاص را از چشـم‌اندازهای نظـری متفاوت تحلیـل نماییـد.

---

۱. Fredrik Soderbaum، کارشناس دولت‌های شکننده و ناکام.

کتاب پایهٔ شمارهٔ بیست‌ونهم
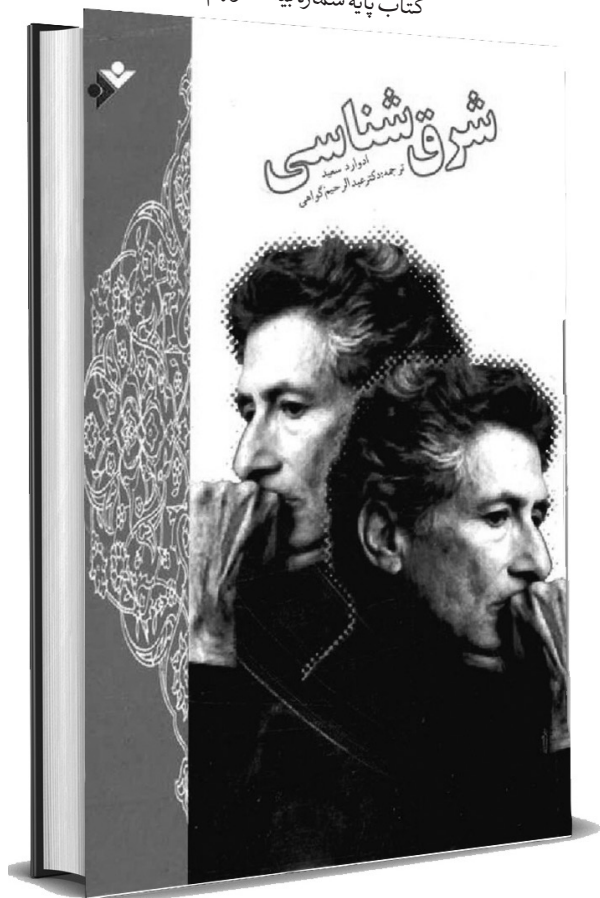
چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟

کارن لتفین[۱]
برگردان: نوید شریفی

این‌ها پرسش‌های متفاوتی هستند، زیرا در بسیاری از دانشگاه‌ها، کارشناس شدن، نظر انداختن به یک سری از واقعیت‌های بنیادی جهانی را در پی دارد. نخست، با آن‌که بسیاری از جوامع انسانی در کشورهای رو به انکشاف زندگی می‌کنند، بسیاری از نظریه‌های روابط بین‌الملل صرف به قسمت شمالی کرهٔ زمین (کشورهای توسعه یافته) توجه دارد. روابط بین‌الملل از این حقیقت چشم‌پوشی می‌کند که شیوهٔ زندگی مردمان شمال کرهٔ زمین اگر جهانی گردد، متعصبانه است. خوش‌بختانه، یک زیر مجموعهٔ مهم از روابط بین‌الملل به‌نام محیط زیست جهانی پدید آمده است که به بازسازی وضعیت کمک می‌کند.

ترجیح می‌دهم به پرسشی، پاسخ دهم این است که: یک دانشجو چه چیز را باید بداند تا چالش‌های عمده‌ای را که سیستم جهان با آن مواجه است، درک کند؟ برای پاسخ به آن؛ من سه مورد را توصیه می‌کنم. اول، این‌که به مطالعهٔ گسترده، عمیق و نقادانهٔ تاریخ مدرنیته؛ به شمول انقلاب‌های علمی،

---

۱. Karen Litfin، کارشناس نظریه گایا، محیط زیست جهانی و تعبیه روابط بین‌الملل در نظم زمین، استاد دانشگاه واشنگتن.

سیاسـی، تجارتی، صنعتی و مسـائل دینی کـه معرف عصر جدید هسـتند، بپردازد.

دوم، در مـورد نهادهای اساسـی بین‌المللی (سـازمان تجارت جهانی، بانـک جهانی، صنـدوق بین‌المللی پول، اتحادیـۀ اروپا، شـورای امنیت سـازمان ملل، وغیـره) بیاموزید و بپرسـید که کدام ایـن نهادهـا مثمر و کارا اسـت و کدام آن‌ها نیسـت، چرا؟

سـوم، این‌که تمـام ایـن آموزش‌هـا را هم‌زمان بـا آموختن تفکر سیسـتماتیک پیـش ببریـد. حـد اقل یـک آموزشـگاه خـوب را در مـورد نظریۀ سیسـتم‌ها تعقیـب کنید؛ آموزشـگاهی که مشـخصاً اصول آموزشـی مستحکمی در رابطه به سیسـتم‌های زندگی فراهم می‌سـازد و بعـد به ایجاد ارتباطـات میان دانسـته‌ها و آموخته‌های خـود آغاز کنید. برای نمونه، چرا محیط زیست‌شناسـی و اقتصاد دارای ریشـۀ مشترک هسـتند؟ در نظر گرفتن سیستم بین‌المللی به مثابـۀ یک سیسـتم زندگـی و یک زیـر مجموعۀ سیسـتم زمین، به چـه معنـا خواهد بـود؟ هـرگاه فکر کنیم کـه این سیسـتم جهان را که مـا از اقتصاد جهانی‌شـده و حقـوق ابتدایـی بین‌المللی ایجاد کرده‌ایم، بخشـی از سیسـتم زندگی نیسـت، ما در یـک توهم بزرگی زندگـی می‌کنیـم. پـس بـرای درک واقعـی از این‌کـه سیسـتم‌های زندگـی چطـور کار می‌کننـد، مـا نیـاز بـه ادبیـات در مـورد نظریـۀ سیسـتم داریم کـه بدون شـک در بیولـوژی و علم محیط زیسـت استفاده شـده است.

چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟

کرستین رویز- سمیت[۱]
برگردان: خان‌محمد خوش‌فطرت

حوزهٔ وسیعی از ویژگی‌ها و فعالیت‌ها وجود دارد که می‌تواند یک دانشجوی خوب را در این رشته آگاه و یا شکل دهد. بدون شک که داشتن آگاهی از پیش‌رفت جهان معاصر از طریق رسانه‌ها مهم است. هم‌چنان داشتن درک اساسی از تاریخ نظام بین‌الملل و دانستن نظریه‌های اساسی آن وضعیتی که ما چگونه به سیاست‌های جهانی بنگریم.

مگر از دید من، ویژگی‌های یک دانشجوی خوب، داشتن ذهن انتقادی و پرسش‌گر است. دانشجو باید بداند که ما جهان را از راه چارچوب اندیشه‌ها می‌بینیم و درک می‌کنیم، این اندیشه‌ها همیشه جزیی هستند. کنت والتز می‌گوید، شما می‌توانید به‌همان اندازه به این گفته موافق باشد که یک نظریه‌پرداز انتقادی و یا ساختارگرا موافق است؛ این به چه معناست؟ باوجود این‌که ما باید نسبت به اندیشه‌هایی که به‌کار می‌گیریم بسیار خود بازتاب‌گرا باشیم، هم‌چنان ما باید نسبت به این تصور که این اندیشه‌ها همیشه محدود هستند، حساس باشیم. فرض‌های ما

---

۱. Christian Reus-Smit، کارشناس فرهنگ‌های روابط بین‌الملل، بازاندیشی روابط بین‌الملل و از بین بردن شکاف هنجاری- تجربی، استاد دانشگاه کوینسلند.

همیشــه فقط فرضیات هســتند. بنابراین، رفتار اساسی کارشناس خــوب روابــط بین‌المللـل این اســت که راجــع به اندیشــه‌هایی که ادعــا می‌کنیــم، خود بازتاب‌گرا باشــیم و باید همیشــه در رشــتهٔ که بــدون قید و شــرط می‌پذیریم، پرســش کنیم.

ایــن می‌تواند بــرای دانش‌جویان بســیار توانمنــدی ایجاد کند؛ گرچه بســیاری از «داده‌ها» در این رشــته برپایه‌های سست بنانهاده شــده‌اند. در مــدت ۱۵ ســال گذشــته یــک تعــداد از بورس‌هــای تحصیلــی نتیجه‌بخــش نشــان دهنــدهٔ این اســت که ایــن پایه‌ها شــکننده هســتند. بــرای نمونــه، تمــام ادبیــات راجع بــه ماهیت حاکمیت را در نظر بگیرید: زمانی‌که من دانشــجوی کارشناســی در اواخــر دهــه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ بــودم، پذیرش حاکمیت بدون قیــد و شــرط بود. ما به ســادگی آموختیم که این مرجــع عالی اقتدار و مطلــق دولت اســت - با این اندیشــه که یک مرجع اقتــدار واحد در داخــل مرزهــای دولت وجــود دارد و آن دولت هیــچ مرجع اقتدار بالاتــر را نمی‌پذیــرد - و برایــن اســاس، مــا در ادامه بــر نظریه‌پردازی و تجزیــه و تحلیــل سیاســت‌های بین‌المللـل پرداختیــم. اکنــون، به‌دلیــل فعالیــت یــک طیــف وســیعی از دانشــمندان، از جنــس بارتلســون تا اســتفن کراســنر، مــا می‌دانیم کــه در واقــع حاکمیت متغییراســت، این یک عمل اســت و در حقیقــت بیش‌تر دولت‌ها نمایان‌گــر انحــراف هســتند. ایــن یــک دیــدگاه بســیار متفاوتــی از سیاســت‌های بین‌المللـل بــرای ما بــه هم‌راه می‌گــذارد.

چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟

کلاوز دودس[۱]

برگردان: منصور عمری

من به غیر از دکتورا، به دانش‌جویان توصیه می‌کنم که بسیار مطالعه کنند. فرد نباید درگیر بحث‌ها یا موضوعات خاص شود و قطعاً از وقف آگاهانهٔ یک حرفهٔ کامل به بحث خودداری کند. حتی بحث‌های بزرگ (برای نمونه: بین خردگرایان، سازه‌انگاران و مارکسیسم؛ یا میان لیبرالیسم یا واقع گرایی؛ یا میان ساختارگرایان و کارگزارگرایان) بی‌فایده است. به‌همین دلیل است که من نوشته‌های خود را در چنین مجلات مختلف چاپ می‌کنم. این به من امکان می‌دهد در بسیاری از موضوعات جالب درگیر شوم و در یکی از آن‌ها گم نشوم. پس یک دانشجو برای کارشناس شدن باید از موضع‌گیری نظری بپرهیزد و تلاش کند از رویکردهای گوناگون در راستای توضیح مسائل استفاده نماید. هم‌چنان دانشجو باید در نشریات گوناگون به روش گوناگون به پژوهش پرداخته و نتایج متفاوتی را نیز بپذیرد. این امر مهم به دانشجو یاری می‌رساند تا بهتر بتواند به عنوان یک کارشناس در جامعه دست به تجزیه و تحلیل و تولید علم بزند.

---

۱. Klaus Dodds، کارشناس سیاست جغرافیایی در روابط بین‌الملل، استاد دانشگاه لندن.

کتاب پایهٔ شمارهٔ سیوم
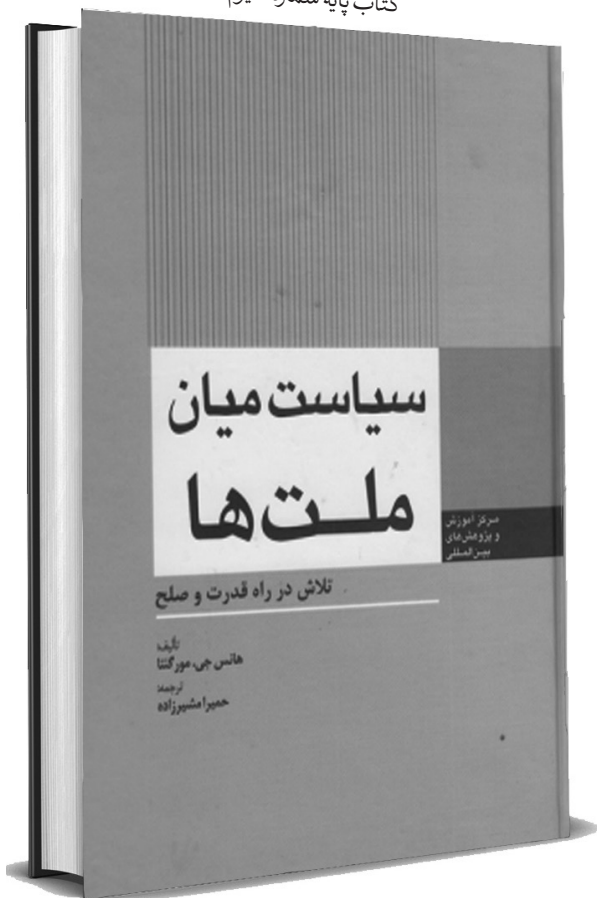
چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟

کنت والتز[۱]

برگردان: خدایار نائب‌زاده

من فکر می‌کنم که یکی از پیش‌نیازهای این کار استعداد فوق‌العاده و درک درست از تاریخ است. بدون درک دقیق از تحولات گذشتهٔ جهان، دشوار است که ما حال را بهتر درک کنیم؛ چون تاریخ مواد خام را برای فهم سیاست در همه سطوح فراهم نموده و پیونددرونی و منطقی میان سه زمان را به دانشجو خواهد داد. تاریخ اگر از دید کلان به آن نگاه کنیم، بستری برای رخدادهای ظاهرا ناهمگون است؛ مگر رخدادها ناهمگون نبوده همانندی‌های زیادی میان رخدادها وجود دارد.

فکر می‌کنم که مطالعهٔ سیاست بین‌الملل برای آگاه شدن از چگونگی وقوع جنگ‌ها و گسترش آن‌ها و این‌که چرا کشورها وارد جنگ‌های خونین و کوچک شدند، از اهمیت خاص برخوردار است و این مسأله بدون درک تاریخی از پدیده‌ای مانند جنگ، ناممکن است. جنگ‌ها در سطح جهانی، چه در سطح منطقه‌ای و چه در سطح کشور- کشور و چه در سطح ملی و فروملی از یک منطق خاص پیروی می‌کند که درک آن منطق

---

۱. Kenneth Waltz، نظریه‌پرداز واقع‌گرایی ساختاری در سیاست بین‌الملل، استاد دانشگاه کلفرونیا.

بـدون مطالعـهٔ تاریخ ناممکن اسـت

کسـی بایـد در بارهٔ ایـن موارد و مـوارد دیگـر بیندیشـد، تا درک درسـت از تحولات بین‌المللی گذشته پیدا کند و قادر به شناخت تفاوت‌هـا میان شـرایطی که باعث گسـترش جنگ‌های گذشـته شـده و آن‌هایی‌کـه همین اکنـون بر علیـه جنگ‌هـا کار می‌کنند، شـود. هم‌چنیـن می‌خواهـم بگویـم کـه شـناخت دقیـق از تاریخ الزامـی اسـت و من قطعاً مشـوره می‌دهـم که دوره‌های کلاسـیک را بخوانیـم. فکـر می‌کنـم کـه نظر مـن در بـارهٔ دوره‌های کلاسـیک همان نظر بیش‌تر مردم اسـت. دوره‌های کلاسـیک فهم انسـان را از گذشـته پربار سـاخته و به شـناخت درسـت امروز کمک می‌کند.

مـن نمی‌خواهـم که بـه فراموشـی نام‌ها متهم شـوم؛ ولـی تمام این موارد در جهان غرب از توسـیدید شروع شد و در دورهٔ ماکیاولی، هابز و سـپس مورگنتا ادامه یافت. این یک سـابقهٔ تأثیرگذار اسـت. بـرای دانش‌جویـان سیاسـت بین‌الملـل بسـیار مهم اسـت که در مـورد قهرمانـان جنگ‌هـای گذشـته بـا دقـت بخواننـد. این‌ها در تاریـخ آزمایـش شـدند و در کتاب‌هـا هسـتند و ارزش خوانـدن را دارنـد. گپ‌هـای محـوری در این‌جا وجـود دارند کـه دانش‌جویان بـه آن‌ها توجه زیاد داشـته باشـند؛ مثل نقش و اهمیـت تکنالوژی در جنـگ، توانایی‌هـای اقتصـادی و اهمیـت رهبـران مختلف و این‌کـه کـدام شـرایط مانع کار آن‌ها شـدند و خواهند شـد.

چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟

کِت هارت[۱]
برگردان: طارق اقتداری

سنین بین ۲۰ تا ۳۰ سالگی بزرگ‌ترین فرصت برای تعهد و شناخت شما از جهان با یک دید جهانی باید باشد. بدین معنی که یادگیری زبان‌ها، سفرکردن به کشورها، آماده شدن برای شناخت و تجربه‌های نو. هرکدام این موارد دید جهانی را در دانشجو تقویت می‌نماید.

فکر می‌کنم دیدی را که من در چندسال گذشته برای خود ساخته‌ام، اساسا دیدی نبود که از خودم باشد. و بزرگ‌ترین تأثیر بالای دید من زمانی بود که در (گانه) مصروف فراگیری دورهٔ دکتورای خود بودم. بدون شک من کدام تجربه‌ای از پیش نداشتم که در واقعیت مرا متحول کند؛ حتی برای من بسیار مشکل بود که کتابی در این عرصه بنویسم. جوانان باید تحقیق مقایسه‌ای خویش را به روش علمی عمیق و گسترده انجام دهند؛ در هرحالت و در هرکجا که با آن روبه‌رو می‌شوند. مهم‌تر از همه، آن‌ها باید احساس منحصربه‌فرد مسیرزندگی خود را به عنوان کار جدید حفظ کنند و اهمیت این موضوع از هر حوزهٔ آموزش حرفه‌ای بیش‌تر محسوب می‌شود.

---

۱. Keith Hart، کارشناس تحولات بزرگ، اقتصاد غیررسمی و همبستگی بشری.

کتاب پایهٔ شمارهٔ سی‌ویکم
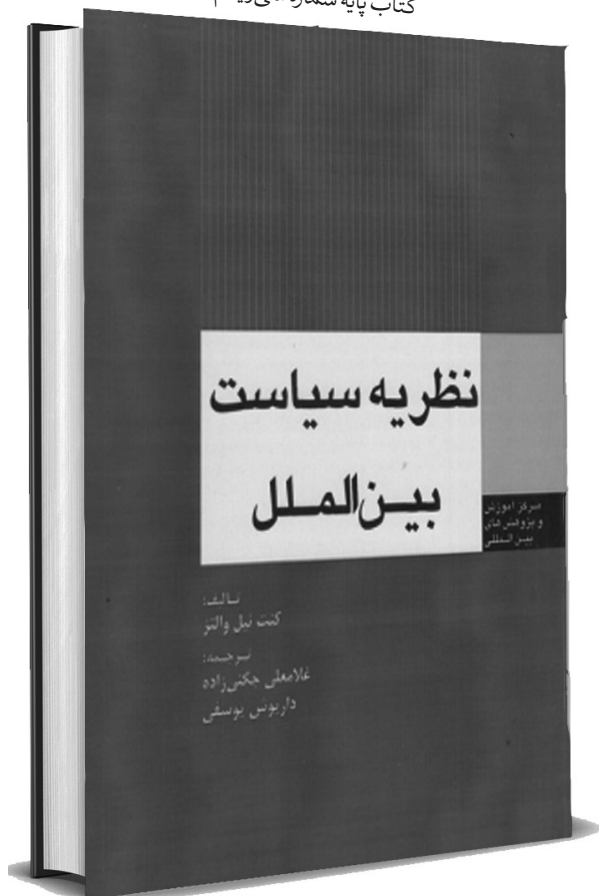
چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟

کیس ون دیرپیجل[۱]

برگردان: وحیده حسن

برای تبدیل شدن به کارشناس روابط بین‌الملل به یک ذهن انتقادی، مطالعه، دانشجوی خوب بودن، استادان الهام‌بخش نیاز است. هم‌چنان دیدن و درک جهان در تلاش برای شکستن معادله‌های جریان‌های اصلی رسانه و دانشگاه‌ها (حتی بی‌شرمانه) به یک مبارزه نیاز دارد. کثرت‌گرایی نام بازی است، نه هرگونه خداسازی یا فرقه‌گرایی.

- ذهنیت انتقادی: به شما یاری می‌رساند تا یک مسأله را از چند زاویه بررسی کنید و به نقاط مثب و منفی آن پی ببرد؛
- دانشجوی خوب: زمینه را برای بحث بیش‌تر فراهم می‌سازد. گاهی دانش‌جویان به چیزهای اشاره می‌کنند که برای انسان تازگی دارد، چون تقریبا یک نسل جوان‌تر از ما اند؛
- استادان الهام‌بخش: ایده‌های نوی به ما می‌دهند؛ به شرط آن‌که به خوبی به سخنان آنان گوش کنیم؛ و
- دیدن جهان واقعی از چشم‌انداز غیر متعارف: خلاقیت و نوآوری را در انسان به‌وجود می‌آورد.

---

۱. Kees van der Pijl، کارشناس فروپاشی احزاب چپ در اروپا، امپراتوری‌ها و اهمیت کنونی مارکس.

کتاب پایهٔ شمارهٔ سی‌ودوم

چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟

کیمبرلی هات چِنگس[1]
برگردان: وحیدالله معنی

ویژگی های اصلی یک دانشجو باید کنج‌کاوی فکری، گستردگی و متمایل به تعامل با ایده‌ها باشد. این عاداتی است و پافشاری نشود که «شما باید گذشتهٔ فوکو را بفهمید» و یا «شما باید گذشتهٔ هگل را بشناسید»؛ از دید من این نیاز نیست. شما می‌توانید عقاید و استدلال‌های خود را با یک مسألهٔ خاص مرتبط کنید؛ شاید یکی از زمینه‌های سیاسی شما نتیجهٔ از خود شما و یا هم به دلیل سیر فکری خاصی که در پیش گرفته‌اید، باشد.

باز هم، شناختن نظریه‌پردازان کلاسیک خود به عنوان فوکو و هگل در روابط بین‌الملل مفید است. وقتی وارد حوزهٔ روابط بین‌الملل شدم، من پیش از این با مجموعه‌ای از شاخص‌های فکری، علایق و تعهدات سیاسی هم‌راه بودم. در نهایت، این مشارکت در گفت‌وگوها مسیرهای گوناگون را در روابط بین‌الملل فراهم کرد. از این‌رو، آن‌چه برای من از همه مهم‌تر است کنج‌کاوی فکری، گستردگی، تمایل به گوش دادن و احساس این‌که از کجا به گفت‌وگو می‌روید، مهم است. بنابراین، نکتهٔ قابل توجه در

---

۱. Kimberly Hutchings، کارشناس سیاست بین‌الملل، استاد دانشگاه کوین مری لندن.

مـورد روابط بین‌الملل این اسـت که شـما مجبور نیسـتید به هیچ وجه مسـتقیم در روابط بین‌الملل آموزش ببینیـد. روابط بین‌الملل یـک رشـتهٔ میان رشـته‌ای اسـت کـه در آن بسـیاری از رشـته‌ها و بحث‌هـا با هم ادغـام می شـوند. دانش‌جویان رشـته‌های حقوق، علـوم سیاسـی، جامعـه شناسـی کـه همـه می‌تواننـد حرف‌های زیـادی بـرای گفتـن در روابـط بین‌المللـل داشـته باشـند و روابـط بین‌المللـل در عـوض می‌توانـد حرف‌هـای زیـادی بـرای گفتـن به شما داشـته باشد.

کلیـد وصل شـما بـا حـوزهٔ دانشـگاهی بـه آغـاز تحصیل‌تان بسـتگی دارد؛ اگر تحصیلات خوبی دارید، بایـد فضای لازم را برای تعامـل فـردی فراهـم کنید. بـه ویژه، اگر شـما بـه ضد نژادپرسـتی یـا زن‌بـاوری علاقه‌مند باشـید، یك پژوهش‌گـری کـه در آن زمینه صحبـت می‌کنـد، شـما را ترغیـب بـه فکـر مسـتقل می‌کنـد؛ گر چـه، کار های دانشـگاهی در کنـار منظم بودن، خودسـامان دادن و پذیرفتـن آن گاهـی دردنـاک اسـت. دانشـگاه بـرای همـه جای مناسـب نیسـت؛ زیـرا، بـرای بعضی‌هـا در نهایـت ضیـاع وقـت اسـت. آن‌هـا آرزو می‌کننـد چیـز دیگـری باشـند کـه برای‌شـان خوب‌تراسـت. مگـر، این پیش‌فرض چنیـن به نظر می‌رسـد، اگر تحصیـلات و فـرا گرفتن علـم و دانش را به حـدی ببینند که نتوان آن را به‌خوبـی پیدا کرد، نشـانه‌ای از تدریس ضعیف و بی‌کیفیت در حوزه‌های دانشـگاهی اسـت.

چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟

کین یاکنیگ[۱]
برگردان: عبدالرووف مدقق

هنگامی که ما محیط یک دانشگاه را طرح می‌کردیم، مهندس ارشد از ما خواست تا ایده‌ها خود را در مورد طرح و دیزان محیط دانشگاه ارائه دهیم. من یک ایده ارائه کردم که نشان‌دهنده فهم من از آموزش و پرورش بود. برای این‌که دانش‌جویان رشتهٔ مطالعات بین‌المللی را هم دعوت کنیم، ما باید یک نسخهٔ انگلیسی این طرح را هم داشته باشیم. من آن‌ها را در زبان انگلیسی سه جی (G) می‌نامم. سه جی از این‌روی که آغاز این واژگان با جی انگلیسی است؛ جی اول: Global Vision؛ جی دوم: Great Learning؛ و جی سوم: Grand Harmony می‌باشد.

دید جهانی - Global Vision

چین برای رشد جایگاه خویش در روابط بین‌الملل، باید یک چشم‌انداز جهانی داشته باشد، نه فکر محدود و چینی‌محور. اندیشهٔ محدود چین را همانند سده‌های دور و درازی به حاشیه می‌کشاند. دیگر زمان آن گذشته است که کشوری بخواهد خود را ببیند؛ حتی غرب هم امروزه به صدای دیگران و بینش گسترده‌تر

---

۱. Qin Yaqing، کارشناس رویکرد چینی به حاکمیت جهانی، استاد دانشگاه امور خارجه چین.

نیاز پیدا کرده است. این چیزی است که چین باید به خاطر داشته باشد.

یادگیری بزرگ - Great Learning

یادگیری از متن کلاسیک چینی و یاد گیری بزرگ. یادگیری بزرگ یکی ازشش کتاب سنت کنفوسیوس است. من به مهندس گفتم یادگیری بزرگ به معنی سه چیز: یادگیری باید معنی‌دار باشد، نه کوچک، بی‌معنی و محدود. دوم به روایت کنفوسیوس، یادگیری مرتبط به جهان حقیقی باشد، یعنی موثریت و استفاده جهانی داشته باشد. سوم یادگیری فراگیرباشد، نه انحصاری. یادگیری باید ترکیبی از ایده‌های مختلف، افکار مختلف باشد. مانند دوران کنفوسیوس، که شما صدها مکتب فکری داشتید.

سازگاری بزرگ - Grand Harmony

سازگاری بزرگ یکی دیگر از سه آموزۀ مهم چینی است که از سالن بزرگ شهرممنوعه گرفته شده و من آن را به اسم «سازگاری اعظم» یاد کردم، تا از تکرار کلمه بزرگ جلوگیری شود. سازگاری اعظم، طرح چینی است که برای نسل‌ها منتقل شده است.

من سازگاری عظیم را در روابط بین‌الملل، در امور روابط بین دولت‌ها واژه ایده‌آل پیدا کردم. محققان غربی واژه سازگاری را درک نکردند، بنابراین می‌گویند، این یک کلمۀ خالی است، فقط یک شعار خالی است.

من فکر می‌کنم برای برخی از رهبران سازگاری عظیم واقعا خالی و یا آرمان‌شهر است. مگر برای چینی‌ها چنین نیست. ما همه این مراحل را در جوامع سنتی چین درک می‌کنیم. بنابراین، وقتی به دانش‌جویانم آموزش می‌دهم، در واقع بسیاری از نظریه‌های غربی را تدریس می‌کنم- مگر در عین حال دانش‌جویان را تشویق می‌کنم که روایت‌های چینی را مطالعه کنند، تا ببینند چه الهامی می‌توانند از آن دریافت کنند.

این سه جی نه‌تنها در متون علمی وجود دارند، بلکه در عمل نیز جاسازی شده اند: برای نمونه، چرا چینی‌ها دوست دارند از میانجیگری استفاده کنند، نه از روش‌های حقوقی؟ یک مثال از تایوان: من در دوره‌ی اخذ دکتورایم در امریکا هم‌صنفی داشتم، او با یک موتر تصادم کرد که تقصیر او نبود. او باید به دادگاه می‌رفت، مگر او حاضر به رفتن نشد. او توضیح داد که رسیدگی به دادگاه محلی معمولا در تلویزیون نشر می‌شود و او فکر می‌کرد که اگر دیگر دانش‌جویان تایوانی آن را ببینند، آن‌ها وقتی دوباره به تایوان برگردند، به افراد دیگر، دوستان و خانواده می‌گویند. آن‌ها فکر خواهند کرد که او واقعا کار اشتباه و نادرستی انجام داده است. چینی‌ها، هم‌چنین در تایوان، معمولا از طریق کمیتهٔ محلی، دوستان و همسایگان به میانجی‌گر مراجعه می‌کنند. در چین این روش تا فعلا هم یک عمل رایج است.

کتاب پایهٔ شمارهٔ سی‌وسوم
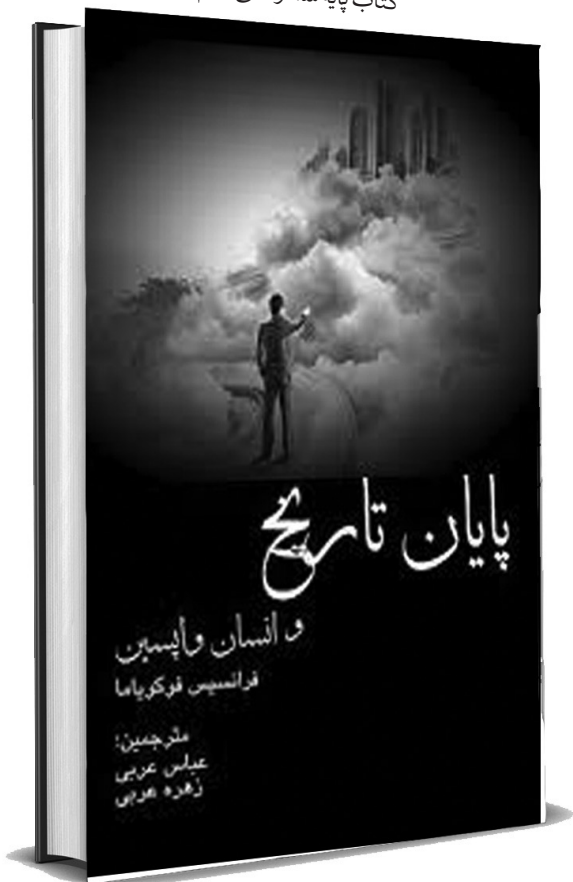
چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟

کیوین دن[۱]

برگردان: شازیه ستانکزی

فکر می‌کنم افراد دیگری که در این جا در تئوری گفت‌وگو با آن‌ها مصاحبه کرده‌اید، پاسخ های واقعاً روشنی ارائه داده‌اند. اگر بخواهم به دانش‌جویان رشته روابط بین‌الملل مشاوره بدهم، احتمالاً دو چیز را به آن‌ها می‌گفتم. اول، مطالعه گسترده در این رشته به آن‌ها فرصت مکالمه کردن را در ابعاد گوناگون این رشته فراهم خواهد کرد. افزون بر این، به آن‌ها کمک می‌کند از بیان خنده‌آور افراد کاهل، که در مباحث انتظامی ما ایجاد می‌شود، جلوگیری کنند. اگرچه ممکن است اکنون این موضوع را درک نکنند، فرصت برای دانشجوی دوره‌ی تحصیلی فقط زمانی‌است که مطالعه انبوه داشته باشد و احتمال توانایی آگاهی از بورسیه‌های جدید را در دست گیرند. دوم، این‌که، من دانش‌جویان را برای خواندن منابع اولیه این رشته تشویق می‌کنم. من همیشه از کاریکاتورهای ترسیم شده دیگر دانشمندان آسیب دیده‌ام.، خواه مورگنتاو، کانت، والتس یا ونت باشند، و فکر می‌کنم این محققان به جای ایجاد آشنایی با منبع اصلی خود به خلاصه‌های منابع ثانویه تکیه می‌کنند.

---

۱. Kevin Dunn، کارشناس هویت در روابط بین‌الملل، استاد دانشگاه وسترن سیدنی.

کتاب پایهٔ شمارهٔ سی‌وچهارم
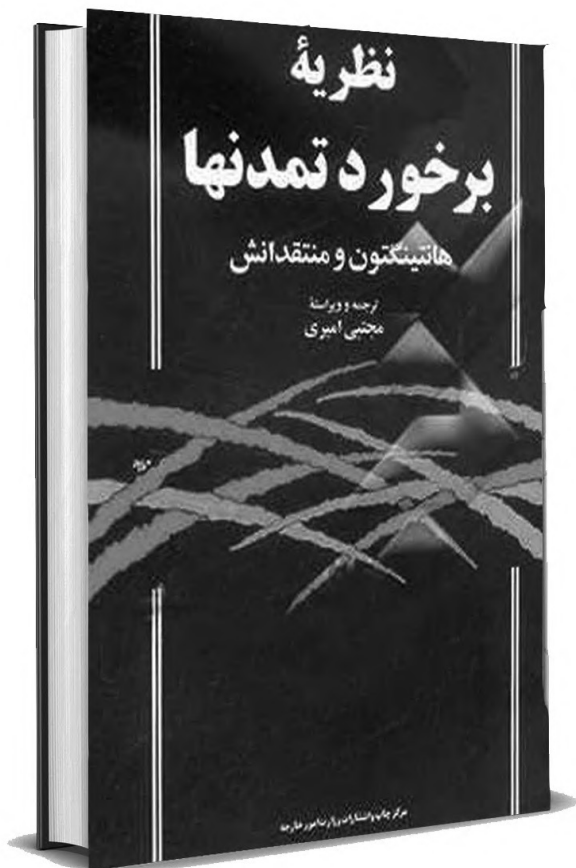
چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟

گابریل هِخت[۱]
برگردان: آسیه حمزه‌ای

از دید من شما باید سفر کنید، زبان را یاد بگیرید. توجه و انتقاد نسبت به کارهای سیاسی انجام شده توسط ادعاهای تصدی «جهانی» را حفظ کنید. باید تاریخ را خوب بیاموزید؛ چرا که اگر ریشه در زمان حال داشته باشید، هرگز روابط بین‌الملل را درک نخواهید کرد. در واقع برای درک جهان امروز فهم گذشته اهمیت زیادی دارد.

سپس، برای کسانی که می‌خواهند با کنکاش و جست‌وجو در سیاست جهانی، تکنالوژی را شروع کنند، بلافاصله معرفی دو کتاب به ذهن خطور می‌کند. کتاب تیموتی میشاییل که در رابطه با تکنوپولیتیک جهانی سوخت‌های فسیلی است و کتاب دوم اثر پاوول ادوارد است که در آن به داده‌ها و مدل‌ها در تولید دانش در مورد تغییرات اقلیمی و آب و هوا پرداخته است. هر دو کتاب باید خوانده شوند. این هردو کتاب به شما کمک می‌کنند تا جهان را به روشی بفهمید که بتوانید از آن در تجارب عملی خود استفاده نمایید.

---

۱. Gabrielle Hecht، کارشناس هسته‌ای و فن‌آوری پسااستعمار، استاد دانشگاه استنفورد.

کتاب پایهٔ شمارهٔ سی‌وپنجم
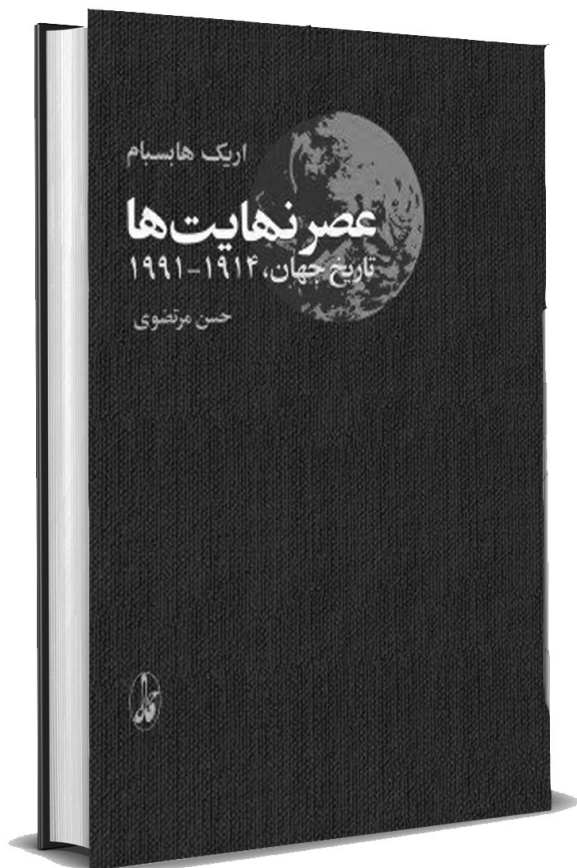
چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟

لوید لیدیسدورف[۱]
برگردان: امین الله صحرایی

به‌طور عموم، من به ایشان مشوره می‌دهم که هم‌زمان با تخصص، وسیع‌تربیندیشند. اختراع، عبور از حدود تعیین‌شده را ایجاب می‌نماید. این یعنی درهم‌شکستن مرزهای دانش متعارف در روابط بین‌الملل.

در کنار آن، حداقل باید دو زبان را یاد بگیرید. اگر رشتهٔ شما علوم سیاسی است، پس حتما باید کم‌وبیش در مورد ساینس و تکنالوژی و یا هم اقتصاد بخوانید (و بدانید). در پهلوی داشتن تخصص، توان بالقوهٔ رسیدگی به بخش‌های دیگر را هم‌چنان باید داشته باشید، تا توسط آن، معلومات و آگاهی‌های لازم را در راستای ترجمهٔ وضعیت در قالب‌ها و بخش‌های مختلف بتوانید انجام دهید. بیاموزید تا بازتاب‌دهندهٔ خوب گفتار شخصی که در یک قالب و یا درقالب‌های مختلف صحبت می‌کنند، باشید. برای نمونه، من یاد گرفتم که از ساختار جملات پربازتاب اجتناب ورزم؛ جمله‌ای چون «اقتصادهای مدرن، اقتصادهای است که بر مبنای علم استوار می‌باشند».

---

۱. Loet Leydesdorff، کارشناس مارپیچ سه گانه، استاد دانشگاه آمستردام.

به‌جای آن بگوییم «اقتصادهای مدرن می‌توانند به‌طور روزافزونی چون اقتصادهای استوار بر پایهٔ علم مطرح باشند». ساختار جملهٔ دومی فضا را برای پرسش‌های چون «تا چه اندازه» مهیا می‌سازد که در نتیجه، یک نفر می‌تواند معلومات بیش‌تر تقاضا کند و یا در مورد شاخص‌ها و نتایج اندازه‌گیری پرسش بپرسد. در جامعه‌شناسی، تخصص و نمونه‌گرایی احیانا یک نوع سیستمِ باوری به شمار می‌رود. من چنین فکر می‌کنم که با در نظر گرفتن گفتمان‌های علمی به عنوان سیستم برداشت علمی، می‌توان بین یادگیری معیاری (هنجاری) و یادگیری شناختی تفاوت قائل شد.

یادگیری معیاری (در سیستم‌های اعتقادی) کندتر از یادگیری شناختی (از دید برداشت‌های نظری) است. زیرا، حالت (نوع یادگیری) شناخت‌محور فضای بیش‌تری را برای آزمایش در اختیار ما قرار می‌دهد. یک شخص می‌تواند اشتباه کردن را بپذیرد، درحالی‌که قوت ارتباط و دعواهای علمی آن مورد بحث می‌مانند، نه وضعیت شخص منحیث تماس گیرنده.

نوع یادگیری شناختی فایده‌های زیادی دارد؛ این نوع یادگیری می‌شود به حیث مازاد که در دورهٔ تحصیلات عالی بیش‌تر انکشاف یافته، مد نظر گرفته شود. یادگیری معیاری (هنجاری) نسبتا کند است و در حوزهٔ سیاسی سلطه دارد.

چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟

مارتین شاو[۱]
برگردان: شازیه شیرزاد

دانشجو برای تبدیل شدن به یک کارشناس در این علم، هم به یک تعهد قوی به مسائل جهانی و هم به تعهد به بورس تحصیلی جدی احتیاج دارد. به سخن دیگر، علاقه به ایده‌ها و تمایل به تعامل دقیق با حقایق و استدلال‌ها هر دو ضروری اند؛ زیرا، باید بتوان میان نظریه و عمل پیوند زد.

تعهد قوی سبب تجمیع انرژی در وجود شما می‌شود، زیرا که دغدغه شما در راستای تبدیل شدن به کارشناس روابط بین‌الملل، سبب مطالعهٔ بی‌وقفه شما و آگاهی از جنبه‌های گوناگون موضوعی می‌شود که خواهان فهم درست آن استید.

دکتورا نیز سبب می‌شود تا شما از یک سو با ادبیات گوناگون آن علم آشنا شوید، و از سوی دیگر به شما این امکان را می‌دهد تا بتوانید مسائل و رخدادهای زیادی را به‌صورت روش‌مند دنبال کنید. هم‌چنان گرفتن دکتورا شما را در یک حوزهٔ مطالعاتی کارشناس ساخته و توان خلق آثار جدیدی را می‌دهد. پس داشتن تعهد نیرومند و گرفتن دکتورا دو نیاز بنیادین اند.

---

۱. Martin Shaw، نظریه‌پرداز دیالیکتیک جنگ و دولت‌های جهانی، استاد دانشگاه مطالعات بین‌المللی اسپانیا.

کتاب پایهٔ شمارهٔ سی‌وششم

چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟

مارک دافیلد[۱]
برگردان: جاوید حامد

با توجه به تغییرات منابع مالی تحصیلی به‌طور مثال در انگلیس، جواب کوتاه برای این پرسش "پول هنگفت" خواهد بود. جدی‌تر از آن که من به کار ساحوی، کاوش‌گری (پرتلاش) یا هر آن‌چه بنامید اعتقاد زیادی دارم و افزون برآن، زبان جزمهم کاوشگری در فرهنگ ها و کشورهای متفاوت می‌باشد.

امروز ابزار و وسایل فزآینده‌یی در تحقیقات مقطع دوکتورا وجود دارد که در کاهش خطرات، کوتاه‌سازی دوره کار ساحوی، ازدیاد زمان برای توسعه میتودهای تحقیقی و آموختن زبان توسط تعداد کم از دانش‌جویان کمک می‌نماید. در بسیاری از موارد دانش و تجارب در کشورهای توسعه‌نیافته منجمد باقی مانده که خود پاردوکس عصر اطلاعات می‌باشد. به اندازه‌ای که اطلاعات بیش‌تر در گردش باشد به همان اندازه کتمان یا چشم پوشی از وضعیت حقیقی در محول ما صورت خواهد گرفت. طوری‌که پالیسی امنیت ملی کشورهای لیبرال مانند پارونویای ملی عمل نماید.

---

۱. Mark Duffield، کارشناس امنیت انسانی و مداخلات لیبرالی، استاد دانشگاه بریستول.

کتاب پایهٔ شمارهٔ سی‌وهفتم

نظریه اجتماعی سیاست بین الملل

مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی

تألیف:
الکساندر ونت

ترجمه:
حمیرا مشیرزاده
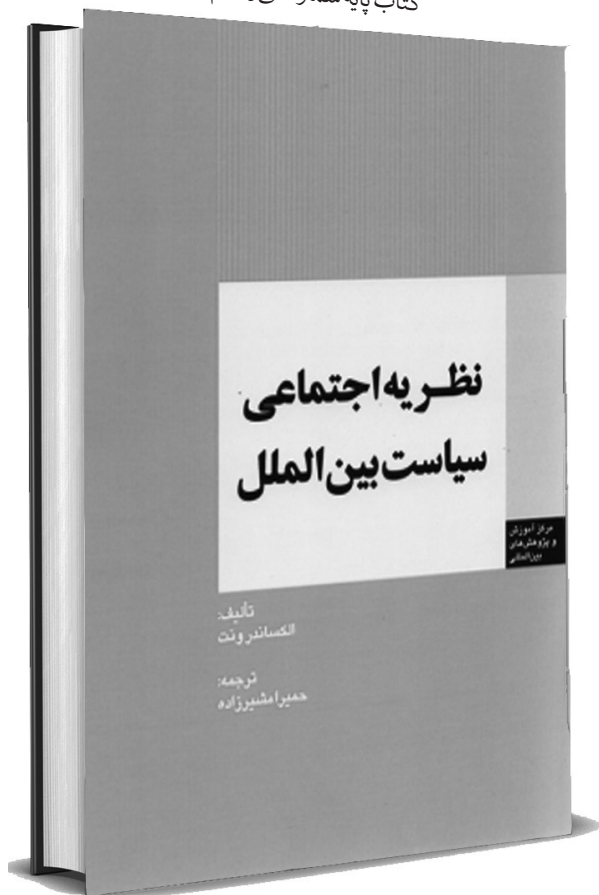
چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟

مایکل شاپیرو[۱]
برگردان: محمد مسعود رسا

پیشنهاد من این است که کارشناس روابط بین‌الملل نشوید، زیرا این تخصصی است که از نظر عقلی مورد چالش قرار می‌گیرد؛ به تعبیر دانشمندان هم‌چون تورشتاین ویبلان «این یک آموزش‌دیده ناتوان است».

از همین‌رو کسانی که می‌خواهند از مجرای آموزش‌های انتقادی غالب دنیای پیرامونی خود را ایجاد کنند، باید فاصلهٔ اساسی و بنیادین را کسب کند، باید به دنبال آموزش‌های فرعی و جزئی باشد. «آن‌چه که ژاک رانسیر آن را «بی انضباطی» یا «عدم نظم می‌خواهند». همان‌طور که رانسیر می‌گوید، «تفکر رشته‌ای» نوعی تفکری است که رشته‌ها را می‌شکند، تا از توزیع قلمروهای (رشته‌ای) جلوگیری کند.

«چه‌کسی واجد چنین شرایط است». پاسخ من برای آن‌هایی که فکر می‌کنند درک تحقیق انتقادی دشوار است، این است که درک و فهم مسائل باید دشوار باشد. ما تا هنوز درک نکردیم که فهم مسائل این‌قدر هم آسان است.

---

۱. Michael Shapiro، کارشناس قدرت و فلسفه‌ی سیاست در روابط بین‌الملل، استاد دانشگاه هاوایی.

به نقل از یکی از گفتارهای مکرر ژیل دلوز؛ هدف نهایی آن است که: «مزیت مقاومت در برابر گفتمان‌های رشته‌ای این است که فرد بیش از آن که صرفا چیزها را تشخیص دهد، به فکر فرو می رود و تفکر مستلزم ابداع مفاهیم جدید، زاویهٔ دید جدید و تولید برخوردهایی بین نهادها است که جهان مشترکی ندارند».

برای نمونه، نویسندهٔ مکزیکی، کارلوس فوئنتس به این نتیجه رسید که جهان بیش از یک عمل زمانی، عمل می‌کند. وی هنگام رانندگی با دوستانش در بخش مورلوس مکزیک، راه را گم کرد و از یک دهقان نام دهکده‌ای را که تازه وارد آن شده بود و در آن جا توقف کرده بود، پرسید.

مرد دهقان در پاسخ به این پرسش گفت: این دهکده دو نام دارد،زیرا در زمان صلح آن را به نام«سانتا ماریا» یاد می‌کردند، مگر در زمان جنگ آن را به نام «زاپاتا» نام‌گذاری کرده بودند. بنابراین، فهم و درک اتفاقی که فوئنتس در آن لحظه از پاسخ مرد دهقان به دست آورد، این بود که ببیند «در جهان بیش از یک باور یا پندار وجود دارد»، غیر از آن پنداشت‌ها و باورهای است که برای دولت‌های حاکم اهدا شده است.

در نهایت، برای کارشناس شدن روابط بین‌الملل نیاز به ابداع مفاهیم نوین از زاویهٔ‌های جدید هم‌راه با آموزش‌های اندک است که باید فرا گرفته شود.

چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟

مایکل ویلیام[۱]
برگردان: احمد زبیرصلاحی

از دید من به دو چیز نیاز است: نخست، گفته‌ای از هگل را یادآور می‌شوم: «هیچ دست‌آورد بزرگی بدون شور و اشتیاق به‌دست نمی‌آید». نکته دوم، ترکیبی است بین تمایل به تفکر گسترده همراه با زیرپرسش بردن مقوله‌های اساسی. مگر این کار باید با روش متمرکز صورت گیرد و این نیاز به دقت زیاد و سخت‌گیری دارد، تا مبادا به سادگی از یک نکته به نکته‌ی دیگر برود. ازاین‌رو، نظریه‌های کلاسیک را فوق‌العاده مفید می‌یابم: اگر مجبور به گرفتاری با «لویاتان» هابز، «پدیدارشناسی جان» هگل، «نقد عقل محض» امانوئل کانت، و یا شاید «سرمایه» کارل مارکس شوید، این دغدغه یک سفر فکری باورنکردنی همراه با مجموعه‌ای از پرسش‌های سیاسی بوده و در نهایت تعهدی است به مباحثه جدی. اگر بتوانید در هر دو سطح کار کنید، به آن‌چه خلاقیت واقعی می‌دانم نزدیک می‌شوید و این خلاقیت متفاوت از آن است که به‌گونه‌ی ساده مطالعه کرده‌اید و یا درگیر با روش‌ها و مدل‌های جدید در رشته‌ی علمی بوده‌اید.

---

۱. Michael Williams، کارشناس شرکت‌های خصوصی امنیتی، مجامع امنیتی جهانی و افریقا.

کتاب پایهٔ شمارهٔ سی‌وهشتم
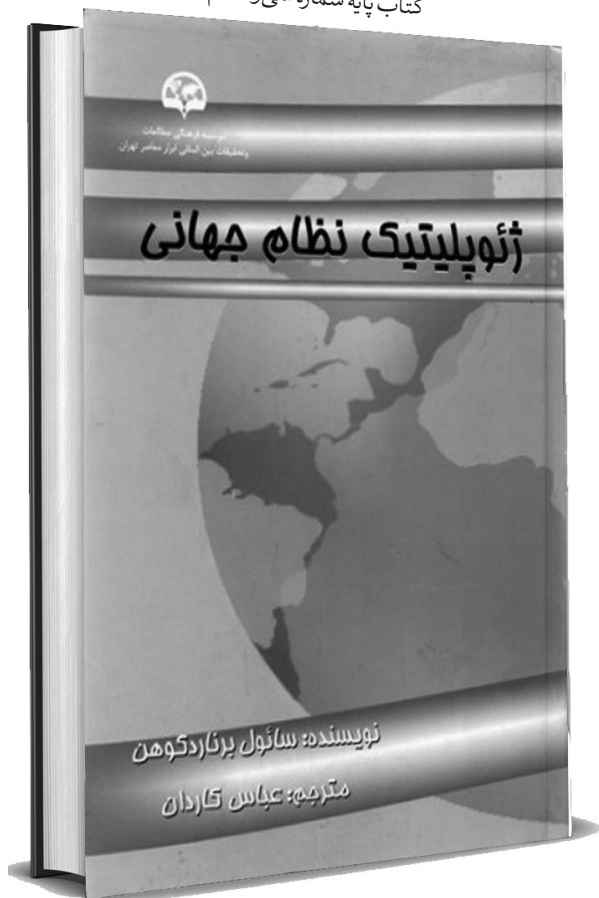
چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟

مِری کینگ[1]
برگردان: رنا شیریار اندر

یک از نیازمندی‌ها برای دانستن بهتر روابط بین‌الملل آگاهی از علم جغرافیا است. یکی از خلاها در این مورد حذف کردن مضمون جغرافیا از مکاتب ایالات متحده امریکا می باشد. این مضمون در هر سطح تدریس می‌گردید، از کودکستان شروع تا سطوح بالاتر. مگر حالا این مضمون در عنوان علوم اجتماعی ذوب شده است. شما تعجب خواهید کرد که چقدر جهل جغرافیایی وجود دارد و چگونه بر مردم تأثیر گذار است. این تنها امریکا نیست که در جهل جغرافیایی گرفتار است، بسیاری از کشورهای دیگر نیز چنین است. چه خوب است که جغرافیا را از دوره دبیرستان / لیسه جدی گرفته و در آموزش آن برای دانش جویان تلاش کنیم. یک نمونه می‌تواند نشان دهد که این موضوع تا چه اندازه نیاز است.

من سال‌ها در هیئت مدیره یک سازمان داوطلبانه خصوصی غیرانتفاعی مشهور بین‌المللی خدمت کردم و منشی را به یاد دارم که فکر می‌کرد افریقا یک کشور است. این ساده نیست - اگر شما نام قاره‌ها، کشورها، مناطق و تاریخچه سیاسی و اقتصادی

---

۱. Mary King، پروفیسور مطالعات صلح و منازعه در دانشگاه صلح ملل متحد.

را نفهمید، فکر کردن در مورد جهان دشوار است. چرا اندیشه در زمان و مکان شکل می‌گیرد. درک ضعیف هریکی از این دو، فهم ناقص را سبب می‌شود که به نوبهٔ خود نتایج منفی در بررسی‌های علمی در پی دارد.

دوم، دانش‌جویان باید برخورد متقابل داشته باشند. هیچ کشور کاملی وجود ندارد. هیچ موضوع بدون مشکلات حل‌نشدنی در جهان ما وجود ندارد. برای نمونه، هیچ جامعه‌ای مشکلات جدی نابرابری جنسیتی را که مانع همه بخش‌های زندگی است، حل نکرده است. هر جامعه‌ای مشکلاتی دارد که باید برطرف شوند و این یک روند ثابت را ضروری می‌کند.

پس کاری که می‌توان کرد این است که ما یاد بگیریم تعاملات مثب و سازنده با بقیهٔ جهان داشته باشیم. تعاملاتی که مبارزه برای از بین بردن مسائل مشترک جهانی و منطقه‌ای را برای ما انسان‌ها آسان می‌سازد.

بنابراین هریک از ما باید در حالتی قرار داشته باشیم که در آن هر ملتی بتواند حفظ محیط طبیعی، نحوهٔ نظارت و حمایت از حقوق بشر، انتقال از سیستم‌های خودکامه به سیستم‌های دموکراتیک، اولویت توانمندسازی زنان و غیره را حفظ کند. در این حالت، مفاهیمی چون داشتن و یا نداشتن برتری، ارزش بسیار پایینی دارند.

چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟

مری کلدور[۱]
برگردان: خان‌محمد خوش‌فطرت

همان‌گونه که در تجارب من می‌بینید، کنش‌گرایی بسیار مهم است. در ضمن چگونگی عمل‌گرایی نیز مهم است. کاملاً برخلاف دیدگاه عمومی دانشگاهی که باورمند هستند، اگر بسیار سیاسی باشید، کم‌تر عینی‌نگر خواهید بود، فکر می‌کنم عمل‌گرایی شما را مجبور می‌سازد که بسیار عینی‌نگر باشید. به‌دلیل این‌که شما باید استدلال‌های خود را درست بگیرید و نمی‌توانید آن‌ها را به دل‌خواهٔ خود بچرخانید. شما می‌توانید همیشه در معرض چالش‌های عمومی کشیده شوید، مگر در ارتباط به عمل‌گرایی توانایی بازتاب‌پذیری در کارها وجود دارد و بازتابندهٔ کارهای است که انجام می‌دهید، یعنی آن‌چه درست / نادرست انجام می‌دهید. به‌طور خلاصه، فکر کردن در مورد اندیشه‌ها و باورهای‌تان بسیار انتقادی باشد. خود را به‌جای دیگری تصور کنید. این بستگی محکم به آن‌چه که من به عنوان چالش سازندهٔ روابط بین‌الملل یاد کردم، مرتبط است: مردم چگونه تصمیم می‌گیرند؟ واقعاً تغییر از کجا ناشی

---

۱. Mary Kaldor، کارشناس مهندسی جنگ، مجتمع نظامی- صنعتی و امنیت انسانی، استاد مکتب اقتصادی لندن.

می‌شـود؟ نهادهـا و سـازمان‌ها در کجـا موقعیـت دارند؟

یک دیدگاه سـنتی وجـود دارد که تغییر از بالا بـه وجود می‌آید، این‌کـه رهبـران تصمیـم می‌گیرنـد، سیاسـت‌ها را تغییـر می‌دهند و ایـن دیـدگاه بـه ایـن باور اسـت کـه رهبران بـه سـادگی تصمیم گرفتنـد کـه جنگ سـرد به پایـان رسـیده باشـد. من فکـر می‌کنم در واقـع تغییر مجموعـه‌ای از عملکردهـای خرد و ریزی اسـت که از طریـق کنـش قیاسـی، گفت‌وگـو و اسـتدلال شـکل می‌گیـرد؛ همان‌گونـه که مـردم در مـورد موضوعی صحبت می‌کننـد. رهبران نمی‌توانند جنگ سـرد و یا جنگ علیه تروریسـم را حفظ کنند- در صورتی که هیچ‌کس به استدلال‌شـان باور نداشـته باشـد- چنین اندیشـه‌هایی به شـکل وسـیعی باید توسـط جوامع حمایت شـده باشـد. ببینیـد، بـرای نمونـه، در مـورد تغییـر اقلیم هر کـدام چطور دیدگاه‌های شـان را تغییـر داده‌انـد. ایـن بـه ایـن دلیل نیسـت که برخی از سیاسـت‌مداران چنین تصمیم می‌گیرنـد؛ به عبارت دیگر سیاسـت‌مداران وادار بـه این کار می‌شـوند.

برای یک دانشـجو بسـیار مهم اسـت که محصـور روایت‌های جـذاب سـازمان‌یافته در مورد سیاسـت‌های جهانی نشـود، بلکه تـلاش کند در مـورد جریان‌های تا حد ممکـن از نزدیک ژرف‌نگری کنـد. دیـدن بازیگـران در عمل شـمار را مجبـور می‌سـازد که خود را بـه جـای آن‌هـا قـرار دهید و ایـن، بـه نوبـهٔ خـود، درک عمیق از واقعیت‌هـای سیاسـی و اجتماعـی را ایجـاد می‌کند.

چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟

مریشیا زاولسکی[۱]
برگردان: پرویز خلیلی

روابط بین‌الملل را به روش مرسوم انجام ندهید. روابط بین‌الملل متعارف تمایل دارد که کار با «جهان» را از هر چیزی به یک نوع فراگیر کاهش دهد. در صورت امکان به کشورهای مختلف بروید و زندگی کنید. به رشته‌های مختلف نگاه کنید، مانند جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، سیاست، فلسفه، ادبیات و غیره برای این‌که یک دانشجوی خوب روابط بین‌الملل باشید، به‌طور متناقضی، باید از دسته‌های ثابت روابط بین‌الملل خارج شوید.

من می‌دانم که تشخیص این‌که کجا باید جست‌وجو شود، دشوار است؛ به ویژه این‌که جریان اصلی تمایل دارد دانش‌جویان را با دسته‌بندی‌های زیبایی که ارائه می‌دهد، بفریبد. مگر این بخشی از ماجراجویی شادی‌آور کشف فکری است. تدریس برنامه‌های درسی را باید واقعاً یاد بگیرد که با این رویکرد نوآورانه و تعاملی در زمینه‌ی آموزش، که دانش زمینه‌ها یا حوزه‌های مختلف تجربه‌ی انسانی ما را درگیر می‌کند، کار کنید: پیوند تئوری با عمل سیاسی را از یاد نبرید.

---

۱. Marysia Zalewski ، کارشناس بی نظمی ناشی از مردانه‌سازی روابط بین‌الملل، استاد دانشگاه.

کتاب پایهٔ شمارهٔ سی‌ونهم

چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟

مِریم ایلمن[1]
برگردان: اجمل بهمنش

پیشنهاد می‌کنم که دانش‌جویان روابط بین‌الملل معاصر(و مطالعات امنیتی به طور خاص) دانش و مهارت‌های وسیع‌تر و خارج از حوزه‌ی روابط بین‌الملل را باید فرا بگیرند، که این شامل دانش سیاست‌های مقایسه‌ای و امریکایی،نظریه‌های سیاسی، و حتی فراتر از آن، شامل علوم سیاسی و در کل علوم اجتماعی می‌شود.

برای این‌که نظریه با پالیسی مرتبط شود، دانشمندان روابط بین‌الملل باید با انسان‌شناسان، مورخان، دانشمندان علوم دینی، روان‌شناسان، جامعه‌شناسان، اقتصاددانان و دانشمندان در سایر رشته‌های متوسل شوند. این بدان معنا نیست که ما دانشمندان روابط بین‌الملل باید در رشته‌های مشترک تحصیلی را فرا بگیریم و یا فقط برای مجلات میان‌رشته‌ای بنویسیم. مگر باید از کارهایی که در زمینه‌های دیگر انجام می‌شود، آگاهی داشته باشیم، تا بتوانیم از بینش‌های دیگر حوزه‌های مطالعاتی استفاده کنیم و در ایجاد نظریه‌های خود؛ جمع‌آوری شواهد برای آن‌ها؛ و ارائه پاسخ‌های مرتبط به پالیسی و پرسش‌های مرکزی

---

۱. Miriam Elman، نظریه‌پرداز توسعه و روابط بین‌الملل استاد دانشگاه ساراکس.

جنـگ و صلح بهتر عمـل کنیم.

هـر زمانی‌که بـه کنفرانس‌هـای تخصصی علوم سیاسـی می‌روم، بـرای نمونـه APSA یـا ISA همـواره متوجـه می‌شـوم کـه بسـیاری از ما خیلی بسـته و محدود به حوزهٔ خاص خود هسـتیم. مگـر بهتریـن آموزه‌هـای روابـط بین‌المـلـل امـروزه توسـط افـرادی نوشـته می‌شـود که از نظر فکری در مورد کارهای رشـته‌های مرتبط کنجکاو هسـتند.

نظریه‌پـردازان روابـط بین‌المـلـل، ماننـد دانیـل فیلپـوت، رز مکدرمـوت و ریچـارد نـد لبو، از جمله کسـانی هسـتند که بیش‌تر ایـن نـوع کارهـای میان‌رشـته‌ای را انجـام می‌دهنـد. حداقـل دانسـتن این‌که دانشمندان در سایر رشـته‌ها چگونه به موضوعات مشـابه می‌پردازنـد، می‌توانـد زمینه کاربـرد درسـت قوانین صنفی و سـازوکارهای پـاداش را در رشـته‌های فرعـی روابـط بین‌المـلـل و به‌طـور کلی رشـته علـوم سیاسـی، فراهـم نماید.

وقتـی بـه کارهـای نظریه‌پـردازان بـزرگ نـگاه می‌شـود، دیـده می‌شـود کـه خلاق‌تریـن و نوآورتریـن آن‌هـا کسـانی بودنـد کـه از رشـته‌های دیگر بـه روابط بین‌المـلـل آمده‌اند. کسـانی مانند والتز، از اقتصـاد؛ کان، از فیزیـک؛ جرویـس، از روان‌شناسـی؛ ویـور، از زبان‌شناسـی و فرهنـگ؛ و دیگران نیز یا رشـتهٔ خود را تغییـر داده و بـه روابط بین‌الملل آمـده بودند و یا یک یا چند حـوزهٔ دیگر در کنار رشـتهٔ روابط بین‌المـلـل مطالعـه می‌کردند.

چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟

مایکل دویل[۱]
برگردان: بصیر یوسفی

صرف‌نظر از این‌که همه چیز به دانشجو تعلق دارد، در حقیقت این خیلی ساده است: اگر می‌خواهید یک شخص اکادمیک باشید، فقط یک دکتورا بدست آورید و سخت کار نمایید.

چون دکتورا فرصت‌های شغلی زیادی را در عرصه روابط بین‌الملل و کار علمی به شما فراهم می‌کند و کار سخت کردن در مورد خاص، مهارت‌های شما را تقویت می‌نماید. در کنار آن، کار زیاد در یک عرصه شما را با تمامی ادبیات آن حوزه آشنا نموده و در هنگام کتاب‌شناسی و بررسی پیشینهٔ پژوهش از اتلاف وقت جلوگیری می‌نماید. چون در صورتی که در حوزهٔ تخصص‌تان کتاب‌شناس نباشید، نمی‌توانید زمان را مدیریت کرده و استفادهٔ بهینه نمایید.

مگر اگر می‌خواهید هم درنظریه و هم عمل دخیل باشید، باید در مسائل جهانی- واقعی نیز دخیل باشید. از یک جهت، پژوهش‌گر (اکادمیک بودن) امکاناتی را فراهم می‌سازد، چون شما می‌توانید رخصت بگیرید که در آن مدت می‌توانید وقت خود را به کارهای دیگر تخصیص دهید.

---

۱. Michael Doyle، نظریه‌پرداز روابط بین‌الملل، استاد دانشگاه کلمبیا.

کتاب پایهٔ شمارهٔ چهلم
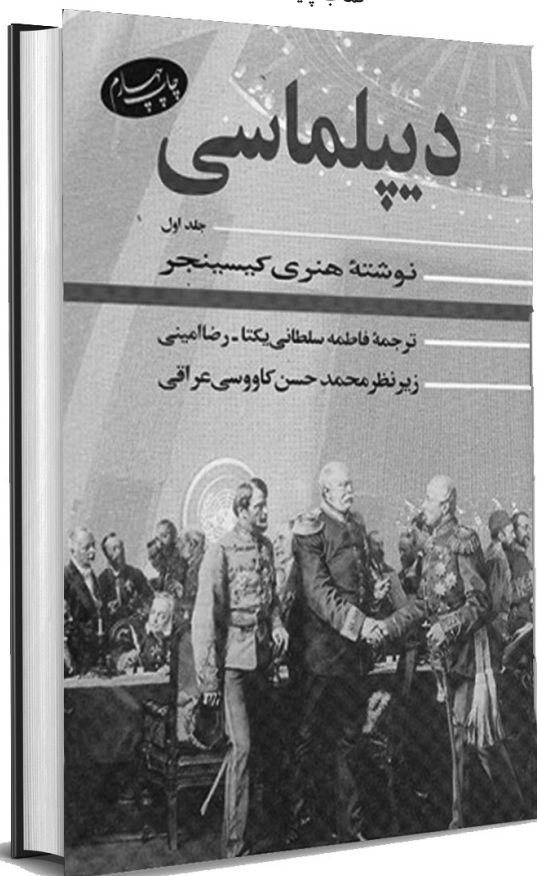
چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟

نِد لیبو[۱]
برگردان: مومنه حافظی

من اغوا می‌شوم که به شما یک پاسخ شک‌آور ارائه کنم که یک کارشناس شخص بیرون و یا خارج از شهر است. آن‌چه در گذشته با سلایدها از آن استفاده می‌شد، اکنون با پاورپاینت ارائه می‌شود.

من سریعا فکر می‌کنم شما باید دو کار انجام دهید: اول این‌که، شما باید از یک‌سو پیچیده، تحلیلی و اصیل باشید؛ مگر برای انجام این کار خوب باید یک پایهٔ تجربی داشته باشید. شما باید آستین‌های خود را بالا بزنید؛ داده‌ها را زیر نظر بگیرید و با افرادی که در دنیا هستند و برای انجام این کارها تلاش می‌کنند، با چالش یا مجموعه‌ای از چالش‌ها روبه‌رو و یا مواجه شوید.

شما باید در داخل دانش تجربی به چهار سمت (پس و پیش؛ بالا و پایین) بروید؛ «درک پیشینهٔ تحقیق- دیدگاه‌های عصر کنونی» یکی از معانی این موفقیت به عنوان یک دانشمند اجتماعی پنداشته می‌شود.

---

۱. Ned Lebow، نظریه‌پرداز نظریه فرهنگی و روابط بین‌الملل؛ روباها و خارپشت‌ها، استاد دانشگاه کینگ کالج لندن.

به‌گونهٔ سنتی، همیشه کلید یا راهی دیگری نیزوجود دارد: شما باید یک پای در جامعه‌ای که متعلق به آن هستید و یک پای دیگر در خارج از آن داشته باشید، تا بتوانید این کار را به عنوان یک فرد خارجی و هم‌چنین یک خودی انجام دهید. این خیلی مهم است.

من فکر می‌کنم امریکایی‌ها نسبت به سایر مردم جهان محروم‌تر اند، آن‌ها خودی‌های خوبی هستند، مگر افراد خارجی خوبی نیستند و بقیهٔ مردم دنیا را خوب درک نمی‌کنند. وقتی می‌خوانید، آن‌چه در مورد دیگران می‌نویسند، شگفت‌زده می‌شوید که این‌ها در کدام سیاره زندگی می‌کنند. اگر بقیه جهان را نمی‌توانید ببینید، نمی‌توانید از منظر دیگران به امریکا نگاه کنید. این مانند افرادی است که هژمونی را جدی می‌گیرند. مثل این است که به بابا نوئل ایمان داشته باشید، جز این‌که بابا نوئل مهربان است.

به دست آوردن یک تجربه عمیق از جهان به‌خودی خود یک پیش‌نیاز است. یک سال در خارج از کشور در برخی از فرهنگ‌های دیگر انجام دهید، یک زبان خارجی یاد بگیرید و با کسی از فرهنگ‌های دیگر رابطه برقرار کنید. شما شروع به یادگیری زبان‌ها می‌کنید و متباقی می‌آیند و راهی شما را می‌پیمایند و این آغاز و یا شروع کار است.

چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟

نیکولاس انوف[۱]
برگردان: مصطفی عاقلی

این پرسش برای من فنی است. همان‌گونه که گفته‌ام، من به رویدادها دل‌خوشی ندارم (چه به عنوان یک چارچوب نظری و چه به عنوان واقعیتی که اتفاق می‌افتد. بیش‌تر دوستان و همکاران اکادمیک من مجذوب رویدادهای فعلی هستند).

هرچند گاهی آن‌ها را وابسته به یک منبع خبری یا منبع دیگری پیدا می‌کنم. دانش‌جویان نیز این گونه هستند و روشن است که باید باشند. بیش‌تر مردم در این زمینه مهارت دارند که در رویدادها شرکت کنند، چه به عنوان موارد و چه به عنوان الگوهای دست‌کاری شدهٔ آماری. یادگیری مهارت‌های مناسب زمان و آموزش زیادی نیاز دارد. در همان زمان، دانش‌جویان هم‌چنان نیاز به نظریه دارند (تصویر بزرگ فکری) و از دید من در پس هر تصویر کلی مسائل فلسفی نهفته است.

نظریه اغوا کننده است. من در سن ۱۹ سالگی اغوا شده‌ام و هرگز از پس آن برنیامدم. با تغییر استعاره‌ها، من همیشه به دانش‌جویان دکتورای خود گفتم که تسلیم اشکال نظریه

---

۱. Nicholas Onuf، نظریه‌پرداز ساختارگرایی اجتماعی در روابط بین‌الملل، استاد دانشگاه فلوریدا.

نشـوند، حداقل به جزآن‌چه من فقط «سـاختار ماهرانـه رخدادها» نامیـده‌ام. به سـخن دیگر، ایـن کار را بـه روش من انجـام نده (من خوش‌شـانس بـودم تا یـک راه بـرای آن پیـدا کـردم). دانش‌جویان باید خیلی دوسـت داشـته باشـند که برای مدت زیادی با رضایت انـدک و فـوری کار کنند.

ماکیاولی گفـت که جنگ‌جویان باید با انضباط و سرسـخت باشـند. مـن بـه دانش‌جویـان دکتـورای خـود می‌گفتم، شـما باید «افـراد جنگ‌جو» باشـید. اگرمتناسـب بـا این ویژگی‌ها نیسـتید، حرفهٔ دیگری پیـدا کنید.

***

در یک سـخن، برای کارشـناس شـدن در روابط بین‌الملل باید دانشـجو ماننـد سـرباز و جنگ‌جو بـوده و زیـاد درگیـر رویدادهای اطراف نشـود. نباید نظریه‌هـای بزرگ آن اغوا نماینـد. او باید جهان را از دریچـه دیگـر؛ به‌ویـژه به روش منحصـربه فرد خـودش ببیند. مگـر ایـن به معنای آن نیسـت کـه به نظریه علاقه نداشـته باشـد. در کنـار فهم نظریه اصالت داشـتن و دنبال کردن نـوآوری خود فرد می‌تواند از آن یک دانشـمند و کارشـناس بسـازد.

چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟

یان ژدون[۱]
برگردان: مرسل سیاس

از این پرسش خوشم آمد. می‌خواهم به دو نکته اشاره کنم. نخست: من برخی از دانش‌جویان هندی را تشویق می‌کنم که از الگوی‌های خودمانی پیروی کنند؛ و روابط بین‌الملل را از منظر تاریخ باستانی و باستان‌شناسی خودشان فرا بگیرند. هندوستان دارای تفکر سیاسی بسیار سنتی می‌باشد که به دوران باستان برمی‌گردد. مگر در حال حاضر می‌بینیم که نظریه‌های روابط بین‌الملل همه از فرهنگ غربی گرفته شده است.

به نظر من، اگر بخواهیم نظریه‌های غنی‌تر و پیش‌رفته‌تری را در روابط بین‌الملل داشته باشیم، باید محققان و دانش‌جویان را ترغیب کنیم تا نگاه عمیق‌تری به فرهنگ، دانش، فلسفه و نظریه‌های سیاسی خودمان داشته باشند؛ چنان‌که امیتا آچاریا و دیگران استدلال کردند. چون که این نوع مطالعات به شدت کم است. مطالعات نظری روابط بین‌الملل عموماً متکی به فلسفه اروپایی است. تعداد بسیار اندکی از محققان روابط بین‌الملل علوم فلسفهٔ چینی را می‌خوانند. وضعیت در هندوستان هم به همین منوال است. هندی‌ها تاریخ بسیار بلندی دارند،

---

۱. Yan Xuetong، کارشناس واقع‌گرایی چینی، استاد دانشگاه سینگوا.

بنابرایــن دانش‌جویان هنــدی و هم‌چنیــن دانش‌جویــان امریکای لاتیــن می‌توانند از نظریات ســنتی خود در نظریــه روابط بین‌الملل اســتفاده کننــد. مــن معتقــدم که ایــن می‌توانــد نظریه‌هــای نوین روابــط بین‌الملــل را غنی و توســعه دهد.

دوم: این‌کــه، بیش‌تــر رویکردها روش‌شــناختی انــد. من خودم بــه روش‌شناســی علمــی بــاور دارم و بــدان پای‌بنــدام، به‌همیــن دلیــل دانش‌جویان را تشــویق می‌کنم کــه مطالعــات اثبات‌گرایانه (پوزیتیویســتی) انجــام داده و از روش علمــی پیــروی کنند.

مــن بــا روش‌هــای دیگــر مخالفتــی نــدارم، اگــر آن‌ها بــه روش دیگــری نظریــهٔ محکــم ایجــاد کننــد، مــن از آن‌هــا در تلاش‌شــان حمایــت می‌کنــم. من شــخصاً معتقــدم، روش‌هــای علمی بیش از هــر روش دیگــر موثرتــر اســت. زیــرا، روش‌های علمــی بیش‌تر به شفاف‌ســازی نظریه کمــک می‌کند؛ به‌ویژه، امــروز علوم اجتماعی تنهــا بــه مطالعات کیفــی نمی‌تواند ماهیــت روابط بین انســان‌ها، جوامــع یا ملت‌هــا را مطالعه کننــد. باید از روش کمی نیز اســتفاده شــود. این بدین معناســت که مــا نه‌تنها تفــاوت در ماهیت، بلکه بایــد تفاوت در روش پژوهــش و تفاوت درجه‌ها را نیز بررســی کنیم. در یــک ســخن: پرداختــن بــه فلســفه و تاریخ باســتان خــود، فهم روش‌هــای اثبات‌گرایانــه و اســتفاده از روش‌هــای پژوهــش کمــی و کیفــی توصیه می‌شــود.

نتیجه

چگونه کارشناس روابط بین‌الملل شویم؟ ۷۵ دانشمند و کارشناس علوم سیاسی و روابط بین‌الملل پاسخ‌های متفاوتی ارائه کرده‌اند؛ مگر می‌توان نکات کلیدی سخنان آنان را به‌گونه‌ای بیان داشت که روح کل محتوا صدمه نبیند. مسألهٔ مهم برای دانشمند شدن که اکثر این اندیش‌مندان به آن اشاره کرده‌اند، فهم علوم اجتماعی است. علوم اجتماعی به شما کمک می‌کند تا در سطح وسیعی بیندیشید. برای این کار لازم است مطالعهٔ زیادی انجام دهید، زیرا که مطالعهٔ علوم اجتماعی با این همه نظریه‌ها و روش‌های پژوهش دشوار است؛ چون باید بسیاری از متون را خواند و به مقایسهٔ آن‌ها دست یازید. علوم اجتماعی که این دانشمندان از آن‌ها به‌گونهٔ مشخص نام برده‌اند، این موارد را شامل می‌شوند: اقتصاد، تاریخ، جغرافیا، فلسفه، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی و هنرها. برای این‌که این همه دانش را پی بگیرید، به شور و شوق زیادی نیاز دارید؛ شوری که از دغدغهٔ زندگی علمی برمی‌خیزد، ولی اگر کمی شکیبا باشید، این شور می‌تواند صدای شما را به کالا تبدیل کند؛ کالایی که می‌تواند از شما در رشتهٔ خودتان یک ستاره بسازد.

مگر این کافی نیست؛ ممکن است شما بسیاری از مهارت‌ها و نظریه‌ها را از علوم اجتماعی فرا بگیرید و به یک ستاره تبدیل شوید، ولی هم‌چنان تنگ‌نظر باشید و در مسیری گام بردارید

که صدها تن آن راه را پیموده‌اند. پس کاری که می‌توانید انجام دهید، درک گفتمان جهان معاصر و گفت‌وگو میان شرق-غرب است، که ذهنیت میان-فرهنگی را در شما به وجود بیاورد. این امر مهم شما را از تنگ‌نظری و کوته‌نگری می‌رهاند. برای رسیدن به این هدف حس کنج کاوی نیاز است، تا پرسش‌های کلیدی را طرح کنید.

پرسش‌های کلیدی سبب می‌شوند تا شما نتوانید پاسخ کامل آن‌ها را در آثار موجود بیابید؛ زیرا آثار موجود مبتنی بر شرایط خاص زمانی و مکانی بوده و نمی‌توانند در زمان‌ها و مکان‌های متفاوت کارآمد باشند. جست‌وجو برای پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و پردازش اندیشه‌های خودتان باعث می‌شود تا تفکر و اندیشهٔ مستقلی در شما شکل گیرد. اندیشهٔ مستقل با پیوند زدن به تاریخ و فلسفه می‌تواند منجر به خلاقیت و نوآوری در زمینهٔ علم روابط بین‌الملل شود. این نوآوری با فهم اصول، نظریه‌ها، مدل‌ها و روش‌های دانش روابط بین‌الملل منجر به کلیت‌نگری در فهم مسائل بنیادین این دانش اجتماعی می‌شود.

برای آزمون نظریه‌ها و فرضیه‌های علمی و پالایش داشته‌های علمی در راستای نیل به تخصص می‌توان یک منطقه را به عنوان میدان آزمون نظریه‌ها، مدل‌ها و روش‌ها بگزینید و آن‌ها را در این منطقه بیازمایید. در این مسیر شهامت اندیشیدن الزامی است؛ نباید از پیامد کار ترسید، تاریخ پر است از کارهایی که تا اندازه‌ای

خودفریبی بودند، ولی منجر به شکل‌گیری معرفت‌های سازنده در علوم اجتماعی گردیده‌اند. برای این‌که بر این مسأله فائق آیید، کار میدانی انجام دهید و کنش‌گر فعال حوزهٔ خود باشید. به منطقه‌ای که انتخاب کرده‌اید، سفر کنید؛ ببینید که چه اتفاقی رخ داده است و یا در حال رخ دادن است. از تعامل نظریه و عمل بهره ببرید؛ از راه دیالیکتیک نظریه و عمل اندیشهٔ انتقادی را در خود پرورش دهید. شما با این تفکر باید از یک سو بتوانید ساختار موجود، به ویژه اقتصاد جهانی سرمایه‌داری را نقد کنید و از سوی دیگر خودبازاندیش بوده و پیوسته خود را مورد ارزیابی قرار دهید، تا زمینه برای تفکر بومی و بروزشده فراهم شود؛ تفکری که بتواند مسائل جدیدی را در روابط بین‌الملل توضیح دهد.

نکتهٔ پایانی این‌که: گرفتن دکتورا و یادیگری زبان الزامی است؛ مگر نباید این آموزش‌ها و مهارت‌ها شما را خودشیفته سازد و زمینهٔ یادگیری بیش‌تر را از شما بگیرد. تا جای ممکن ریاضیات و آمار بیاموزید و فروتن باشید. اصالت خود را حفظ و ساده‌سازی را تمرین کنید؛ ساده‌سازی برای نظریه‌پردازی مهم است و این امر می‌تواند راه تجزیه و تحلیل را آسان سازد. برای آن‌که بتوانید مسائل گوناگون را تحلیل کنید، باید مواد خام لازم را داشته باشید. بنابراین باید به‌نگام و بروز باشید. منابع دست اول را در علوم اجتماعی به صورت عام و در روابط بین‌الملل به صورت خاص بشناسید و یک شغل اکادمیک انتخاب کنید.

اگر بخواهیم سخنان ۷۵ متفکر و اندیشمند روابط بین‌الملل را فشرده نماییم، می‌گوییم: دکتورا بگیرید، زبان بیاموزید، سفر کنید، تاریخ و فلسفه به‌ویژه آثار کانت را بخوانید. اصول، نظریه‌ها، مدل‌ها و روش‌های علم روابط بین‌الملل را بدانید و در نهایت امر، جسارت و شهامت ترکیب و ساده‌سازی را داشته باشید.

کتاب پایهٔ شمارهٔ چهل‌ویکم
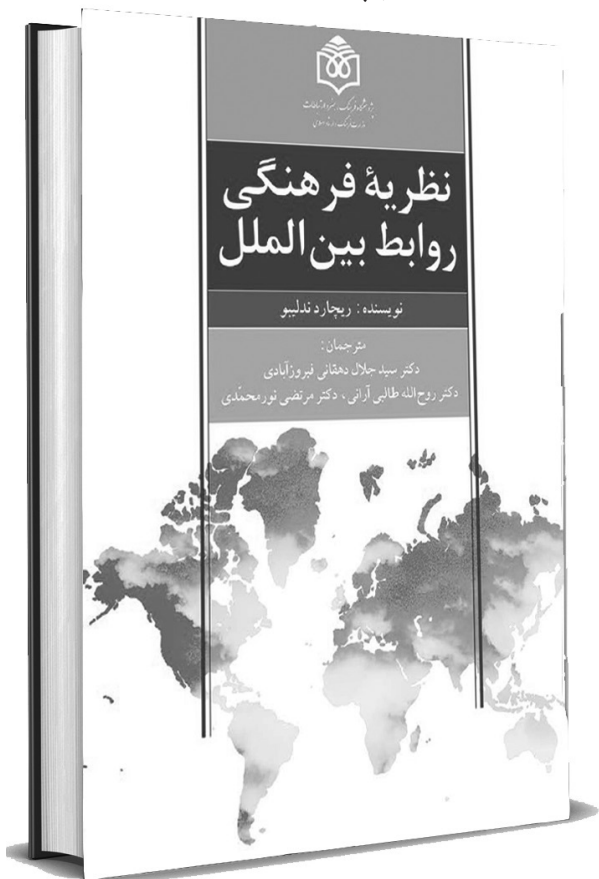
کتاب پایهٔ شمارهٔ چهل‌ودوم
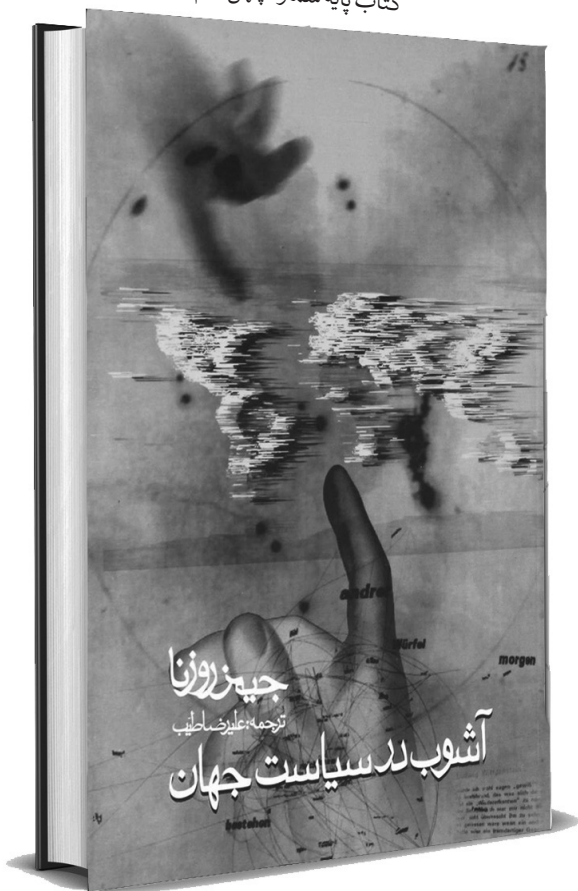
کتاب پایهٔ شمارهٔ چهل‌وسوم

کتاب پایهٔ شمارهٔ چهل‌وچهارم

کتاب پایۀ شمارۀ چهل‌وپنجم
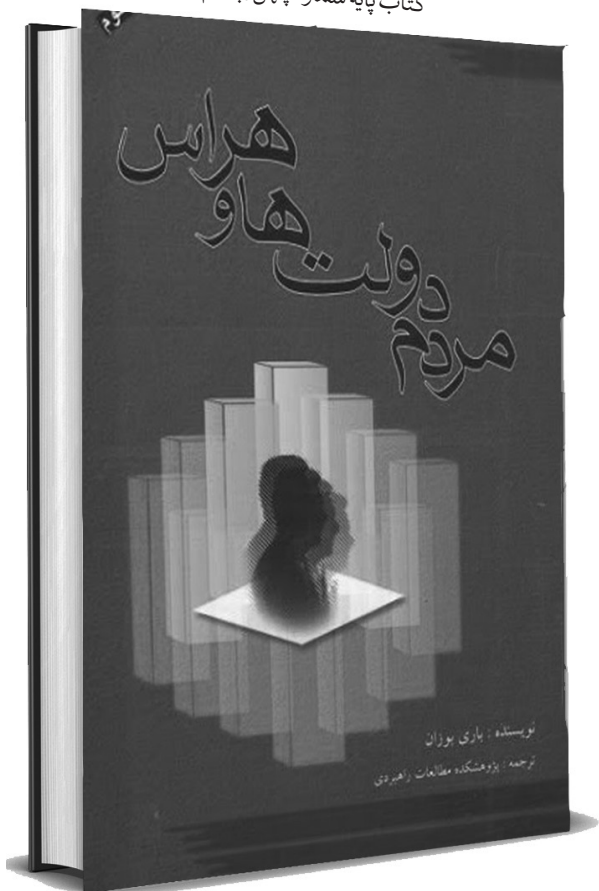
کتاب پایهٔ شمارهٔ چهل‌وششم

کتاب پایهٔ شمارهٔ چهل‌وهفتم
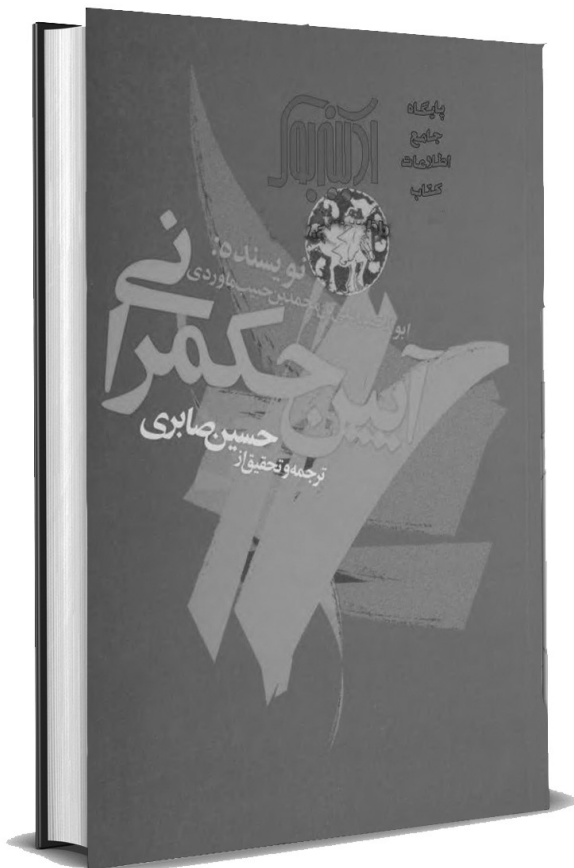
جدول ساده سازی‌شده از متن کتاب

ردیف	دانشمند	توصیه
۱	استفن والت	تاریخ جهان را بخوانید؛ یک منطقه را انتخاب کنید؛ ساده‌سازی را بدانید؛ و روش‌های استنباط عِلی را یاد بگیرید.
۲	ارنت لِجفارت	علوم اجتماعی را فرا بگیرید؛ مطالعات روش‌مند را دنبال کنید؛ مطالعات متمرکز و متون دست اول را بخوانید؛ و در امریکا درس بخوانید.
۳	استفن کراسنر	مهارت‌های چندگانه را بیش‌تر کسب کنید؛ چارچوب‌های نظری را بسیار خوب بدانید؛ و از دانش‌های آماری و بایگان‌های تاریخی بهره بجویید
۴	الکساندر دوگین	فلسفه و جامعه‌شناسی را فرا بگیرید؛ تاریخ و علوم سیاسی را بخوایند؛ با سیاست جغرافیایی و روش‌های آن آشنا شوید
۵	الکساندر ونت	منظم و منطقی فکر کنید؛ با نظریه‌های روابط بین‌الملل آشنا شوید؛ دکتورا بگیرید؛ و سایر رشته‌ها را جدی مطالعه کنید.
۶	امانوئل والرشتاین	تاریخ معاصر جهان را بفهمید؛ پرسش‌های معرفت‌شناسی ایجاد کنید؛ چگونگی عمل‌کرد نظام جهانی سرمایه‌داری را بدانید؛ آثار کلاسیک بخوانید و زبان کلاسیک بدانید؛ و منابع دست‌اول بخوانید.

۷	امیتاو آچاریا	مرزهای سنتی علم را بشکنید؛ در یک یا چند حوزۀ جهان دانش عمیق بدست بیاورید؛ جهان‌بینی غیرغربی را کشف کنید؛ پرسش‌های را پیدا نمایید؛ منطقه‌شانش شوید؛ و مناطق را مقایسه کنید.
۸	ان تیکنر	اقتصاد و تاریخ را خوب بدانید؛ زبان را فرا بگیرید؛ تجربه بیرون‌مرزی بدست بیاورید؛ کنجکاو باشید؛ فلسفۀ علم بدانید؛ نظریه و روش‌شناسی را خوب بدانید؛ و بحث‌های غیرغربی را بدانید.
۹	انتونیو مارکینا	زبان را فرا بگیرید؛ فرهنگ‌های را بلد شوید، شکیبا باشید؛ مطالعۀ گسترده داشته باشید؛ و نگاه چندرشتۀ داشته باشید.
۱۰	ایال وایزمن	مرزهای بستۀ علم را باز کنید؛ معماری بیاموزید؛ به رشتۀ علمی‌تان قداست نبخشید.
۱۱	ایور نیومان	زبان را فرا بگیرید؛ تاریخ بخوانید؛ رویکرد انتقادی داشته باشید.
۱۲	برتراند بِدی	روابط بین‌الملل را به مثابۀ روابط بین‌الاجتماعی بررسی کنید؛ و فراتر از قدرت بیندیشید.
۱۳	بروس بینو دی مسکیتا	توانایی استفاده از ابزار تحلیلی (نظریه، مدل و روش) را کسب کنید؛ و ادبیات سیاسی را بفهمید.
۱۴	بری بوزان	توانا تحلیلی پیدا کنید؛ متمرکز کار کنید؛ از علاقه‌مندی به نظریۀبپرهیزید؛ و نگاه معرفتی التقاطی داشته باشید.
۱۵	بِیت جن	احساس پر شور داشته باشید؛ در بارۀ روابط بین‌الملل تفکر کنید؛ و نظریه‌ها و روش‌ها را بدانید.

۱۶	پاتریک جکسون	میزان دانش اکادمیک خود را بالا ببرید؛ تمرکز شما باید جامع و درازمدت باشد؛ گسترده‌تر از سنت روش‌شناسانه فکر کنید؛ با فلسفه‌های اصلی علم آشنا شوید؛ و به کنفرانس‌های علمی بروید.
۱۷	پنار بلگن	تحقیقات پیش‌رفته انجام دهید؛ نظریه‌های روابط بین‌الملل را بدانید؛ و مطالعات مقایسه‌ای متمرکز انجام دهید.
۱۸	پِترسنگر	واقعیت و تخیل را از هم تشخیص دهید؛ به خود باور داشته باشید؛ و ساختارهای موجود را نقد کنید.
۱۹	پِتر کاتزنشتاین	آسودگی را ترک کنید؛ دکتورا و فوق دکتورا بگیرید؛ و نگاه التقاطی به علم داشته باشید.
۲۰	پِترهاس	دکتورا بگیرید؛ پایان‌نامۀ خوب بنویسید؛ و پرسش‌های خوب مطرح کنید.
۲۱	تیموتی سینکلایر	نظریه‌های کلاسیک را بفهمید؛ و تجربۀ عملی کسب کنید.
۲۲	تیموتی شاو	گفتمان‌ها را بفهمید؛ بدانید که برای هر مسأله تنها یک پاسخ وجود ندارد؛ و نگاه جهانی داشته باشید.
۲۳	تیموتی میتچیل	به عمق فرآیندهای فنی وارد شوید؛ و منطقۀ مطالعات خود را مشخص سازید.
۲۴	جان اگنیو	دولت را بازیگر اصلی بپندارید؛ و در عصر جهانی شدن با سایر بازیگران ارزش قایل شوید.

۲۵	جان میرشایمر	خِرد متعارف را به چالش بکشید؛ کنجکاو و خلاق باشید؛ مطالعه را کار همیشگی بپندارید؛ تاریخ را بفهمید؛ و برای ساده‌سازی انگیزه داشته باشید.
۲۶	جان هابسن	تفکر میان فرهنگی را بدانید؛ توانایی تحلیل میان جوامع غربی و غیرغربی را داشته باشید؛ رشتۀانسان‌شناشی را بفهمید؛ و جامعه‌شناسی تاریخی را بدانید.
۲۷	جنیفرمتزن	نظریه‌های و روش‌های روابط بین‌الملل را بفهمید؛ ایده‌های خلاق داشته باشید؛ و حس کنجکاوی داشته باشید.
۲۸	جوردان برنچ	پر شور باشید؛ پس‌منظر روش‌ها را بدانید؛ رویکردها را به گونۀ وسیع بفهمید؛ و آزاد و آماده باشید تا ذهن خود را تغییر دهید.
۲۹	جوزف نای	واقع‌بین باشید؛ برسازنده‌گرا باشید؛ و کاربست نظریه‌ها را بفهمید.
۳۰	جِری کوهن	مطالعات ژرف و گسترده داشته باشید؛ و نظریه‌ها و مدل‌ها را بفهمید.
۳۱	جیمزاسکات	خودآموز باشید؛ در یک حوزۀ تخصصی کار کنید؛ در سایر رشته‌ها آگاهی پیدا کنید؛ و هدف داشته باشید.
۳۲	جیمزفرگوسن	فروتن باشید؛ به لحاظ معرفتی و روشی تکثرگرا باشید؛ و به مسائل بومی توجه داشته باشید.
۳۳	جیمزفیرُن	دکتورا بگیرید؛ برنامه ریزی کنید؛ و اخبار بخوانید

۳۴	ژان فرانکوس بایارت	چندزبانه باشید؛ پژوهش میدانی انجام دهید؛ متواضع باشید؛ سیاست مقایسه‌ای را بدانید؛ و خشم فکری می‌تواند محرک علمی شما باشد.
۳۵	جیوفری اندرهیل	تاریخ را بفهمید؛ فلسفهٔ سیاسی را بدانید؛ تمام واقعیت‌های ملی و بین‌المللی را زیر نظر داشته باشید؛ آموزش گسترده انجام دهید؛ و مبانی همهٔ علوم را بفهمید.
۳۶	دانیل دودِنی	منصف و متعادل باشید؛ حرفه‌ای باشید؛ روابط شخصی را حفظ کنید؛ و سخت‌کوش باشید.
۳۷	دانیل لِواین	پر شور باشید؛ عاشق نویسندگی باشید؛ پایان‌نامهٔ عالی بنویسید؛ میزان پیچیدگی پروژه را نادید بگیرید؛ و هنر تبدیل کردن صدا را به کالا داشته باشید.
۳۸	دیرک مِزنر	در کشورهای مختلف کار کنید؛ پژوهش‌های میان رشته‌ای انجام دهید؛ و از مرزهای انظباطی عبور کنید.
۳۹	دیوید لیک	کنجکاو باشید؛ علاقه‌مندی داشته باشید؛ تاریخ را ژرف بخوانید؛ روش‌های آماری بفهمید؛ طرح / نقشهٔ پژوهش را بدانید؛ و توانایی کار را در یک سطح نظری داشته باشید.
۴۰	دیوید هاروی	متکی به یک روایت/نویسنده نباشید؛ کتاب‌های نو را جدی بخوانید؛ هدف‌تان را واضح سازید؛ به مباحث نظری توجه کنید؛ و به مسائل عینی و واقعی جهان توجه داشته باشید.

۴۱	رابرت بیتس	رابطهٔ مثب میان علوم اجتماعی و طبیعی (به ویژه ریاضی) ایجاد کنید؛ در منطقهٔ مورد مطالعه سفر کنید.
۴۲	رابرت جرویس	رشته‌های علوم اجتماعی را مطالعه کنید؛ توانایی تغییر دیدگاه‌ها پیدا کنید؛ و واقعیت‌های جدید و ناسازگار را تغییر دهید.
۴۳	رابرت کاکس	تاریخ را بخوایند؛ و کلیت نگر باشید
۴۴	رابرت کوهن	دکتورا بگیرید؛ درگیر مسائل روز شوید؛ و واقعیت‌ها را خوب بفهمید.
۴۵	رابرت هایدن	از رویکردهای رسمی دست بکشید؛ و بدانید که بی‌طرفی وجود ندارد.
۴۶	رابرت وید	کارشناسی ارشد در اقتصاد بگیرید؛ پژوهش میدانی انجام دهید؛ با مسائل روز درگیر شوید؛ و از وضع موجود عبور کنید.
۴۷	ریتاآبراهامسن	علاقه‌مندی داشته باشید؛ فراتر از مرزهای روابط بین‌الملل فکر کنید؛ و ترکیبی بیندیشید.
۴۸	ساسکیا ساسین	روی جریان‌های عرضی تمرکز کنید؛ معلومات تجربی و فن‌آوری بدست آورید؛ حوزه‌های علمی تحت پوشش را باهم خلط نکنید؛ و برای خود معماری ذهنی ایجاد کنید.
۴۹	سنتیااینلوی	به دنبال گفتار دیگران نروید؛ و خود را در موقعیت‌های ناراحت کننده قرار دهید.

۵۰	سیبا گرواوگوی	به اندیشه‌های غیرغربی متمرکز شوید؛ تحلیل‌های با عوامل حیاتی بین‌المللی ارائه کنید؛ به موسیقی و هنردست پیدا کنید؛ به چیستی مسأله توجه داشته باشید؛ و کانت را خوب بخوانید.
۵۱	سیدارت مالاواراپو	کنجکاو باشید؛ متون کلاسیک را بخوانید؛ پژوهش میدانی انجام دهید؛ و زبان را فرا بگیرید.
۵۲	فریدریک سودیرباوم	نظریه و روش را بفهمید؛ پژوهش‌های تجربی و تاریخ انجام دهید؛ با سایررشته‌ها توجه کنید؛ کنجکاو باشید؛ و هم‌زیستی را در جهان پیش گیرید.
۵۳	کارن لتفین	درک منظم از جهان داشته باشید؛ از سایر دانش‌ها استفاده کنید؛ مطالعه گسترده داشته باشید؛ تاریخ را عمیق و نقادانه بخوانید؛ و سازمان‌های بزرگ بین‌المللی را بفهمید.
۵۴	کرستین رویز-سمیت	تاریخ نظام بین‌الملل را بفهمید؛ نظریه‌های را خوب بخوانید؛ ذهن انتقادی داشته باشید؛ و به تغییرتوجه داشته باشید.
۵۵	کلاوز دودس	دکتورا بگیرید؛ بیش‌تر مطالعه کنید؛ درگیر بحث‌های خاص نشوید؛ از موضع‌گیری‌های نظری بپرهیزید؛ و دست به تولید علم بزنید.
۵۶	کنت والتز	درک درست از تاریخ داشته باشید؛ و متون کلاسیک را بفهمید.
۵۷	کِت هارت	زبان را فرا بگیرید؛ در منطقه مورد مطالعه سفر کنید؛ و دغدغه‌های اصلی را پیدا کنید.

۵۸	کیس ون دیر پیجل	رویکرد انتقادی داشته باشید؛ دانشجوی خوب باشید؛ استادان الهام‌بخش انتخاب کنید؛ و از چشم‌انداز غیرمتعارف به مسائل ببینید.
۵۹	کیمبرلی هات چِنگس	کنجکاو باشید؛ صراحت داشته باشید؛ تمایل به تعامل با ایده‌ها داشته باشید؛ و نیز تفکر مستقل داشته باشید.
۶۰	کین یاکنیگ	فهم جغرافیا کسب کنید؛ در مسائل روز دید جهانی داشته باشید؛ یادگیری بزرگ را بیاموزید؛ و سازگاری بزرگ در زندگی‌تان پیاده کنید.
۶۱	کیوین دن	مطالعهٔ گسترده انجام دهید؛ و آشنایی به منابع دست اول داشته باشید.
۶۲	گابریل هِخت	زبان را فرا بگیرید؛ تاریخ را بخوانید؛ و سفر کنید.
۶۳	لوید لیدیسدورف	در کنار تخصص، وسیع بیندیشید؛ ساینس، فن‌آوری و اقتصاد را بدانید؛ صراحت داشته باشید؛ و چارچوب شکنی کنید.
۶۴	مارتین شاو	تعهد به مسائل جهانی داشته باشید؛ و تعهد به بورس تحصیلی داشته باشید.
۶۵	مارک دافیلد	پژوهش میدانی انجام دهید؛ کاوش‌گر باشید؛ و زبان را فرا بگیرید.
۶۶	مایکل شاپیرو	تفکر چندرشته‌ای داشته باشید؛ و نسبت به مسائل نگاه‌های متفاوت داشته باشید
۶۷	مایکل ویلیام	نظریه‌های کلاسیک را بفهمید؛ پر شور و شوق باشید؛ و رویکرد انتقادی داشته باشید.
۶۸	مِری کینگ	با علم جغرافیا آشنا شوید؛ برخورد متقابل داشته باشید؛ و از مسائل جهان درک درست و کامل داشته باشیم

۶۹	مری کلدور	کنش‌گرا باشید؛ رویکرد انتقادی داشته باشید؛ محصور روایت‌های سیاست‌های جهانی نشوید؛ و در مورد جریان‌های اصلی ژرف‌نگر باشید.
۷۰	مریشیا زاولسکی	کارهای غیرمتعارف انجام دهید؛ به کشورهای مختلف سفر کنید؛ و به بیرون از محیط دانشگاه توجه کنید.
۷۱	مِریم ایلمن	رشته‌های علوم اجتماعی را بفهمید.
۷۲	مایکل دویل	دکتورا بگیرید؛ شغل دانشگاهی انتخاب کنید؛ کارهای سخت علمی انجام دهید؛ و در مسائل جهانی دخیل شوید.
۷۳	نِد لیبو	زبان خارجی بیاموزید؛ دیگر فرهنگ‌ها را بدانید؛ آشنایی با یک فرد خارجی داشته باشید؛ و پیشینهٔ تحقیق خود را بدانید.
۷۴	نیکولاس انوف	نظریه‌ها را بفهمید؛ خلاقیت داشته باشید؛ از سرخوردگی نهراسید؛ و یک روش منحصر به فرد را کشف کنید.
۷۵	یان ژدون	از الگوهای خودمانی پیروی کنید؛ روابط بین‌الملل را از منظر تاریخ باستانی و باستان‌شناسی بررسی کنید؛ و فراروش‌شناسی را بدانید.

How To Become An IR Specialist?

2023

Responses from International Studies' Scholars

Edited by:
Mirwais Balkhi
Mustafa Aqeli
Khan M. Khush Fitrat